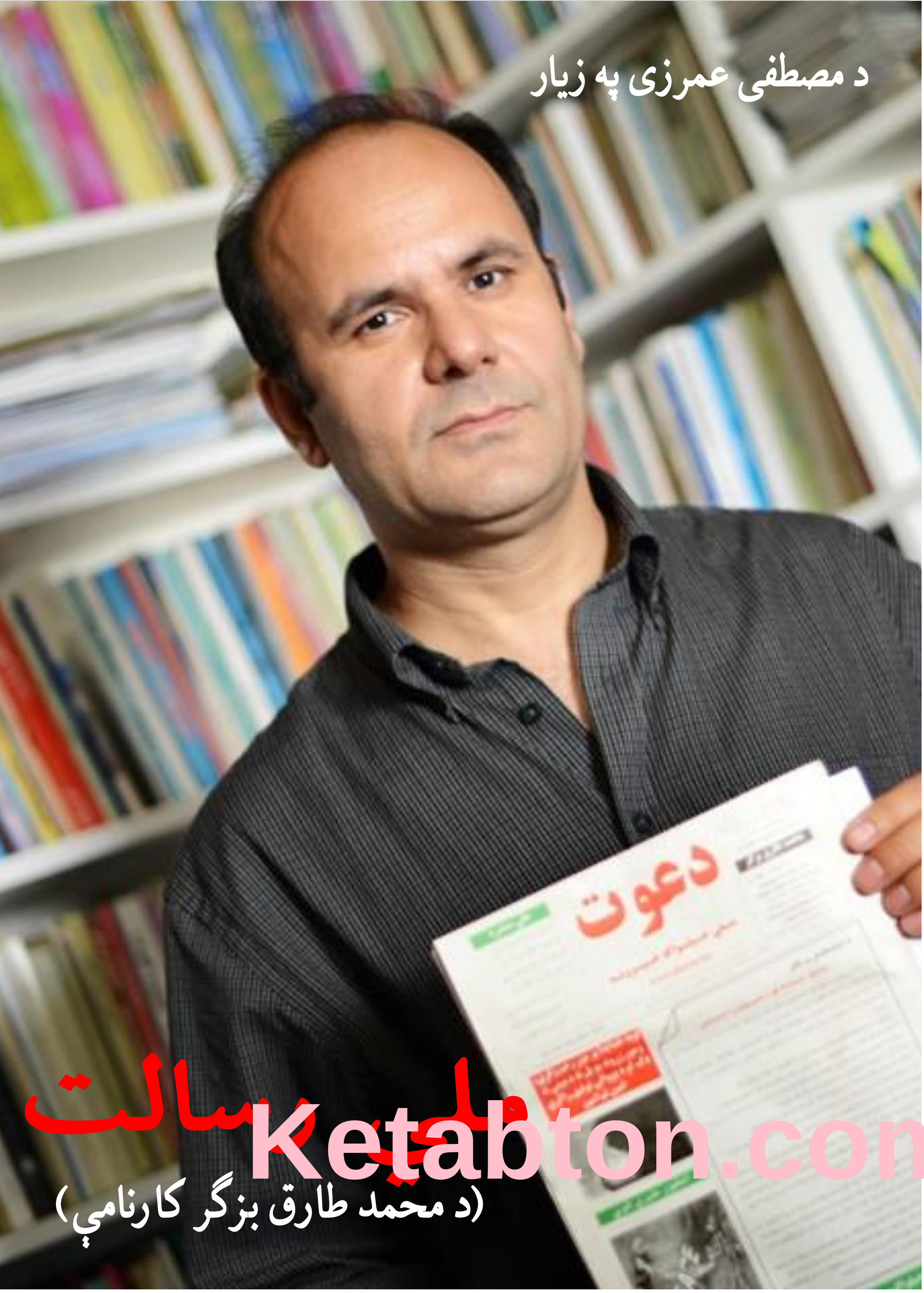

د مصطفی عمرزی په زیار

ملي رسالت

(د محمد طارق بزگر کارنامې)

Ketabton.com

(c) ketabton.com: The Digital Library

د لوی خدای په نامه

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت نشریې د یو دیرشم کالیزې په ویاړ
به افتخار سی و یکمین سال نشریه ی دعوت

ملي رسالت/ رسالت ملی

(د محمد طارق بزګر کارنامې/ کارنامه ی محمد طارق بزگر)

د مصطفی عمرزی په زیار

2019/۱۳۹۸

(c) ketabton.com: The Digital Library

کتاب پیژندنه

نوم: ملي رسالت / رسالت ملی
راټولونه، تنظیم او بیاکتنه: مصطفی عمرزی
سمونه: م.ع–م.ط.ب
دیزاین: م.ع
ژبې: پشتو او دری افغانی
مخونه: 203
خپرونکې: م. ط. ب
د چاپ شمیره: لمړی
چاپځی: کی یف–اکراین
ټوکې: 1000
کال: 2019/۱۳۹۸
ISBN: 978-82-691395-3-2

د دې کتاب د چاپي، انلاین او هر ډول خپراوي خوندي دي!

(c) ketabton.com: The Digital Library

په دی کتاب کې:

۱- رسالت ملی..1
لمړی څپرکی/ محمد طارق بزګر..5
۲- حبیب الله غمخور..5
۳- محمد نقیب تره خیل..21
۴- قدرت الله هیوادپال...24
۵- محمد سرور وکیلی..27
۶- امرالدین سرحد..28
۷- استاد کم باور کابلی...29
۸- پوهنمل رحمت ځواکمن...30
دویم څپرکی/ دعوت...32
۹- مصطفی عمرزی...32
۱۰- سراج الحق ببرک زی ځدراڼ...34
۱۱- کاندیدای اکادمیسین استاد محمد اعظم سیستانی...............................40
۱۲- عبدالغفار جُبیر...46
۱۳- قریب الرحمن سعید..48
۱۴- محمد آصف ننګ..51
۱۵- سردار ولی پشتون زوی..54
۱۶- شاهی سعادت...56
۱۷- استاد کاظم بیمار ننګرهاری..58
۱۸- شکریه بارکزی..60
۱۹- داکتر حضرت عمر زاخیلوال...61
۲۰- داکتر نبی مصداق..63
۲۱- محمد نقیب تره خیل..66
۲۲- ذاهد جلالی..68
۲۳- داکتر محمد نواب ویساند...70
۲۴- دکتور محمد عثمان روستار تره کی...73
۲۵- فهیم نظیمی...75
۲۶- بیکسیار..76
۲۷- داکتر جمشید سمون..79

(c) ketabton.com: The Digital Library

۲۸- اجمل روهی...83
۲۹- سرلوخ مرادزی...85
۳۰- دکتور استاد سید خلیل الله هاشمیان................................87
۳۱- پوهاند داکتر محمد حسن کاکر.......................................89
۳۲- داکتر عبدالصمد حامد...93
۳۳- هلمند پردیس...95
۳۴- استاد صباح...97
۳۵- استاد ابوبکر ساپی..102
۳۶- محمد امین بسمل..103

دریم څپرکی/ پیغامونه..106

۳۷- ولي الله ملکزی...106
۳۸- استاد عمر پاڅون..108
۳۹-داکتر صلاح الدین سعیدی...109
۴۰- نجم شینواری...110
۴۱- عظیم الدین علیمی..111
۴۲- استاد صباح...112
۴۳- داکتر لطیف یاد..113
۴۴- عاشق فنا..114
۴۵- ف. هیرمند..115
۴۶- انجنیر فضل احمد افغان...117-116
٤٧- د ادیسی ادبی ټولنی پیغام...118
۴۸- نیک هدایت ځاځی..120
۴۹- محمد ایاز نوری..121
۵۰- استاد محمد اسمعیل یون..123
۵۱- د زلمو پاڅون ټولنه...126
۵۲- محمد یوسف هیوادوست..130

څلورم څپرکی/ د بزگر څیره..132

۵۳- در مستند ناروېژی «پناهنده»...132
۵۴- در مطبوعات غربی...136

(c) ketabton.com: The Digital Library

۵۵- ستایش در انجمن فرهنگ افغانی.............................148
۵۶- ستایش در برنامه ی تلویزیونی ستاره های درخشان.........150
۵۷- ستایش در انجمن خیزش جوانان در سویدن..................153
۵۸- در گزارش تلویزیون ناروی..154
۵۹- ستایش نامه ها...155
پنځم څپرکی/ د دعوت نوستالژی..163
شپږم څپرکی/ د انځورونو البم...186
معرفی مصطفی عمرزی...200

(c) ketabton.com: The Digital Library

رسالت ملی
(مقدمه)

بی جا نیست اگر اذعان شود مواضع ملی ما از شروع تاریخ بحران (هفت ثور) تا کنون، افغان های بی طرف بوده اند. در این جریان، رفقای خاین که از امکانات دولتی، به جا مردم می افتند، در برابر خود در جبهاتی که از خشم ملت ساخته بودند، افغان ها را بسیج می کردند تا از کشور دفاع کنند. از همان زمان، سلسله ای از آدرس ها از گذشته، آینده و سرنوشت ما می گفتند. در این میان، آدرس هایی که با دیگران/ بیگانه گان گره خورده بودند، حتی در خط مقاومت ملی مردم، شبیه رفقایی عمل می کردند که آرامش خاطر را در کنار روس ها پنداشته بودند. برادران اخوانی تنظیم هایی که از شکم سیری میل کرده بودند از طریق افغانستان به بهشت بروند، آسایش افغان هایی را می گرفتند که دنبال تفهیم مسئله ی ملی می شدند.
رهبران مردمی که حول شاه پیشین، زنده یاد اعلی حضرت شاه محمد ظاهر(رح) گرد می آمدند، در دستان بسته ی شاه مرحوم، ریسمان هایی را می دیدند که ساخت شرق و غرب بودند. در آن سال ها، حتی طرح ملی موضوعات، گونه ای از تکفیر شمرده می شد. بازار الحادی و جهادی از کیسه های غربی و شرقی تمویل می شدند. بنا بر این، حاکمیت دولتی، ممثل منافع شوروی بود و جهاد افغان ها در خط اخوانیسم، از مردم و منافع ما دورتر می رفت. سخن از رفیق و برادر بود، اما ذهنیت افغان پابرجا که مسئله ی ملی را دوباره روی کار آورد، طیف دیگری از افغان ها را متحد می کرد که در هجرت می زیستند.
نشرات داخلی با اباطیل دولتی و نشرات بیرونی، به ویژه در جبهات تنظیم ها، پُر از تضاد و تناقض حامیان الحاد و توحیَد بودند. تورق تاریخ آن روز ها خلاف برداشت های چپی و راستی، محرز می کند محرکه گیریان تنازع، مُهره های بازیگرانی بودند که با عقب و جلو، بگیر و ببند، فتح و سقوط شهر ها در کمال راحتی و آرامش، در جلسات شرقی و غربی گرد می آمدند تا از همدیگر باج بگیرند یا به بهانه ی جنگ، صلح کنند.

(c) ketabton.com: The Digital Library

در واقع یافت تصویر واقعی مردم قربانی ما در آیینه ای متصور بود که خود آنان ساخته بودند. رسالت ملی محمد طارق بزگر، بخشی از علایق انسانی، شریفانه و ملی افغان هایی ست که در دیار هجرت، در پشت جبهات جنگ و فراموشی، مردم را به یاد افغانستان می انداختند. آن وطن، تداعی روز هایی بود که آزاد بودند.

تلقین حس ملی به طیفی که در گیر و دار قربانی می دادند و در سوی دیگر در دیار هجرت، از اصل گسسته می شدند، سعی ای بود که در کورسوی درک همه گانی، اما مجریان و قربانیان جنگ را به باور های ملی، نزدیک می کرد.

تا پایان حکومت ملا برهان الدین ربانی، منافع و مصالح ملی، قربانی موضع گیری هایی شده بودند که به اصطلاح در حد سگ جنگی های داخلی، گروه های متخاصم را به جان هم می انداختند تا با اشغال چند منطقه و ساحه ی ویران، از فتوحات دم بزنند.

امید های مردم با حاکمیت تنظیمی نابود شدند. بنا بر این، روشنگری هایی که همچنان هویت افغانستان را از لجن پی آمد تجاوز شوروی بیرون کنند، افغان های بی طرف، اما صاحب درک را به قربانی و ایثار بیشتر می کشاندند.

کتاب «رسالت ملی»، روایت مستند از زنده گی یک فرزند با درک و با وجدان این کشور است. من در این تجربه در انظار بزرگانی که این جریان(دعوت محمد طارق بزگر) را بهتر از من می شناختند، به نقاط پایان نکات مهم رسیدم. این افاده، خوب تر از آن چه سعی می کردم از منظر احاطه ی من به تاریخ، بخشی از رسالت ملی یک افغان را تاریخی کند، اهمیت دارد.

راویان «رسالت ملی»، ماخذ و منابع این کتاب اند. از کوچک ترین ها (به لحاظ سن) تا بزرگ تر ها (به لحاظ دانایی) مستندی از زنده گی مردی پرداخته شده است که در نمونه های او، بسیار نیستند. بخشی از این روایت برای من که در جریان جهاد بزرگ در کابل غمین، تکاپوی رفقای خاین را شاهد بودم، ضم مهم است؛ پشت جبهه ای که از پاکستان تا فراسوی مرز ها، افغان های دردمند را در سوگ وطن در مجامع مهاجران و پناهنده گان گرد می آورد تا در فراق کاشانه عزا

(c) ketabton.com: The Digital Library

بگیرند، اما یاد شان نرود سرنوشت مملکت در گرو افکاری ست که یکی با دعوت دیگری از زنگاره های باد و بوران تاریخ می زدودند.

تامل روی برگ های دعوت، خلاف برداشت دیگران، صورت حال صفای افغان هاست. در این کوشش در هجرت سعی می کردند هستی و زنده گی از حافظه ی افغان ها فراموش نشوند.

روایت سیاسی، جهادی و خبری سال های بحران، قسم معمول نشرات افغانی، به ویژه افغان های مهاجر بود، اما ویژه گی بسیاری آن ها با ترسیم اصالت های زمان صلح، از نگرانی دایم حرف می زد.

محمد طارق بزگر در مجموعه ای از نوشته هایی که به مناسبت های دعوت، پیرامون او و نشریه اش نوشته اند، حضور محسوس تاریخی دارد. بر این اساس ترجیح دادم به حرف دوستان و بزرگانی گوش دهم که بسیاری در شمار افغان های مهاجر، خیلی بهتر از برداشت من از کارنامه ی او می دانند: قیمت سال ها ایثار و دردسر فرهنگی در دیار هجرت، چه قدر است؟

راویان کتاب «رسالت ملی»، رسالت ملی محمد طارق بزگر را مشروح کرده اند. کار من در این اثر، بیشتر تنظیم نقش ها، نگاره ها و نوشته هایی بود که گزیده ای از دعوت ملی، اسلامی و افغانی ما برای تحفظ سرزمین آبایی و اجدادی نیز شمرده می شوند.

آشنایان دعوت و دوستان بزگر با شرح ماوقع بخشی از گذشته ی ایثار یک فرزند باوجدان این کشور، راه گشایند تا در این مثال، بازخوانی تاریخ غیر سیاسی افغان ها هم که رابطه ی منطقی آنان با قبل از هفت ثور است تفهیم کند: نیاز به گردآوری و تنظیم تاریخی داریم که در برگ های زمان هجرت در هر جا که قدوم افغان های دردمند، شروح مهاجرت هستند، با محتوای ملی به چشم می خورند.

در این کتاب، گزیده ای از نگرانی های افغان های آگاه در واقع ابواب نو می گشایند تا از عواطف، درک و احساسات ملت که در حاکمیت های کمونیستی، تنظیم و ملایی، اما حق حیات ما را فراموش نکرده بودند، به پیام هایی ملحق شوند که از مجموعه ی آن ها صدای ملت افغان در هرج و مرج سیاسی، زیر فشار های شرق و غرب، هرگز خاموش نشد.

(c) ketabton.com: The Digital Library

نوشته های این مجموعه، گزیده هایی از وقت و ناوقت مناسبت های دعوت و بزگر می باشند؛ عواطف گره خورده ی درهم که غایه ی آن ها شرح ماجرای رسالت ملی است؛ آن ها را در مقام تبیین نیاز ها، منافع، مصالح و اولویت های ما قرار می دهند.

مبدا، محتوا، ارزش و تداوم نوشته های فرهنگیان و قلم به دستان، این کتاب را در نتیجه ای مختص می کنند که منظور آنان از کار فرهنگی، غایه ی خدمت به مملکت و حفظ شوونات آن است.

رسانه ی دعوت و محمد طارق بزگر، دو نام پیوسته به هویت و مملکت ما در سال هایی شناخته می شوند که سرمایه های کلان مالی و بشری در جبهات شرق و غرق، حیف و میل می شدند.

مرور دعوت تاریخی مردم ما آشکار می کند اگر این محور ها (امثال دعوت و بزگر) نبودند، زاده گان زمینه ی جنگ و ویرانی در منظر تار و تاریک حیات محکوم به فنا، چه گونه آگاه می شدند که گذشته دارند و بخشی از آنان با هجرت در دیار غربت فراموش نکنند افغان استند!

مصطفی عمرزی
۱۱/ ۸ / ۱۳۹۷ش
آپارتمان های مارکیت ملی
کابل- افغانستان

(c) ketabton.com: The Digital Library

لمړی څپرکی:
محمد طارق بزگر

د محمد طارق بزگر د دعوت جریدې
او ویب پاڼې مسوول مدیر لنډ ژوندلیک

حبیب الله غمخور

د پښتو ادب ستوري الفت صاحب د دې ښکلي شعر په لوړېني سره زموږ د دې ځوان او هڅاند فرهنګي شخصیت، لیکوال، او ژورنالیست ښاغلي محمد طارق بزګر لنډه پېژندنه پیلوم.

د وطن د شرف سپریم نه وېرېږم
که د تورو ګذارونه دم په دم خورم
دا خوږي، غوړي کولې دې وي د نورو
د وطن د فاع کښې زه ګولۍ د بم خورم
چې په سر مې د وطن خدمت منلی
څه پروا ده که خپل سر لکه قلم خورم

د ښاغلي محمد طارق بزګر زموږ تکړه لیکوال او فرهنګی څېرې **۲۳** کلن فرهنګی او ولسي چوپړ یادغونډې ته ئې ډالۍ کوم.

د پیل خبري:

درانه لوستونکي خبر دی چې د سویډن پلازمېنه ستوکهلم په ښار کې زموږ دځوانانو د ((زلمو پاڅون ټولنې)) لخوا د ځوان فرهنګي څېرې د علمی او فرهنګی چوپړ د درنښت په ویاړ د روان کال د دسمبر پر لسمه یوه درنه غونډه رابللې ده.

یا خو ښاغلی محمد طارق بزګر صاحب ځوانه فرهنګی څېره ده او یا خو لا موږ تر اوسه دې کچې ته نه یو رسېدلي چې د خپلو شخصیتونو ژوندلیک ولرو. د غونډو د معمول او دغې تشې د ډکېدو په موخه مې پرېکړه وکړه د خپل دې فرهنګی دوست د پېژندلیک د مانۍ ډبره کښېږدم.

پدې پوره باور لرم چې د بزګر صاحب ژوندلیک به تر دې چې ما لیکلئ څو ځله اوږد او لوستل به ئې زموږ ځوان نسل ته ګټور وي. سره

(c) ketabton.com: The Digital Library

له دې چې د ښاغلي طارق بزګر صاحب د کار او فرهنګي چوپړ سره به ډېر هیوادوال اشنایي ولري، خو د دې لیکنې نه زما موخه داده چې له یوې خوا مې د هغه زیار او زحمت ستاینه کړې وي او د بلې خوا مې لږ او ډېر د دې دروند شخصیت په هغو اړخونو لوستونکي خبر کړي وي چې دوئ لا پرې خبر نه دي.

کله چې سویډن ته راکډه سوم دلته مې د فرهنګي ګټورو کارونو چې موخه ئې له یوې خوا په بهر کې د افغاني کلتور ژوندی ساتل او د بلې خوا ځوان نسل د دې کلتوري ارزښتونو سره په پیوند کې روزلو اړتیا احساس کړه، له نېکه مرغه دغه هدف ته د رسېدو لپاره د خپلو یو شمیر هیوادوالو ملاتړ مې سم دواره احساس کړ. د دوئ په هڅونه مې فرهنګي کارونو او پدې برخه کښې د ګټورو ګامونو پورته کولو ته زیاته پاملرنه وکړه. زما د همدې وطندارانو د هڅونې او ملاتړ په پایله کښې پر دې بریالی سوم په ۲۰۰۰م کال کې د لومړي ځل لپاره د پښتو ادب ستوري، سیاسي او ادبي شخصیت ارواښاد ګل پاچا الفت په ویاړ نړیوال علمي سمینار د مالمو په ښار کې جوړ کړ. په همدې سمینارکښې د ډېرو فرهنګي، علمي او سیاسي شخصیتونو تر څنګ د دې منلي او هڅاند فرهنګي شخصیت سره معرفي شوم. زموږ دوستی او د ګران هیواد افغانستان لپاره ګډه فرهنګی همکاري او هڅې تر نن ورځې پوري دوام لري.

دا چې په سویډن کښې د ژوندو فرهنګیانو، ادیبانو، شاعرانو او ژونالستانو د ستاینې او هڅونې، د ملي او وطنی چوپړ د درناوي او ارزونې په ویاړ یو په بل پسې درنې غونډې جوړېږي، زما او ټولوافغانانو لپاره د ویاړ ځاي دی.

دې ټکي ته مې پدې خاطر ګوته ونیوله چې له بده مرغه تر اوسه لا څنګه چې اړینه ده او په نورو ولسونو کې د ملي عنعنې بڼه لري په موږ افغانانو کې د خپلو ژوندیو څه قدر نسته. کله چې خداي نخواسته مړ سي، یوه نیمه ورځ ئې ویر وکړو او بیا د ابد لپاره رانه هیر سي. هغه د محترم ننګیال صاحب خبره ((نه د ژوندو چندان قدر کوو او نه د مړو.))

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دې ناخوالو سره پدې وروستۍ لسیزه کښې د ځوانو فرهنګیانو او روڼ اندو په هڅو او تلاښونو د فرهنګي ټولنو په مټ معقوله مبارزه روانه ده. د همدې ملي او معقولو تلاښونو په پایله کښې دا دي اوس د دې پروسې شاهدان، یو چې نه یوازي له هیواد نه بهر بلکې د داسي ستاین غونډو لمن تر افغانستان پوري هم غزیدلي ده.

اوس د ژوندیو لیکوالو، ادیبانو، شاعرانو، ژورنالیستانو او فرهنګیانو د ملي او وطني چوپړ درناوی کیږي او د هغوئ د ستاینې په موخه علمي او ادبي درنې غونډې جوړیږي او د همدې غونډو د جوړېدو په درشل کښې زموږ د ټولنې د ژوندیو ویاړونو ستاینه کیږي او هغوئ نور هم علمي او ادبي چوپړ ته هڅول کیږي.

زما له نظره ښاغلي محمد طارق بزګر نه یوازي فرهنګي شخصیت دی بلکې یو کارنده ژورنالست او تکړه لیکوال هم دی. د دعوت جریدې لپاره ټولي سرمقالې د همدې بزګر صاحب په قلم لیکل سوی، چې د ده د پوهي او وطني مینې ښکارندویه بېلګه ئې ګڼلاي سو.

ښاغلی محمدطارق بزګر نه یوازي د بیلابیلو مقالو په لیکلو سره بلکې دا ((۲۳)) کاله په پرله پسې توګه د افغانستان د ډله ایزو رسنیو په أسمان کښې د دعوت په نوم جریدې د خپرولو شمع روښانه ساتلې ده او له دې لارې ئې نه یوازي دا چې د خپلو لیکوالو او سیاسي څېړونکو نظریات تر هیوادوالو او نړیوالو رسولي، دا دي اوس ئې د ۱۹۹۷ کال را پدې خواد دعوت جریدې د نشرېدو تر څنګ دعوت ویب پاڼه پرانیستې او له دې لاري هم د افغانستان او نړۍ په ګوټ ګوټ کښې افغان لیکوالو ته د خپلو نظریاتو، علمي او ادبي لیکنو د نشر پوره امکانات برابر کړي دي.

ماته رامعلومه ده چې په بهر کې د یوې چاپي رسنۍ د کار پرمخ بېول څومره ستونزمن کار دی، خو ویاړ ئې پدې کښې دی چې د همدې رسنۍ په مټ لیکوال او ولس یو د بل په حال خبرېږي. ماته د بزګر صاحب هڅې او تلاښونه له نږدې معلوم دي او د ده د دې فرهنګي چوپړ په ملي ارزښت پوهیږم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت پر ټنډه ليکل سوی چې مياشتنی خپرونه ده، خو زه به ورته ورځپاڼه پدې خاطر ووايم چې په دعوت کې خپاره شوی مطالب دومره عالي او بډاي وي چې په يوه او دوو مياشتو کې نه زړېږي.
زه زموږ ځوان نسل ته مشوره ورکوم چې هره ورځ دعوت ته مراجعه وکړي او له هغه سره په مشوره د هيواد او نړۍ په هکله نوي نظرونه، نېکې مشورې او معلومات ترلاسه کړل شي.
زه نه غواړم پدې ليکنه کښې چې د بزگر صاحب ژوندليک ته مې ډالۍ کړېده د دعوت جريدې پر فعاليت او ملي ادبي ارزښت باندې ډېرې خبرې وليکم. دومره غواړم څرگنده کړم چې دعوت اوس يوازې داسې خپرونه نه ده چې د ملي کلتور او ثقافت ساتلو او ادبياتو په پياوړتيا کښې وياړلۍ ځای لري، بلکې د افغان قلموالو په بې ساري مرستې د افغانستان د سياسي، اقتصادي، فرهنگي او ټولنيزو پېښو د څو کلن تاريخ په کتابتون او أرشيف او د ورځنيو مسائيلو په اړوند د افغان ولس د نظرياتو او عقايدو د انعکاس په ډگر بدل سوئ دی.
طارق صاحب د ليکوالۍ او فرهنگی چوپړ په برخه کې د قلم چلولو تر څنگ د افغانستان د سياسي حالاتو په اړوند هم د ننداره کوونکی په توگه ندی پاته سوی. د خپل ژوند د امکاناتو په چوکاټ کښې د ملي گټو او هيوادوالو د هوسا او بسيا ژوند راوستو لپاره هم د فرهنگی ژوند د امکاناتو په چوکاټ کښې تلاښونه کړې دي او پر دې لار تر اوسه هم روان دی؛ ځکه خو ئې د افغانستان په اړوند په ټولو هغو کنفرانسو او غونډو کې چې په اروپايي هيوادو کښې جوړ سوی، فعاله برخه اخيستې؛ په کومو کې چې د گډون حق او بلنه ورکړه سوې ده. همدا ډول ئې د اروپا په مختلفو هيوادو کې د فرهنگی ټولنو په نوښت علمی او څېړنيزو کنفرانسونو، سمينارونو او غونډو کې هم فعاله برخه اخيستنې ده. دا خو لا پرېږده چې دا ۲۳ کاله د کډوالۍ د ژوندله ټولو کړاونو او سرگردانيو سره د دعوت جريدې او دعوت ويبپاڼې د خپرېدو تر څنگ دا دی اوس د يوه پښتو ژبې تلوېزيونی چينل د جوړېدو لپاره شپه او ورځ نه ستړې کېدونکی تلاښونه کوي.
زه محمدطارق صاحب ته پدې وطنی او ملي فرهنگی چوپړ کښې د لازياتو برياو په غوښتلو سره خپلې تبصرې لمځی رانغاړم او غواړم درنو

(c) ketabton.com: The Digital Library

لوستونکو ته په لنډو ټکو کښې د دوي دغه فرهنګي چوپړ دبڼې د مالیار، تکړه لیکوال او ژورنالست وروپېژنم.
زېږېدنه، یا دې نړۍ ته سترګې غړول:
د پښتو ژبې دغه پېژندل سوې څېره او ژورنالیست محمد طارق بزګر لـه نن څخه پوره ۴۵ کاله پخوا دې نـړۍ تـه پـه ۱۳۴۵لمریـز کـال د کنړ ولایت د نرنګ ولسوالۍ اوسېدونکی ارواښـاد عبـدالقیوم بزګـر پـه یـوه منوره او متدینه کورنۍ کښې دنیا ته سترګې غړولي دي.
ارواښاد عبدالقیوم بزګـر د کابـل پوهنتـون د حقوقـو او سـیاسي علومـو پوهنځی نه تر فارغېدو وروسته د ظاهر شـاه او داوودخـان پـه رژیمونـو کښې مختلفې دولتي دندو په کار ګمارل سوئ دي او هغه ئـې پـه پـوره امانتدارۍ او صداقت سرته رسولي دي.
ښاغلي طارق بزګر لومړنۍ او منځنۍ زده کړې د کابل ښـار پـه مختلفـو ښوونځیو کښې سرتـه رسـولي دي. نومـوړی لا د کابـل ښـار د نـادریې لیسې پـه یولسـم ټـولګۍ کښـې پـه زده کـړې مصرـوف و چـې دی پـر افغانستان د شوروي اتحاد د یرغل په وړانـدې د مخالفـت لـه مخـې پـه ۱۹۸۰ کې له کابل نه د پېښور په لور هیواد پرېښېدو تـه مجبـور سـو؛ پـه داسې حال کې چې کورنۍ لا په کابل کې اوسیده.
د نوموړی په وینا هلته هم د کورنۍ لخوا ورته تل د زده کـړو سپارښـتنه او هڅول کیده، څکه خوئې عالي تحصیلات د پېښور په اسلامیه کـالج او د پېښور پوهنتون نه په سیاسي علومو او اسلامیاتو په برخه کښې عالي او مسلکي تحصیلات په برې پاي ته ورسول.
په کوزه پښتونخوا کښې تر اته کاله ژوندکولو وروسته په ۱۹۸۸ ز کـال د یوازې د ناروی هیواد ته رامهاجر سو. د هغه کره معلوماتو له مخې چـې په ناروی کښې ئې د ښاغلی طارق بزګر په اړه لرم دلته ئې هـم د نـاروي دلوړو تحصیلاتو په موسسه کښـې (Bodø High School Norway) انترنیتی ژورنالیزم ولوست او تر هغه وروسـته ئې دکـانبرن (Canburne University) په پوهنتون کې د ژورنالیزم په برخه کښې تحصیل کـړی او تر اوسه په زده کړو بوخت او وایی چې تر څو ژوندی وی زه بـه تـل یو زده کوونکی یم.
لیکوالي او فرهنګي چوپړ:

(c) ketabton.com: The Digital Library

بزگر صاحب وايي لمړی ځل مې په ۱۹۸۲ ز کال پېښور کې د کډوالۍ د ژوند په شرایطو کښې د مقالوپه ليکلو پيل وکړ چې تر ۱۹۸۸ ز کال پوري د افغانستان او نړۍ په مختلفو رسنيو کښي په پښتو، دری، اردو او عربی ژبو خپرې شوي دي. طبيعی ده چي تر اوسه ئي له نبکه مرغه د قلم رنگ نه دئ وچ سوی او گوتي ئې د قلم ښورولو او ماغزه يې د تحليل او مسائيلو د څېړلو پوره او غښتلئ توان لري. پر دې خداي ورکړي استعداد دې نور هم برکت وي.

د دې هڅاند ليکوال او له هيواد سره مينه ناک ژورناليست د ليکنو تنده پرديو رسنيو نسوای ماتولاي. همدا دليل وو چې پس له ډير زيار او زحمت نه ئې پخپله د يوې چاپی رسنۍ ((دعوت)) په نوم مهالنۍ خپروني چې بيا وروسته په جريده بدله سوه په خپرېدو لاس پوري کړ. دعوت دا ((۲۳)) کاله په خپلو ((۲۳۰)) خپرو شوو گڼو کښې چې د نړۍ تر پنځوسو هيوادو پوري رسېږي، افغان ولس ته د خپل هيواد او ټاټوبي سره مينې او محبت د د ې ټاټوبي اوسېدونکو ته د انساني چوپړ، په هيواد کې د هوسا، بسيا او دموکراتيکي ټولني د جوړېدو لپاره د ملي، علمي، سياسي، ادبي او فرهنگی رښتياني او گټور چوپړ دعوت ورکړی. دې خپروني هيڅ کله خپل نظر او عقيده پر لوستونکو او د هيواد سياسي، ټولنيز او فرهنگی بهير پر مينه والو نده تپلې، بلکې د خپل نظر د څرگندولو تر څنگ ئي تل د افغانستان د مختلفو سياسي، علمي، فرهنگی او مذهبي څېرو نظريات او عقايد تر خپلو لوستونکو او مينه والو پوري رسولي دي.

دعوت خپروني او دعوت ويبپاڼه کښي د ورلېږل سوو ليکنو او مطالبو خپرولو مسوولیت د محمدطارق بزگر پر غاړه دی، خو په دعوت جريده اودعوت ويبپاڼه کښي د نظرياتوخپرول او په خپلو نظرياتو افغان ولس خبرول د هر ليکوال او د عوت قلمی همکار دنده او مسئوليت دی. اړينه ئي بولم څرگنده کړم چي د څو کالو راپدې خوا دعوت جريده په پښتو، دري، انگليسي اوناروېري ژبو ليکنې خپروي.

د دعوت جريدې او دعوت ويبپاڼې د ۲۳ کلن علمي او ادبي چوپړ ارزوني په اړوند، زه يوازې د دې نشراتي ارگانو د قلمي همکارانو او لوستونکو دڅو دوستانو د ليکنو او پيرزوينو څو ټکی د بېلگې په توگه

(c) ketabton.com: The Digital Library

را اخلم، تر څو درانه لوستونکي د دې نشراتي ارګانو او خپله ښاغلي بزګر صاحب د ژورنالستیک او فرهنګي خدمت د ارزښت او رول په هکله تر یوه بریده معلومات پیدا کړي.

ښاغلی ډاکټرصاحب نبي مصداق لیکي:

تاسو د ډېرو اقتصادي ستونزو سره سره دعوت وچلولو او د خوښي ځای دی چې ځان لپاره مو د افغانستان په مطبوعاتو کې د تل لپاره نیک نوم وګټلو. اوس چې هماغې جریدې تر څنګ ډېر اصلاح شوی او ښایسته ویب پاڼه هم پر مخ بیايې ډېر د خوشالي او افتخار ځای دی. ځکه مونږ دا دی درې لسیزې کیږي چې د نړۍ په هر ګوټ کې خواره شوی یؤ. دعوت جریدې ته د انتظار پر ځای، د ویب پاڼې له لارې د افغانستان په پیښو هره ورځ خبریږو.

زموږ بل د غښتلي قلم څښتن استاد صباح صاحب دعوت ارزونه کړې وايي:

نشریهء دعوت به مثابهء یک نشریهء ملی و وطنی در امر اطلاع رسانی و آگاهی عمومی، کار های نهایت مفید و ارزنده ای را انجام داده است.

تکړه لیکوال او ژباړونکي رحمت آریا صاحب د استاد صباح سره همغږي لري لیکي:

دعوت د خپلې ناپیلي او بې پرې تګلارې پر بنسټ د افغاني- پښتني دود او پښت د رغښت لپاره د خپلو نه ستړي کېدونکو هلو ځلو له لارې پیاوړې لاس ته راوړنې لري او ویاړ یې د افغانانو د ټولنیزو فرهنګي بنسټونو پرځلانده تندي د ځلانده ستوري په توګه ځلیږي.

هره لاره ځانته لوړې او ژورې لري، په ځانګړې توګه د افغانستان ناورین ځپلې ټولنه چې د ټولنیز ژوند هرګوټ یې د درو تېرو لسېزو خونړیو جګړو په ترخ کې په ژورو ګړنګونو اوښتی دی.

جګړې نه یوازې زموږ مادي شتمنۍ لوټ کړې، بلکه زموږ معنوي ارزښتونه یې را دړې وړې کړل. نیواکګرو او ښکیلاکګرو ځواکونو د دغې ټولنې هره برخه ونړولهؤ خو د ډېرې خواشینۍ ځای دا دی چې دغه نړونه نه یوازې پردیو وکړه، بلکه یو شمیر ککړو افغان لاسونو هم پردیو ته په چوپړ کې د دغې نړونې پر اور دومره تیل ور توی کړل چې ان پردې په خپله ورته هک پک پاتې شول.

(c) ketabton.com: The Digital Library

هرگوره! د دعوت ویبپاڼه یوه له هغو رغښتگرو زړه سواندو لاسونو څخه ده چې د دغې ورانۍ په بیا جوړونه کې شپه او ورځ نوښتگرې خولې تویوي.

په وروستیو وختونو کې د دعوت ویبپاڼې انځوریزه مخبڼه هم په نوې بڼې راواوښتله او د پخوانۍ مخبڼې په پرتله یې لا ښکلا وموندله.

کاندیدای اکادمیسین او تاریخ پوه محمداعظم سیستانی صاحب هم د دعوت ستاینه کوي وایي:

دعوت با چاپ، نشر و توزیع ۲۱۱ شماره، واقعاً رسالت بزرگ ملی و فرهنگی خود را در جهت آگاهی دادن و آگاه ساختن هموطنان خود از تازه ترین تحولات اجتماعی و سیاسی متعلق به کشور جنگ زدهٔ افغانستان، به دوش گرفته و تا آن جائی که من می بینم، این رسالت را به نحو تحسین برانگیزی ایفا کرده و می کند.

ښاغلی پوهاند دوکتور مجاوراحمدزیار صاحب د دعوت دشلمې کالیزې په مناسبت خپل لیږل سوی پیغام کښې لیکي:

زه پر خپل وار د دغې ټولمنلې مهالنۍ شلمه کالیزه گران او هڅاند رسنوال دوست محمد طارق بزگر ته نیکمرغه او ښه وایم. ټولمنلتیایې تر هرڅه له مخه په دې دوو ټکوکې نغښتې چې یوخوایې د درو خپرنیو(پښتو، پارسي او انگلیسي) ژبو په کارونه د قلمې همکارانو او لوستونکو کړۍ ښه ترا غځولې او بل یې له ټولو رسنیزو اړونو سره سم هرې اندپوهې او لیدتوگې ته خپله غېږ تل پرانېستې پرې ایښې ده. په دې توگه یې د هغو لنډ اندو بنسټپالو او بېلتونپالو د بېځایه نیوکو پلمه له منځه وړې چې گډ تاریخي هېواد او هېوادوال د خپلو ناولو سیاسي، اندپوهیزو او ژبتوکمیزو او بیا د بهرنیو بادارانو له گټو وټو ځاروي.

د ژوند په داسي ناخوالو کې یې ډیر کم خلک شل کړي، خو ها د صالح محمد صالح صاحب خبره ستاسو دعوت ستاسو په افغاني همت او د پښتو او وطن سره د بې دریغه مینې او محبت په احساس سره دا دي شل کړه.

مطبوعاتي کار او دیوې ملي خپروني پرمخ بیول هغه هم د غرب په لالهانده ژوند او د وطن په داسي وینو لړلی، لړزانده او د رنگونو په بازار

(c) ketabton.com: The Digital Library

کې د زړه خوږ غواړي چې څوک دي شل کاله ور باندي ووهي او ځان ته لوی ویاړ تر لاسه کړي.

زموږ پیاوړی لیکوال په استرالیاکې مېشت افغان ښاغلي هدایت الله هدایت صاحب، خپله ارزونه پدې ښه زموږ او تاسو سره شریکوي:

محترم بزګر صاحب!

تازه ستاسو د دعوت ویبپاڼه هم د شکل او محتوی د لحاظه ډېره ښکلې او بډایه سوې او په افغاني حلقو کې یوه مطرح او درنه پاڼه ګرځېدلې ده.

تاسو ګران د دعوت په خپرونو کې د بیان و آزادی او وطني رسالت ته مو ښه پوره میدان ورکړی دی چې دا کار ستاسو د پراخ نظر او وطنپالني استازیتوب کوي. هغه باور او درناوی چې تاسو ګران یې و ورځنیو ملي غوښتنو او پښتنو ته کوی او هغه واقعیتونه چې تاسویې په دعوت کې منعکسوی، نو ستاسو پاڼه یې د زیات قدر وړ ګرځولې ده.

د کابل پوهنتون استاد کاظم بیمار صاحب لیکي:

د دعوت جریده او بریښنا پاڼه د تاسیس د ورځې څخه بیا تر نن پورې د ګران هیواد افغانستان او هیوادوالو په خدمت او چوپړ کې ده. او په دغه لیار کې مخ په وړاندي روانه ده او د حقایقو په نشر-او خپرولو کې یې هیڅ وخت دریغ نه دی کړی او د هیچا او هیڅ قدرت تر تاثیر لاندي نده تللي او هیڅکله یې ځان په ژبني، قبیلوي، مذهبي او سمتي تعصبونو او تبعیضونو ندی ککړ کړی.

دعوت، بیطرفه جریده او بریښنا پاڼه ده؛ مګر بې غرضه نده، ځکه چې د خپل هیواد د ملي مصالحو او د وطن د تمامیت مسوولیت په غاړه لري. دغه غرض ته د رسیدلو لپاره یې تل ملي خیرې او ملي مبارز شخصیتونه را دعوت کړي چې د وطن د ملي مصالحو او ملي ګټو څخه په دفاع قلمي مبارزې ته پرله پسې دوام ورکړي.

له امریکانه استاد قدرت الله فرهاد صاحب بیا وایي:

دعوت رښتیا شل کلن ښکاري. له دعوت سره زما اړیکه وه او ده چیرته چه د پښتو شمع بله شي، هلته پتنګان وي.

د افغانستان له پلازمېنې کابل ښارنه ښاغلی احمد فرزان صاحب لیکي:

(c) ketabton.com: The Digital Library

د پښتو په رسنيز بهير کی دعوت ځانګړی ځای لري. ښايی د اوسنيو ټولو پښتو خپرونو او خپرنيزو بنسټونو سرلاری يی وګڼو. زه د زړه له تله خوښ يم چې زموږ فرهنګي او قلمی ملګري په دی توانيدلي چې د خپلی ژبی لپاره يی د چوپړ دونه اوږد واټن طی کړی او لايی هم ورته ملا تړلي چې تر منزل مقصود پوري ځان ورسوي.

ښاغلی عمر پاڅون ليکي:

زه دعوت سره د ۱۹۸۸ کال راهيسې په اړيکه کې يم. دعوت د لاس په ليکلو د خپل منزل په لور رهي شو. ډير زر يې ټايپ ته لار ومیندله چې په ډير لنډ وخت کې کمپيوټر ته ننوت چې چاپي جريدې سره يې يوه د دعوت ويبپاڼه د ۱۹۹۷ نه هم خلاصه کړه. اوس دعوت يوه جريده نه بلکه يوه ميډيا ده چې نن په زرګونو لوستونکي لري.

دعوت نه يواځې افغانانو ته په پښتو او دری، بلکه بهرنيانو ته هم په انګليسي او ناروېژي ژبو په زړه پورې ليکنې وړاندې کوي. همدا سبب دی چې ډير بهرنی لوستونکی او ليکونکی لری.

انجنير فضل احمد افغان له کاناډا نه پدې هکله خپل نظر د لوستونکوسره پدې ښه شريکوي:

زه وياړم چه د دعوت د ويبپاڼی سره اړيکې لرم او ښی زده کړی ورنه کوم. زه تاسی ګران او قدرمند ورور ته چې خپلې شپی او ورځی مو د ګرانو وطنوالو په چوپړ کی د دين، سولې، آزادۍ او استقلال له پاره وقف کړی دی او د وطنوالو له پاره زحمت باسئ د پاک الله نه ستاسی نور بری غواړم.

محمد اياز نوری صاحب له هالنډ نه د انجنير فضل احمد افغان دخبرو پخلی کوي وايي:

د دعوت نشرات تل د ملت په دفاع او د حقيقت په ويلو استوار وو او دي. قلمي همکاران يې هم ټول افغان لوړ ملي او د لوړ انساني احساس درلودونکي افغانان پاتې شوي دي. او البته کله چې يوه رسنۍ د يوه واقعاً ملي مبارز شخصيت لکه محمد طارق بزګر صاحب له خوا اداره کيږي، معلومه ده چې هلته ملي خاين ور نشي ورټکولای.

د دعوت جريدې او دعوت ويبپاڼې د ارزونې کړدۍ لمځۍ د ګران ځوان او تکړه ژورنالست صالح محمد صالح پدې ټکو رانغاړم چې

(c) ketabton.com: The Digital Library

وايي: بزگرصاحب! دعوت شل کړه. هغه وړانـدي ليکـي، دعـوت هغـه خپرونه ده چې په تېرو دوو لسيزو کې يې د افغان ولس ملگرتيا کړې او که نورو دې ولس ته ټوپک او ټانـک ډالـۍ کـړي دي، خپرونـې ورتـه پوهـه، مينـه او ورورولي ورکـړې ده. د نېکمرغـۍ ځـای دی چـې دې خپروني دوې لسيزې عمر وکړ. ډېرې خپروني خو داسې دي چې تر يو څو گڼو وروسته يې بيا څرک نه لگېږي، خو دعوت برېښنـايي نـړۍ تـه هم لار خلاصه کړه او د نړۍ هر گوټ ته يې ځان ورساوه، چـې پـه دې برخه کې د ښاغلي محمد طارق بزگر هڅې د ستاينې وړ دي؛ چـې پـه دومره بوخت ژونـد کـې يـې شـپه او ورځ پـر ځـان يـوه کـړې او دغـې خپروني ته يې ژوند ورکړی.

غواړم دا خبره وکړم چې ماد دعوت جريدې او ويبپاڼې په اړوند د ځينو پوهانو نظرياتو ته يوه ځغلنده کتنه پدې خاطر وکـړه چـې دغـه نظرونـه پخپله د ښاغلي طارق بزگر د لنډ ژوند اوږد داستان بيـانوي، پـه لوسـتلو ئې لوستونکی ته له ورايه څرگندېږي چې ولـې مـوږ د ده قـدر کـوو او ولې ځوان نسل دې ته رابولوچې د خپلو فرهنگيـانو، اديبـانو، پوهـانو او عالمانو په نظرياتو او هڅو ځان خبر کړي.

په علمی غونډو او سيمينارونو کې برخه اخيستل:

لکه څرنگه چـې د ليکنـې پـه پيـل کښـې مـې اشـاره ورتـه وکـړه، بزگـر صاحب پر هغو کنفرانسونو او غونډو سربېره چې په اروپـايي هيـوادو او امريکا کښې د افغاني فرهنگی ټولنو په نوبت جوړې سوې په يوشـمير نورو هغـو نړيوالـو کنفرانسـونو کښـې هـم برخـه اخيسـتې؛ کـوم چـې د دولتونو او نړيوالو سازمانونو لخوا جوړ سوي دي. د بېلگې په توگه:

۱/ د ۲۰۰٦ کال د اپريل پر ۲۵ او۲٦ د ((اکو سيستم د بوټو څخـه ونـه د ساينس نظر او چلنجونه او د اکو سيستم او د غربـت مخنيـوی)) ترنامـه لاندې د ملگروملتو د سازمان لخوا علمي کنفرانس او ورکشـاپ چـې د ډنمـارک هيـواد د کوپنهـاگن پـه ښـارکې د دې هيـواد د بهرنيـو چـارو وزارت په مټ جوړ سوی وو.

۲/ د ۲۰۰۷ کال د جون له دوهمې نه د جون تر څلرمـې پـورې د قـانون اينښـودونکو ټولنـو لـه خـوا د G8 (۸ سـتر صـنعتی هيوادونـه) اجنـډا د

(c) ketabton.com: The Digital Library

ځنګلونو په نه وهلو سره د ګازونو د تولید کمولو اجندا ترنامه لاندې د برلین په ښار د المان هېواد په پارلمان (بونډسداګ) کې.

۳/ د ۲۰۰۷ کال اکتوبر ۲۹ څخه د نومبر تر ۲ دوهمې پورې، د ناروې د تروندهایم ښار کې د ملګرو ملتونو لخوا کنفرانس ((په نړۍ کې ټول ژوندي موجودات او په ځانګړې توګه د هغوی ژوند کول او اوسیدل)) (۲۰۱۰ او تر هغه وروسته). په دې کنفرانس کښې د ۸۰ هیوادونو د چاپیریال ساتنې لوړپوړو چارواکو برخه درلوده.

۴/ د ۲۰۰۹ کال د سپتمبر له ۱۳ څخه تر ۱۹ پورې د پولنډ په ګدانسک ښارکې د میډیا ۲۴ لخوا چې مرکز یې په سویس کې دی، د فنلند هیواد د بهرنیو چارو وزارت په مالي مرسته د ((د اوبو د بیځایه مصرف مخنیوي)) ترنامه لاندې ورکشاپ او کانفرانس چې د ۱۷ هیوادونو ژورنالستان وربلل شوی وو او د ژورنالستانو د شخصې روزنې او معلوماتو له پاره جوړشوی وو.

۵/ د ۲۰۱۰ فبروري له لمړۍ نه تر ۵ نیټې پورې د ملګروملتو او د ناروې د حکومت له لورې د ((ټولو ژوندي موجوداتو ساتنه او د دوامدارې پرمختیا له پاره کارکول)) تر نامه لاندې د ناروي هیواد تروندهایم په ښار کې علمي کنفرانس.

د دې پورته یادو شویو کنفرانسونو تر څنګ په ډیرو افغاني غونډو کې چې په امریکا، انګلستان، جرمني، ناروې، سویډن او نوروهیوادو کې جوړې سوي، فعاله برخه اخیستې ده.

د بزګرصاحب سره نړیوالو راډیوګانو لکه بی بی سی پښتو او فارسی، امریکا غږ پښتو او دری، ازادی رادیو، د فرانسې نړیواله راډیو فارسی، المان غږ دویچې ویلې پښتو رادیو سره په سلګونو سیاسي او ادبي مرکې کړې دي. همدا ډول د بزګر صاحب سره د افغانستان د ورځنیو سیاسي، پوځی حالاتو په اړوند ډیرې مرکې سوي چې په نارویژي اخبارونو، راډیو او تلویزیونونو برسیره په یو شمیر افغاني مجلو، اخبارونو او ویبپاڼو کې هم پر خپل وخت خپرې شوی دی.

د ښاغلی محمد طارق بزګر مورنۍ ژبه پښتو ده، خو هغه په دري، اردو، انګلیسي، نارویژي باندي پوره پوهیږي؛ خود دې ژبو ترڅنګ یوه اندازه په عربي ژبه هم پوهیږي.

(c) ketabton.com: The Digital Library

ز ماد معلوماتو له مخې نوموړي د افغانستان د مختلفو اړخونو پـه اړه د ۵۰۰۰ په شاوخوا کښې په پښتو، دری، اردو، انګلیس او ناروېژي ژبـو کتابونه او مجلې په خپل کورني کتابتون کې لري. بزګر صاحب وايي د کتابونو ټولولوسره له ډېر پخوا مینه او علاقه لري. همدا ډول پـه زرګونـو انځورونو، ویډیوئي کسټونو، سی ډي او کسټونو چـي پـه ټولوکښـي د افغانستـان پـه اړونـد معلومـات راټـول سـوی د بزګرصـاحب د کـورنۍ کتابتون یوه بله برخه جوړوي.

د دغو فرهنګي فعالیتونو په څنګ کې پر څـو کتـابونو کـار کـوي چـې ځیني يې تقریباً بشپړ او یو شمیر به ئې وروسته د چاپ جوګه شي.

د بېلګې په توګه:

۱/ ناروېژی پښتو ډیکشـنری چـې تـر اوسـه((۲۵۰۰۰)) لغتونـه پکښـي راغونډ شوی دی.

۲/ پښتو((۱۰۰۰)) لنډۍ د انګلیسي له ژباړې او تشریح سره.

۳/ پښتو((۱۰۰۰)) متلونه د انګلیسي له ژباړې سره.

۴/ د دعوت د خپروشوو لیکنو او مرکو کتابونه د کلکسیون په بڼه.

دولتی دندې:

بزګر صاحب زما دیوې پوښتنې په ځواب کې راته وویل: اوس د ناروې د دولتي ټلویزیون (nrk) سره په ځینـو پـروژو کـې برخـه اخلـم او کـار ورسره کوم. د دې تر څنګ د ناروې د پوهنې د وزارت سره د مفتش په توګه دنده لرم؛ او که مې وخت درلود نو د تلیفون لـه لیـارې کلـه ناکلـه ترجمه هم کوي.

ستاینلیکونه:

بزګر صاحب دخپل فرهنګی چوپړ په درشل کښې د امریکا پـه شـمالي کلیفورنیا کـې افغـاني کلتـوري ټولنـه، پـه جرمنـي کښـې د افغانسـتان د کلتوری ودې ټولنې، په امریکاکښې نور ټلویزیون او سویډن د مالمو په ښارکښې د دوستۍ فرهنګی ټولنې لـه خـوا پـه سـتاینلیکونو سره نـازول سوی او درناوی ئې سوئ دي.

کورنۍ ژوند:

ښاغلي بزګر د یوې پوښتنې په جواب کښې راته وویل چې درې ورونـه او څلور خویندې لرم. هغه زیاته کړه دوه ورونه مـې ډاکـتران او یـو بـل

(c) ketabton.com: The Digital Library

ورور مې د عربي ژبې او ادبیاتو څانګه کښي لوړې زده کړې لري او پدې برخه کې کارکوي.
د افغاني دود او دستور له مخې مې د بزګر صاحب د پتمنو خوینـدو د ژوند د څرنګوالي په هکله پوښتنه ونکړه. ډاډه یم چې هغوئ هم د تعلیم په ترلاسه کېدو سره اوس د خپل بخت په کور کښې خوښ او ارام پتمن ژوند ولري.
بزګر صاحب واده کړی او د ګډ کورني نېکمرغه ژوند ثمره ئې نام خداي څلور اولادونه دي چې مشر زوی ئې سباوون ۱۵کلن، لور یې اغلې مینه جانه ۱۴ کلنه، اباسین جان ۱۰کلن او کشری زوی ئې سمون جان یونیم کلن دی.
ماته له بزګر صاحب سره په اړیکو کښي دا څرګنده سوې چې بزګر یو پټ خولی، مؤدب انسان په توګه هیڅکله د چا په خبرو کې بې واره نه دی ورګډ سوی. چې چا پوښتلئ نه وی په مجلسونو کې پټه خوله ناست وي او د نورو خبرې په ډېر دقت سره اوري. که څوک پوښتنه ترېنه وکړي په ډېرو ساده او خوږو کلیمو جواب وايي. یوخوږ مجلسه سړی دي.
هغه یوله هغو علمي او فرهنګی څېرو څخه دی کوم چې د قومي بې اتفاقیو، ژبني، مذهبی او منطقوي توپیر سره مخالف وي. هغه تل په ټولو هغو غونډو کې چې ماهم یوځاي ورسره ګډون کړی، د یوه درانه او صابر نظر خاوندپه توګه پاته سوی او د نوبت ترلاسه کېدو په وخت کښې ئې په ډېرو ادیبانه جملو او له فرهنګی اخلاقو نه په ډکې روحیې سره د اړونده مسلې په هکله خپل نظر وړاندي کړی او له هغه څخه ئې د منطق په توان دفاع کړې ده. هېڅ وخت مې نه په یادېږي چې د یوشمیر په اصطلاح پوهانو او لیکوالو په څیر دې دیوال ته سرټمبه کړی وي او خپل نظر دې پر اورېدونکو په زور او یا د ترېبون له امکاناتو څخه په استفادې سره په چاومني. په یوه خبره د زښتو درنو عالي اخلاقو څښتن په توګه پر موږ ټولو هغو چې پېژنويې د یوه درانه شخصیت په توګه ګران او د قدر وړ شخصیت دی؛ څکه خو پدې ډاډه یم چې بزګر صاحب به زموږ په ټولنه کښې دیوې وتلې او زړه وري فرهنګی څېرې

(c) ketabton.com: The Digital Library

په توګه د تل لپاره د افغان ولس په څنګ کښي د درناوي وړ شخصيت پاته وي.

ښاغلي بزګر د خپل نه ستړي کېدونکي زيار او زحمت پـه پايلـه کښـي زيات علمی، ادبي او فرهنګي اثار د دعوت خپرونـې لـه لاري زمـوږ د جګړه ځپلی هيواد راتلونکو نسلونو ته ديوې علمـي او ادبي پـانګي پـه توګه په پنځوسو هيوادو کې د افغانسـتان د اوسـنيو او راتلونکـو حـالاتو مينه والو کورونو ته رسولي دي، خو دا په ځوان نسل پوري اړه لري چې د دې پټې خزانې او زموږ د هيواد د ليکوالو او سياست پوهانو له معقولو نظرياتو او انديښنو نه څنګه او په کومه بڼه د هيواد د روښـانه راتلـونکې په موخه استفاده کوي.

دعوت ويبپاڼې اوس د افغان ولس په ځانګړې توګه زمو د پوره پوهاوی په موخه په يو ډير عـالي ابتکـار لاس پـوري کـړئ؛ هغـه دا چـې پـدې وروستيو کې زموږ د هيواد يو شمير پوهانو سره په دوامداره توګه مرکـې خپروي. زه پدې باور يم چې له دې لاري به دعوت وکولای سي افغان ولس ته د دوي د پوهانو نظريات او وړانديزونه په ښه توګه ور ورسوي.

د هيواد پداسي نازکو شرايطو او ترينګلو حالاتوکې چې زمـوږ ولـس د يو سخت ازمون پر ډګر ولاړ دي، دا ملت د دوستی په جامه کښي د بېلا بيلـو زبرځواکـو د دښـمنيو او ډول ډول دسيسـو لـه سـختو سـېلابونو او توفـانونوسره مخـامخ دی، اړينــه ده چــې د هيــواد د داسي ځوانــو شخصيتونو درناوی وشې او هغوي د ټول افغانستان په ګټه نور هم مـلي چوپړ ته وهڅول سي.

زه ديوه افغان په توګـه د ځـوان نسـل سره د افغـاني مينـې او د دوئ پـه وړاندي د مسووليت په درکولو سره کوښښ کوم که تکرار هم وي دوي ته د ليکنو په وسيله ور په ياد کړم چې تاسو پيـاوړي پوهـان، ليکـوال او څيړونکي لرئ؛ د هغوئ عزت که بل څوک نـه کـوي، تاسـو ئي بايـد د خپلو عادي ساده او لړو امکاناتو په لرلوسره وکړئ. هغه دا چـې د دوي په وياړ او د دوي پر ليکل شوو اثارو باندې ځانونه پوه اوبيا د بحـث پـه نامه يو په بل پسې غونډې جوړي کړئ او پدې غونـډو کښـې دوي تـه بلنه ورکړئ او د دوئ نه وغواړئ چي ستاسو سره پر يـوه کمبلـه او يـوه

(c) ketabton.com: The Digital Library

چوتره کښېني او تاسو په خپلو عالمانه او له تجربو نه ډکو خبرو او پيرزوينو ونازوي.

د خپل هيواد د عالمانو او پوهانو په وړاندې بې تفاوتي او نالوستوب به زموږ ټولنه تر يوې بلې پېړۍ پوري هم د ګاونډيانو او نړيوالو د اقتصادي، سياسي، ټولنيز او فرهنګی ستم او تيري لاندي وساتي.

په ګران او سوځېدلي افغانستان کښې د علم، پوهي او خپل منځی مينې او محبت زياتېدو لورته د پياوړو ګامونو د پورته کېدو اوخپل هيواد د هر خواخوږي او صادق قلموال، علمي او ادبي شخصيت د ستاينې او هڅونې په هيله.

(c) ketabton.com: The Digital Library

ریښتني شخصیت

محمد نقیب تره خیل

محمد طارق بزګر له تنکۍ ځواني پدې باور وه چې تفکر د معرفت او معرفت د هدایت او هدایت د رضایت، قناعت او د ریښتنی شخصیت تومنه ده. نو هغه د تفکر په قوت د پیسو ګټلو پر ځای د علم ګټل خوښ کړل. معرفت هاغه د معنویت واټ ته هدایت کړ، هدایت هاغه راضي او قانع کړ، چې د ثروت او قدرت عمر لنډ او تنګ وي. او بل که د قدرت په وخت کې د شخص نفس مهار او خسي نه وي؟ نو بیا مستي او هوس زیږوي او له قدرت نه انحراف کوي چې له امله یې ظلم او استبداد زیږیږي.

هر څومره چې د ټولنې منوره او حاکمه طبقه ریاکاره، خودخواه او جاطلبه کیږي، بیا هم هغومره فتنه او فساد زیږوي، څنګه چې همداسې په افغان ټولنه کې وشول اولا هم کیږي. یو شمیر کسانو په دا ۴۰ کالو کې د هیواد دننه او بهر په لس هاوو ګوندونه- تنظیمونه په سل هاوو ادبي- فرهنګي کولتوري ټولني د هیواد، اسلام، انسان او قوم پالني ترنامه لاندي جوړې کړی دي. خو هر هغه د ژمنو خلاف عمل وکړ، هغوئ د ثروت، شهرت او قدرت موندو په تمه همدا کولتوري او سیاسي دفترونه د اسلامیت، انسانیت او قومیت پلورني هټۍ ګرځولي. له همدې لامله د ارزښتنو پلورل د اکثرو افغانانو عادت شوی. له ټولنې حیا کډه شوی او بیشرمي په کې معاف شوی. همدا د ارزښتونو سوداګر په جبر او ظلم ثروت او قدرت ترلاسه کوي. بیا په ورته ډول قدرت ترې اخستل کیږي. د سلطنت له مرګ سره یې د شخصت مرګ جوخت وي.

دا منلې او عملي شوې وینا که انسان قدرت ته په ګونډو نشي- ثروت ته خامخا تسلیمیږي. بزګر هم د ابراهیم ابن ادهم غوندې د خپل مضبوط ایمان پر باور او د نفسي سپېڅلتیا په قوت پورتني وینا د خپل ځان په اړوند باطله کړې.

ابن ادهم د بلخ سلطنت د علم د زده کړې او د انساني خدمت پر مقصد د مکي معظمې پر قصد پرېښود. ډېر کلونه وروسته د بحر په څنډه ادهم خپلې څېرې او شړېدلي جامې ګنډلې، پر آس سپورکس یې تر څنګ تېرېږي، ورته ځیر ګورې پېژني یې چې زه خو د دې سلطان یو وخت وزیر

(c) ketabton.com: The Digital Library

وم. ورکښته کېږي او ادب يې کوي، ورته وايي اِې سلطانه! ولې دې بې هېڅه خپل سلطنت او عظمت پرېښود او ځان دې پدې مصيبت او مشقت اخته کړ. هغه ورله وايي، تر هغه سلطنت مې دا ډېر پراخ ښکلي او با قدرته دی، ابراهيم ستنه بحر ته گذاره وي، بيا غږ کوي، راکړه ستن مې، يو زر کبان له اوبو سرونه اوچتوي او د سرو زرو ستنې په شونډو کې نيولې وي. وايي، نه، زه مې خپله ستن غواړم! شېبه وروسته هم هغه ستنه يو کب ورته له اوبو راباسي. بل ځل ابن ادهم د مکې په کوڅه کې قدم وهي، يو يهودې هلک له خپل سپي سره ورپسې په تعقيب کې وي، کله چې هاغه تم شي دا هلک هم تميږي. خو څه وخت چې ابراهيم د ناستو کسانو خواته رسيږي، دا هلک پرې داسې غږ کوي: اې بوډا! دا ستا ږيره ښکلې ده، که زما د سپي لکۍ؟ هاغه ورته وايي زويه! که مې دا ږيره د خدای لپاره نه د ريا لپاره پرې اېښې وي او په ورځ د محشر زه په جهنم کې اوسم، نو د سپي لکې دې ښکلې ده او که په جنت کې يم بيا نو زما ږيره ښکلې ده، هلک ږومبې خجالتيږي، بيا ور درومي د هغه لاسونه ښکلوي او د شهادت کلمه وائي مسلمان کېږي.

بزگر صيب هم د ناروې په هستۍ او د ځوانۍ په مستي کې ثروت او قدرت دواړه د علم د زدکړې او ريښتني خدمت په نسبت بابېزه وگڼل. تر ځنگ يې د حق په پلوې او د باطل پر ضد د دعوت ادبي اخلاقي او روزنيز سنگرجوړ کړ. يقيناً چې ډېرو هېواد والو به د دعوت په رڼا د حقيقت لار موندلې وي. د دعوت رسنۍ د بزگر ريښتينولي او يومخي اثباته وي چې د مکان، زمان او حالاتو تابع شوی ندي، نن هم خپل هدف ته هسې ژمن دي لکه ۳۰ کاله پخوا چې وه.

ابراهيم د ادهم اولادې ته د پلار ميراثي سلطنت او ثروت بشپړه ورپرېښوول. د ادهم اولاد چې د شخصيت مشروعيت د سلطنت له درباره اخيستی وه. نو د سلطنت له بايللو سره جوخت بېشخصيته هم شول، خو ابراهيم چې يو سر او دوه غوږه نوم ورکې مکې ته راغلی وه، او د پوهې په رڼا د عقيدې په مضبوطتيا د نفس په سپېڅلتيا د مهره بانه او عادل زړه په لرولو يې خپل کوچنې او لنډ عمره شخصيت ستر او تلپاتې کړ. د دې تر ځنگ يې آن د کورني مړ شخصيت ژوندې وساته. د هر انسان د کار محصول د هغه د حقيقي شخصيت بنه ښيي.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د بزګر شخصيت دعـوت دي او دعـوت د پـوهۍ او کولتـور مرکـز نـن هـم ژوندی دي اوسبا به هم وي.

۱۴/۲/۲۰۱۹

(c) ketabton.com: The Digital Library

ښاغلی طارق بزګر چې زه یې پېژنم
قدرت الله هېوادپال

زه ښاغلي بزګر له ډېر وړوکوالي پېژنم؛ هم مې استاد دی، هم لارښود او هم معنوي پلار.
ژوندي قومونه تل خپل نېکان هڅوي او درناوی یې کوي. افغانستان چې نن له کومو ستونزو او ننګونو تیریږي په داسې حال کې دي چې د قلم جهاد او غورځنګ د ټوپک او زور له غورځنګه لومړی ځای خپلوي، او ښاغلي بزګر د دې سنګر ډېر تکړه او سپېڅلي مبارز دی.
زه ښاغلي بزګر له ډېرې زمانې راپېژنم؛ هغه مې استاد دی، ځکه د لیکنې چم یې راښودلی دی او تل یې هڅولی یم. اوس هم چې کله په ټلیفون سره غږیږو، نو له کورني احوال وروسته په ډېره خوږه ژبه او اصطلاح راپوښتي چې په وطن کې څه حال دی؟ تل مې هڅوي چې یو څه ولیکه. هیڅکله یې دا احساس نه دی راکړی چې زه نه پوهیږم یا دا څه چې دې لیکلي دي غلط یا اصلاح غواړي؛ ځکه د دوی علم او پوهې ته زه هیڅکله نشم رسیدلای او د دوی په وړاندې لیکنه به لکه لمر ته چې شمع ږدی، خو تل یې هڅولی یم. لارښود مې دی ځکه چې تل یې افغانستان لومړی ساتلی او هیڅکله د حکومتونو، خوځښتونو او اشخاصو له مفکورو نه دی اغېزمن شوی او دا درس یې راکړی چې بچیه! تل دا هېواد لومړی وګڼه. د اشخاصو او شخصي ګټو لپاره ملي ګټې مه قربانوه او معنوي پلار مې دی؛ ځکه چې پداسې حالاتو کې یې لاس راکړی چې ما پخپله هم خپل ښه او بد نه پېژندل او له خپل اولاد یې کم نه یم ګڼلی. زما په ښه تربیه او روزنه کې یې فعاله ونډه اخیستې ده.
افغانان تل په درانه خوب ویده وي؛ آن نن چې نړۍ ته سپوږمۍ لنډه ښکاري او د مریخ او نورو سیارو غمونو پسې یې راخیستی، موږ خپل کوچنی هېواد آرام نه کړای شو او له دریېمې برخې زیات نفوس مو بیسواده دی. له سیاسي او ټولنیزو چارو ناخبره دی او هغوی چې خبر دي هم د پردو ببولالې وایي او ملت لدې خوب څخه راویښولو لپاره هم ډېر خلک نه ګرځي. هر چا چې هر وخت وس شوې یا یې لدې

(c) ketabton.com: The Digital Library

خاورې پښې سپکې کړي او یا دلته د خپلو جیبونو په ډکولو دي؛ خو ملتونه تل د هغوی اتلو بچیانو ساتلي دي. زموږ د تاریخ یوه لنډه داده چې تل یې رزمي او جنګي اتلان نازولي دي، خو د قلم اتلان له پاملرنې پاتې دي. که امیر کروړ دی، بایزید روښان دی او آن نږدې سید جمال الدین افغان، پر دې یو هم داسې مؤثق او تاریخي کتاب نشته چې ټولې پوښتنې ځواب کړي او موږ لدې وروسته باید دا خلاوې ډکې کړو او ونازوو؛ هغوی چې د دې ملت راویښولو لپاره نه ستړې کیدونکې هلې ځلې کوي.

له کومې ورځې چې مې لیک لوست زده کړې، له هغې ورځې راهیسې دعوت لولم او دوامداره لوستونکی یې یم. تل یې خپله بېطرفي ساتلې ده. د ملت غم یې خوړلی دی. په ننني سیاسي چاپیریال کې چې نړیوالو د افغانانو سیاسي مفکورو او تبصرو ککړولو او ځان ته راړولو په خاطر په سلګونه راډیوګاني، ټلویزونونه او خپروني پیل کړي دي، له هر وخت زیات د بېطرفه او ملي خپرونو ضرورت ډېر احساسیږي.

ښاغلي بزګر مې خپل دی. د کورنۍ غړې مو دی او زه ویاړم چې په کورنۍ کې داسې ننګیالي لرو. زه نه غواړم چې ووایم څه خپلوي سره لرو؛ ځکه دا به لوستونکو ته یو څه شخصي او کورنۍ معاملې ښکاره شي، خو دومره وایم، چې زه نن څه یم په هغې کې د بزګر صاحب ډېره لویه ونډه ده، او د ژوند تر اخیري سلګۍ به یې زه احسانمند او منندوی واوسم، او دلته زما له لیکنې هدف هم شخصي درناوی او مننه ده، او هم د دې ملت د یوه خوار غریب بچي په حیث مننه چې دې ملت د مفکورو په روښانولو کې یې نه ستړې کیدونکې هلې ځلې کړې دي.

له ما پرته زه ښه باور لرم چې ښاغلي بزګر نور ډېر ځوانان روزلي دي او ورسره یې معنوي مرسته کړې ده؛ ورسره یې خپله پوهه او احساس راتلونکي نسل ته لېږدولي دی، چې ښه بیلګه یې د ځوانانو دې ټولنې دا احساس دی چې خپل ننګیالي ونازوي.

په موږ کې خود خواهي او د بخل مرض ډېر دی، خو د بزګر صاحب دا کمال مې هم خوښ دی چې نور هڅوي را میدان ته شي او پخپله ورته یوازې آسانتیاوې برابروي او شاته یې دریږي.

(c) ketabton.com: The Digital Library

په پای کې ورته لاډېرې برياوې غواړم، او ښه متيقن يم چې د علم او پوهې هغه صدقه جاريه چې دوی يې درويشت کاله وړاندې تهداب اېښې وو، د ډېرو ذهنونه روښان کړي او د ځان لپاره يې د ثواب او سرلوړۍ يوه دوامداره او تلپاتې سرچينه پريښې ده.

(c) ketabton.com: The Digital Library

ډېر ګران ښاغلی د قدر وړ بزګر صاحب!

محمد سرور وکیلي

زما د مینې او ورورګلوۍ ډک سلامونه او پېرزوني ومنۍ!
د دعوت خپرونه ۲۳ کلنه سوه. زما ښه یاد دي،چې له دې خپره ونې سره سم په ډېرو بهرنیو هېوادو کې نورو خپرونو هم پیل وکړ، خو ډېرو یې سقوط وکړ او ځینو یې چې شاته ګوندي پلوي اقتصادي تکیه لرله
د سیاست له مخې د هغې سیاسي تکیې څخه یې مالي مرسته ترلاسه کول او ترلاسه کوي یې؛ نو بېخې ډېر لږ یې پاتې دي؛ خو د دعوت خپرونه یوازې او یوازې ستاسو په عالي ابتکار، زیار او مالي لګښت مخته تللې او تر اوسه لاهم مخ ته ځي.
ماچې د دعوت په خوږې خپرونه کې کوم شی لیکه نو مې تل پر پښتنو لیکوالانو د اړغ کاوه، چې د دعوت له خوږې خپروني سره مرسته وکړئ، ځکه دا مالي بار پریوه کس باندې ډېر دی او دا خپرونه زموږ ده؛ خو تاسو د دغو تولو ربړونو او ستونزو سره سره دا خپرونه چې نن او سبا ۲۳ کلنه کېږي، پخپل پښتني غیرت او ژورنالیستۍ واک په یوازې سر تر دغه ځایه را ورسوله. تاسو رښتیا هم چې د قدر وړ او د ستاینې وړ یاست. خدای(ج) دې له هرې بلا، افت، ناروغۍ او خوارۍ نه وژغوره. امین!

په ادبي درنښت

(c) ketabton.com: The Digital Library

محمد طارق بزگر ته!

امرالدين سرحد

منډي يې وهلي يو پښتون په کلي کور کښې
دا يې وويل: چې لر و بر سوځی په اور کښې
ماتری اوریدلي په غوږو مې يو خبر دی
نوی راختلی ښکلی ستوری لکه لمر دی
راشی زمونږ انګړ ته په جرګو په مرکو شو
موټی شو قوت شو ژر اوچت په خپلو پښو شو
ډيرو واوريدلي دا خبري خونده وري وې
لاره يې روښانه لر و بر يې دا منلي وې
خلکو ورته وويل مالومه دی نن لاره کړه
فکر دی کوه په ښو خبرو مونږه خوشاله کړه
دی مونږ ته بيان شو وويل: دا مې قسم دی
وينه کې ده مينه دغه ځان مې د وطن دی
دعا وشوه د خلکو چې «بزګر» دی ژر په کار شی
جوړ دی کړی «دعوت» چې ويجاړ کلی زمونږ ښار شی
خپلو غمځپلو ته خدمت، ضمير مجبور کړ
ژوند د زمانی او حوادثو دئ مدير کړ
اوس نو مونږه لولو د «عوت» د زړه کيسي
تير شو يو لوی عمر په «بزګر» خوږي ترخي
تل دی د «دعوت» ډيوه روښانه وي
وړانګې يې تودي مخ يې ځلانده وي

(c) ketabton.com: The Digital Library

ستایش مردی که قلم را نفروخت!

(بزرگداشت جناب بزگر و رسانهء دعوت)

استاد کم باور کابلی

همرنگ زلال چشمه ساران
همزاد طراوت بهاران
روزنامه نگار با شهامت
مردی ز گرامی یادگاران
بر خرمن ناکسان چو آتش
توفنده چو موج آبشاران
دعوتگر دل به رستگاری
پاکیزه و ناب همچو باران!
کم زاد خجسته ای چو «طارق»
گیتی، به فراز روزگاران!
سروش، اثر خزان نه بیند!
آزاده گی اش، زیان نه بیند

(c) ketabton.com: The Digital Library

د ګرانې ملي فرهنګي څېرې طارق بزګر نمانځغونډې ته زما پیرزوینې

پوهنمل رحمت څواکمن

د لوی خدای په نامه

خپلې خبرې په خپل یوه شعر پیلوم:

لکه تیږه د بیابان تل په یو حال یم
ونه، نه یم چې بدله په موسم شم
سر به هیڅ د مریتوب چاته ټیټ نه کړم
که سوری سوری په غشو د رستم شم
وا به نه وړم د ښایست له پرستشه
که لاهو په اباسین یا په جېلم شم
که غمونه د جانان همدا کانې کړي
وچ صورت به لکه کړکې د چلم شم
خپله وینه مې ښبنلی ده مظلوم ته
که په ژوند چرته ملګرې د ظالم شم

خبر شوم چې په سوبېدن کې د زلمو پاڅون ټولنه له یوې وتلې او نامتو فرهنګي او ملي څېرې محمد طارق بزګر او د هغه د فرهنګي کار او زیار ستاینه او یادونه کوي.

زه خو لومړی نوموړې ټولنې ته کور ودانې وایم چې ښه انتخاب، پر ځای انتخاب او پر وخت یې انتخاب کړی. د هغه چا درنښت ته یې غونډه رابللې، چې خدای ذاتي دروندوالې هم وربخښلې او په یوازې ځان کلونه ستر ملی خدمت او دروند تاریخي رسالت سرته رسوي.

تر کومه ځایه چې زه ګران بزګر صېب پېژنم او ما د ده افکار او نظریات د ده په اخبار (دعوت) کې کتلي دي، نو ماته تر فولادو کلکه او له ډېرې درنه ملي - فرهنګي څېره ښکاري.

د اړودوړ، چور او تالان، رنګ بدلولو، ځان کړولو، لار چپولو، ځان درنولو او وخت تېرولو د دې وروستي مهال په دې دریوو لسیزو کې ډېرې ستری فرهنګې ستې وښوېدې، بدرنګې شوې، له ملي ګټو په

(c) ketabton.com: The Digital Library

ځنګ شوې او له موسمونو سره هم رنګې شوې، خو فکر کوم طارق بزګر تر اوسه له تېرو ټولو پړاوونو بشپړ او سالم راوتلې او د خپلو ملي- اسلامي ارمانونو، افغانستان او افغان ولس ترځنګ ولاړ دې.
دې دا دوه لسيزې اخبار، د سوداګرۍ او ګټې لپاره نه چلوي، دې د خپل اخبار پاڼې په هسې ببولالو نه رنګوي، بلکه دې د خپل مظلوم او بې دفاع ولس، د خپل تاريخي او جنګځپلې هېواد او د خپل شتمن او بډای کلتور پالنه کوي. دې حق ته حق او باطل ته باطل، تور ته تور او سپين ته سپين، ظالم ته ظالم او مظلوم ته مظلوم، روا ته روا او ناروا ته ناروا وايي. دی په همدې لاره روان دې. دې همداسې دی. د زړه او خوله خبره يې يوه ده. دې د زمان او مکان تابع نه دی. وخت او مکان د ده مريان دي. دې په هر څه پوهېږي، دا غواړي چې هر بدلون، هر مکان او زمان د خپلو ارمانونو پر مدار وڅرخوي، ده ته مال او شتمني، مقام او دبدبه، لنډمهالي او بې خونده ښکاري. دې د خدای د رضا او د افغان انسان د ښېګڼې لپاره شوګيرونه ګالي، زيار باسي، او له خپلو ملي او انساني ارمانونو خپل مال او سر نذرانه کوي. دې په رښتيا هم د زياتې ستاينې او درناوي وړ دې.
زه په خپل وار د ده همت، جرت، د کلونو ستړياوو، شوګېرونو او ملي فرهنګې هڅو ته د تعظيم او درناوي لاس په ټټر ږدم، ورته اوږد، سرلوړی او عزتمن ژوند غواړم او د سيدجمال الدين له ټاټوبې راټوکېدلې دغې فرهنګې ځېرې ته د سترو ملي فرهنګي کړنو د تر سره کولو هيله کوم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دویم څپرکی:
دعوت

رسانه ی دعوت

مصطفی عمرزی

جهاد بزرگ افغانان، آزمون دیگری بود که در ورایش فداکاری و ایثار، بار دیگر وجاهت و حیثیت یک ملت با پیشینه را آشکار می کنند. در آن سالیان، هرچند واژه گانی که بار معنایی «درد» داشتند، در روایت حال مردم، جزو ادبیات مستعمل بودند، اما عزت نفس، مردم را در صبوری ایستاده گی، از حافظه ی تاریخی محروم نمی کند. جبهات تنازع در تمام انواع آن، افغانان را در راه خدا و میهن، به ایثار می کشیدند.

مقاطعی اند که در بُرش آن ها گاه بُریده گی از گذشته به مبدای نو می رسد. حماسه ی جهاد افغانان، جزو میراث های پُرشکوه تاریخ بشر برای آزادی، مسجل است، اما آسیب های جنگ، پی آمد دشواری هایی شدند که افغانان با تحمل جنگ، ریسک کرده بودند.

دشواری رویایی با یک ابر قدرت، نفس گیرد بود. بنا بر این، بسط مفاهیم جهاد، مبارزه و قدرت از میان جبهه تا عقب جبهات، طیف دیگری از افغانان مجاهد را تشویق می کرد تا با کار فکری، فرهنگی و حرمت قلم بکوشند نقش واقعی توده هایی که قربانی شدند و قربانی می دهند، اصل مبارزه ی مردم با اتحادشوروی باشد.

من تا دو سال قبل نیز طارق بزگر را به جا نمی آوردم. از روی تصادف، یافت نشر مضامینم در سایت «افغان سباوون» که بعداً «دعوت میدیا ۲۴» شد، مرا با یکی از سرد و گرم چشیده گان سالیان ایثار، اما اندوه مردم آشنا کرد.

(c) ketabton.com: The Digital Library

من با شهرت «بزگر» ها آشنا بودم، اما نمی دانستم فردی از این خـانواده از روی لطفی که فرهنگی ست، زمینه می سازد تا در نوبت مـا، آزمـون دیگـری سـپری شـود کـه در تنـازع فرهنگـی آن، ثقلـت و دشـواری محسوس است.

من از طریق رسانه ی دعوت نیز اندوخته هـای فکـری ام را تقـدیم مـی کنم. خوشحالم که این سعی در زمینه ای صورت می گیرد که از شـان و پیشینه ی نیک بهره مند است.

مسرت این که امثال من در زمینه ی تجربه ی بهم پیوسته ای که افغانیت را اصـل مـی دانـد، بیشـتر مـی شـود، در بسـتر مطمـئن ایـن حـدود بـه خانواده ی بزگر ها مبارکباد می گوید! در رسانه ی دعوت مـی مـانم و بـرای بزگـر هـا توفیـق بیشـتر مـی خـواهم کـه پیشـه ی آنـان(بزگر) در زمینه ی ملك و ملت، به حاصل نیکو می رسد.

تراژیدی فرار مغز ها و ویرانی محاضر مرید و مرشد، افغانان را هوشـیار کرده است: فرهنگ و فرهنگی را پاس بداریم!

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت خپروني نهه ويشتمي کاليزې په وياړ

سراج الحق ببرک زی څدراڼ

دعوت د خپلواکو رسنيو مرکز او د د عوت ميډيا څلرويشت ويبپاڼې مسئوول مدير يوه وړه ارزونه ډله ييزې رسنۍ زموږ د ورځني ژوند د لارې مل گرځيدلي دي.
ډله ييزې رسنۍ زموږ په ورځني ژوند کې ستر واک ترلاسه کړي دی. موږ هره ورځ د راډيو، ټلويزيون، اخبار، ميلفون، ليپ ټاپ او د انټرنيټ نړۍله لارې د رسنيو تر اغيزلاندې يو. ډله ييزه رسنۍ په ټولنه کې د مالوماتي او اطلاعاتي خبري سر چيني په څېر خپل رول لوبوي.
رسنۍ د انسانانو په سياسي اند جوړونه کې خورا مهم اغېزمن رول لري. سياست پر رسنۍ او رسنۍ پر سياست باندې نېغ په نېغه اغېز لري. سياست او رسنۍ پر يو بل باندې په دوه اړخيزه توگه اتکأ لري.
ژورناليست ته په هره ټولنه کې ستر واک او مسئووليت ور په برخه کړل شوي دی. ليکوال او رسنوال د ولس غږ او سترگې دي. د خبريال يا ژورناليست په اړه پوښتنه دا ده، چې خبريال د خپلي ژورنالستيکي دندې په تر سره کولو کې څه رنگه خپلي موخې تعقيبوي، څومره پاک انساني نيت او څه ډول ملي احساس لري.
په دې کې هيڅ شک و شوپيان نشته چې د دعوت خپلواکه رسنيزه مرکز د افغانستان څخه د باندې د ټولو ملي افغان کډوالو ليکوالو، قلموالو، رسنوالو، کولتوري ودي ټولنو او اکاډېميکو بنسټونو او همدارنگه د اکاډېميکو روڼ اندو، سياسي شنونکو، کارپوهانو او افغان لوړ پوړې دولتي چارواکو تر منځ د سياست، اقتصاد، روغتيا، شعر و ادب، کولتور او ژبنۍ ډگر کې د کره مالوماتو، اطلاعاتو، د سياسي فکرونو تر منځ اړيکې، د تاريخي پېښو، تجربو، د ازميښتو اندونو راکړه ورکړه په برخه کې يو ستر پلټ فورم او يو وياړمن مرکزي رول لوبوي.
د دعوت خپروني محتوياتو او منځپانگې په ستره لمن کې تل د انسانيت، افغانيت، اسلاميت، انساني کرامت، د افغانانو ملي دودونه، ارزښتونه، د افغانستان خپلواکۍ، ملي حاکميت، ملي گټو، د بيان ازادۍ او داسې نورو ټولمنلي کوډکسونو ته جدي پام کيږي.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت هره ګڼه د افغانستان ملي ګټو په چوکاټ کې دې ټولمنلي ارزښتنو او نورمونو ته ځان مسئوول احساس کړي او یا ورسره مسوولانه چلند کړي دی.

دعوت خپروني د هر ډول کرکې، تعصب، تبعیض او پارووونکي لیکنو څخه ځان لرې ساتلي دی. د د عوت په اخبار کې هر افغان ته چې د ملي فکر خاوند وي، له کرکې، تبعیض او تعصب څخه پاک وي، د افغانستان ملي ګټو، ملي اسلامي ارزښتونو او ارمانو ته ژمن وي، نه یوازې ځاې شته دی، بلکې هغه ته پر لوړ کچ د لوستلو ډیر څه لري.

د عوت میډیا څلرویشت ویبپاڼه:

اټکل له پینځه سووکلونو راهیسې اخبار په نړۍ کې شتون لري، د وخت په تیریدو سره د اخبارونو په فورم، بڼه او شونتیاو کې په پر لپسې توګه بدلونونه راغلي دي.

د نړۍ ډله ییزو رسنیو نوې پرمختګونو ته په کتو سره داسې بریښې چې په نږدې راتلونکي کې به چاپي رسنۍ په ځانګړي توګه چاپي اخبارونه د خپل ژورنالیستکي کیفیت سره سره له منځه ولاړل شي. له بل پلوه د مولتي میډیا یا ډله ییزو رسنیو شونتیاوې چې د انټرنیت له لارې په بریښنایي ډیجیټل بڼه خپریږي، د ژورنالیزم کیفیت ته نوې چانسونه ور په برخه کړي.

تر اوسه په مالوماتي او اطلاعاتي رسنیو کې اخبارونه تر ټولو کره او د اعتبار وړ مالوماتوسر چیني ګڼلي کیږي. اخبارونه له ډیر پخوا څخه خلکو ته د لارښووني او د اعتبار وړ خبرې سر چیني ګڼلي شوي دي.

د یوه اخبار یا مهالني ځانګړي راز په دې کې نغښتي دی، کله چې اخبار کوم مالومات یا ټولنیز ارزښتونه خلکو ته وړاندې کوي، لوستونکي هڅه کوي په دغه ټولنیزو ارزښتونو کې د خپلوي یو ګډ احساس ومومي. له دې سره د اخبار لوستونکی په راتلونکي کې د ټولنې د لوړې پرګنې یا ممتاز قشر- سره په فکري ډګر کې ځان ګډ محسوسوي.

د دعوت میډیا ویبپاڼه بېلابېل په زړه پورې سیاسي او ټولنیز علمي مالومات خپروي. دا ویبپاڼه اوس په سلګونو، زرګونو لوستونکي او

(c) ketabton.com: The Digital Library

کتونکي لري. افغانان هره ورځ په دې ویبپاڼه کې د سیاسي او ټولنیزو مسایلو تر څنګ خپل ملي او کولتوري ارزښتونه لټوي.
د دعوت مهالنۍ سره زما پېژندګلوي:
کله چې په ۱۹۸۸ کال کې د دعوت اخبار په خپرونو پیل وکړو. د هیواد په دننه او بهر کې د چاپیدونکو آزادو خپرونو کچه څښته ډیره ټیټه وه. د دعوت اخبار د ناروې په هیواد کې خپرونې پیل کړې وې. زه هغه مهال یو کال مخکې تر دې نیټې د خپل ګران هیواد له پلازمېنې کابل څخه پیښور ته او بیا المان ته تازه کډوال شوی وم، په لومړي ځل یو دوست ما ته د دعوت اخبار یوه ګڼه په پوسته کې راولیږله. په لیک کې داسې هم لیکلي و، کله چې تا دا اخبار ولوست بیا بیرته راولیږه او یا یو بل افغان ته یې د لوستلو لپاره ورکړه.
د المان د کډوالۍ په لومړیو کلونو کې زما سره د اخبار د ګډون پیسې هم نه وې. اټکل درې یا څلور کاله ورسته مې د دعوت په اخبار کې ګډون وکړو او بیا مې خپله قلمي همکاري هم ورسره پیل کړه.
زما په اند، دعوت خپله منځپانګه، محتویات او کاري کیفیت زموږ ملي او اسلامي ارزښتونو سره سم سمبال کړي دي. دعوت هر افغان د افغانستان ملي ګټو، اسلامي، افغاني کولتوري، ملي ټرمینالوجیکي ارزښتونو، ملي او سیاسي سېمبولونو ته دعوتوي.
د دعوت مهالنۍ علمي څېړنیزه لیکنې، تاریخي ادبي مضامین، د افغان لوړ پوړې سیاسي چارواکو اندونه، د مخورو افغان شخصیتونو، د نظر خاوندانو خبرې اترې، مرکې، د اقتصاد، روغتیا او چاپیریال په هکله هر اړخیزه مالومات، په ځانګړي ټوګه د افغانانو د لسیزو ناورینونو او خونړې جګړې د حل لارې چارې لټوي. د لر او بر افغان ولس د یووالي څخه ملاتړ کوي. د افغاني ټولنې بقا او ارتقا په برخه کې مثبت رول لوبوي. نړیوالو منلي شوي معیارونه او ارزښتونه ته پام کوي. د دعوت اخبار افغان ځوانانو او مشرانو ته د هیواد پالنې او د هیوادنۍ مینې یوه بله ډیوه ګرځیدلې ده.
دعوت، ډیرې علمي، سیاسي، تحقیقاتي، څېړنیزه او تحلیلي لیکنې خپروي، د بیان او د آزاد فکر ژمندویې کوي، د افغانانو عامه پوهاوي، ملي روحیې او سیاسي وېښ شعور د پنځیولو او جګیولو هڅې کوي. په

(c) ketabton.com: The Digital Library

ټولیزه ټوګه دې ټکو ته په کتو سره د دعوت خپلواکه رسنیو مرکز د افغانستان په دننه او بهر کې افغانان ملي یووالي، تلپاتي سولې او ملي امن نظم ته را بولي.

د دعوت مهالنۍ زما څکه خوښیږي چې یوه بې پرې او ناپییلي خپرونه ده او د هیڅ یو سیاسي ګوند او هیڅ یوې ډلې تپلې ته پروپاګند او تبلیغات نه کوي. دعوت ملي ورورولۍ، سولې او ملي پخلاینه لپاره نه ستړي کیدونکي هلې ځلې کوي.

ډیره د خوښي خبره ده، چې دعوت خپرونې خپل ۲۹ کلونه د افغان کډوالو په چوپړ کې تیر کړي دي. د دعوت خپرونې اروپا، امریکا، اسیا، افریقا او استرالیا پورې خپلو مینه والو ته رسیږي.

د دعوت مهالنۍ او د عوت میډیا ۲۴ ویبپاڼې مسوول مدیر کاري فعالیت ته له لرې یوه لنډه کتنه:

بزګر صیب زموږ په شان کور، کار، خپل خپلوان، دوستان، میلمه پالنه، د خوښي او خپګان سره مل ژوند لري. بزګر صیب د خپل ورځني نورمال ژوند کارو بار ستونزو سربیره ښايي په اټکلي او اوسط ډول د دعوت اخبار د لیکلو، ډیزاینولو، چمتوکولو، چاپلو او د پوستي له لارې لیږلوته لږ تر لږه په ورځ کې د دریو نه تر څلور ساعتونو پورې کار کړي وي. که موږ دغه اټکلي څلور ساعت کار د ۲۹ کلونو په ورځو کې ضرب کړو. موږ ته پته لګیږي، چې بزګر صیب د دعوت اخبار چلولو ته د خپل خوږ ژوند څو زره ساعته وړیا کار کړي دی.

د دعوت اخبار کې مو دا هم لوستلي، چې بزګر صیب د افغانستان د سیاسي مسایلو د څیړلو، د افغان غمیزې او جګړې د حل لارې چارې لټولو په موخه ډیرو هیوادونو ته د سیاسي کارپوهانو سره د خبرواترو او مرکو لپاره په زرګونه کیلو متره لرې سفرونه کړی دي.

زما په اند، د دعوت په خپرونه باندې د نیوکو مستحق یواځې هغه څوک کیداې شی، چې دی د کډوالۍ په شرایطو کې د رسنوالۍ دنده لا نوره ښه او بهتره ترسره کولي شي.

د دعوت مهالني ډیزاین او تخنیکي چارې همدرانګه د څرنګوالي په برخه کې ښايي د ځینو په سترګو کې کمزور تیاوې شتون ولري. دا باید

(c) ketabton.com: The Digital Library

په یاد ولرو،چي اوس د دعوت مسئوول مدیر نور یو بي تجربي او غیر مسلکي سړی نه ګڼل کیږي.

زه هیله من یم، د دعوت معتبره رسنۍ خپل فعالیت په دوامداره توګه وساتي او په ټولو افغانانو په ټینګار سره غږ کوم، چي د دعوت خپرونه زما او ستا مادي او معنوي مرستو ته څښته ډیره اړتیا لري.

د دعوت د معتبري مهالنۍ د فعالیت، پایښت او ښې په اړه یو وړاندیز:

د دعوت خپروني مسئوولین که د وخت له غوښتنو سره سم لږ د نوې نړیوال ډیجیټل ډله ییزو رسنیو پرمختګونو او نوښتونو ته پام وکړي، ښه به دا وي چي د خپلي خپروني ښه یوې چاپي مجلي ته واړوي. دغه نوې میاشتنۍ مجله باید په هره دوه یا دریو میاشتو کي په یوه ښکلي ډیزاین کي چاپ کړل شي. په دې نوې معتبره مجله کي سیاسي، فلسفي، اقتصادي، روغتیایي، چاپریال ساتني، ټولنیز ادبي، سپورتي او کولتوري مضامین د مسلکي کارپوهانو له خوا نوي په زړه پوري مالوماتي لیکني څېړني او ارزوني خپرې شي. د دعوت مجله باید ځان ته خپل لیکوال ومومي، څو د هرې مسلکي څانګي په اړه د خپلو مسلکي کارپوهانو څخه غوښتنه وکړي، د یوې ځانګړي موضوع په اړه نوې علمي لیکني وکړي او د دې لیکنو امتیاز یواځي او یواځي د همدې مجلي سره محفوظ وساتل شي. مجله باید په ډیر ښکلي ډیزاین او رنګه انځورونو کي خپره شي. مجلي ته په پیل کي یوه ارزانه بیه وټاکل شي، دغه نوې مجله باید د افغانستان او د نړۍ په ګوډ ګوډ کي د افغانانو په کولتوري مرکزونو کي وپلورل شي. دا مجله باید د نړۍ معتبرو مجلو په شان لکه الماني مجله ډیر شپیګل، امریکایي مجله ټایمز او د جیوپولیټیک مجلي ته ورته وده وکړي.

د دعوت خپروني نوویشتمي کالیزې په ویاړ:

زه د یو لو ستونکي په توګه د دعوت ۲۹ کلن کولتوري هاندې هڅې، نوښتونه او بریاوې لوړې ارزوم او د زړه له کومي یې ستایم. حالاتو ته په کتو سره فعالیت ډیر مثبت او عالي ارزوم، د امتیاز څښتن او درنو چلوونکو ته د دې خپروني د ۲۹ مي کالیزې د رارسیدو په ویاړ مبارکي وایم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

زما په اند د چاپي رسنيو څېړنيزخبريال بزګر صيب اوسپنيزه اراده او هڅې د ستايلو وړ ځکه دي، چې په کډوالۍ کې يې دغه رسنيزه بنسټ په خپل وس او توان سره په سمه او برياليي توګه مديريت کړي او تر ډېره بريده د ژورناليزم اصول مراعت کړي دي.

ښاغلي بزګر ته د وياړ او خوښي ځای دې چې دعوت مهالنۍ وکولای شول د ډېرو اقتصادي ستونزو او لږو مالي مرستو سره سره د افغانانو د ګډوالي په اوږده تاريخ کې د خپل بې پرېوالي تګلارې پر بنسټ د يو ملي تاريخي وياړمن اخبار نوم خپل کړي.

دعوت د خپلو قلمي همکاران پر مټ د افغانستان په دننه او بهر کې د اعتبار وړ يو پياوړي آزاد ملي رسنيزه ځواک ګرځيدلي دی. د دعوت مخاطبين د هيواد ملي روڼ اندې يا د افغاني ټولني لوړ پوړي پرګنې دي. دعوت، لوی افغانستان د ټولو افغانانو ګډ کور ګڼي، ځکه يې د ملي افغانانو په منځ کې ښه نوم ګټلي دی.

(c) ketabton.com: The Digital Library

به مناسبت۲۹ مین سال نشراتی دعوت میدیا با مدیریت محمد طارق بزگر

کاندیدای اکادمیسین استاد م.ا. سیستانی

محمد طارق بزگر، یکی از نخبه گان فرهنگی و اطلاعات جمعی در خارج از افغانستان است که قریب سی سال از بهترین ایام عمر خود (۱۹۸۸–۲۰۱۷) را در راه تنویر افکار و اذهان هموطنان خود با نشر مجلهؤ دعوت وسایت دعوت میدیا، صرف کرده است. ۳۰ سال کار مطبوعاتی و آگاهی رسانی بلا توقف و بدون مزد، در توان هیچ کدام از ما خواننده گان و همکاران قلمی آقای بزگر نیست.

آقای بزگر، چرا این همه وقت و انرژی و توان جسمی و مادی و معنوی خود را در این راه صرف کرده است؟ آیا علت این همه سعی و تلاش او به خاطر کسب مقام و جاه دولتی بوده است؟ نه خیر. من فکر می کنم که علتش همانا عشق بی کران به کشورش افغانستان و مردم و زبان و فرهنگش بوده و است. عشق و محبتی را که من در وجود این شخصیت خوش برخورد و مؤدب و صبور و بردبار نسبت به افغانستان درک کرده ام، کمتر از عشق و علاقه ای نیست که اعلی حضرت امان الله خان برای تعالی و ترقی کشور خود داشت.

دانشمندان جامعه شناسی در مورد عوامل پدید آورندۀ شخصیت انسان می گویند: شخصیت، ساختهء وراثت و محیط زیست اوست؛ یعنی انسان با خصوصیات ژنتیکی خاصی به دنیا می‌آید، و پس از آن سر و کارش با محیط اجتماعی اطراف او است.

محیط اطراف، عبارت از خانواده، همسایه گان یا اهل روستا، کودکستان و مکتب، و بالاخره جامعه است که نقش مهمی در شکل دهی شخصیت انسان دارد.

انسان از محیطی که در آن بزرگ شده است، خواهی نخواهی تاثیر می پذیرد. اگر از اطرافیان خود محبت دیده باشد، با دیگران با محبت رفتار

(c) ketabton.com: The Digital Library

می کند واگر خشونت دیده باشد، طبعاً خشن بار می آید و با دیگران از درِ خشونت پیش خواهد آمد؛ اما ذکاوت و خلاقیت و ابتکار از وراثت انسَان سرچشمه می گیرد. به همین جهت است که انسان های یک جامعه، همه دارای عین قابلیت و استعداد و خلاقیت نیستند و هر کدام، دارای مختصات و ویژه گی های منحصر به خود اند که با همان ویژه گی ها از یک دیگر متمایز می شوند.

تا زمانی که انسان، در عرصهء زنده گی و کار از خود مهارت و لیاقتی تبارز نداده باشد، نمی توان در موردش نظری مشخص ارائه کرد؛ فقط در روند کار و در پراتیک زنده گی است که ظرفیت انسان و توانائی هایش متبارز می شوند و دیگران را تحت تاثیر خود قرار می دهد و حسن نظر یا سوء نظر اطرافیان را نسبت به خود برمی انگیزاند. مثلاً انسان ها با تبارز قابلیت های خاصی در عرصه های سیاسی، نظامی، اجتماعی، فرهنگی، فلسفی، یا هنری از خود آثاری چون کتاب، مقاله، رساله، یا یک اثر هنری از قبیل آهنگ های موسیقی، مجسمه یا تابلوی نقاشی، بر جا می گذارند و به خاطر آفریده های خویش، در جامعه متبارز و صاحب نام و شهرتی می شوند. شناخت چنین آدم هایی کار مشکل نیست و می توان از روی آثار شان، به طرز تفکر و ایده ها و نیات و پیام شان پی برد و آنان را برای نسل های جوان حال و آیندۀ جامعه معرفی کرد.

جوانان نیزعلاقمند اند تا از کرکتر و کارنامهء آدم های موفق، برجسته و خلاق تاسی بجویند و شخصیت خود را تکامل ببخشند. طبعاً این احساس، آن ها را به سوی تلاش برای طی کردن پله های ترقی و تعالی و کسب درجات علمی بالاتر و زنده گی آبرومند و فارغ از کژی و نادرستی، تشویق می کند.

آن هایی که در ابراز لیاقت، خلاقیت، درایت، کسب علم و فضیلت، راستی و درستی و وطندوستی از آزمون زمان موفقانه عبورکرده باشند،

(c) ketabton.com: The Digital Library

نخبه گانی استند که مایۀ افتخار و سرمشق دیگران می شوند و همواره الگوی راستی و درستی و انسان دوستی پنداشته می شوند؛ اما انسان هایی که فاقد استعداد و ذکاوت و خلاقیت و لیاقت استند، معمولاً به ریاکاری و تملق و چاپلوسی و دروغ متوسل می شوند، و معلومدار افراد زبون، اپورچونیست و ابن الوقتی اند که به خاطر حفظ یا کسب منافع شخصی، سر و گردن خم می کنند و برای جلب توجه ارباب قدرت حاضر اند تن به هر پستی بدهند.

هر یکی از ما در زنده گی روزمرهء خود، با هر دو گروه انسان های خوب و آدم های بد و پلید رو به رو شده ایم؛ از آدم های نیکوکار و نکونام، به نیکی یاد می کنیم و از انسان های فاسد و استفاده جو و دروغگو اظهار نفرت و انزجار می کنیم.

از بحث به دور نرویم، بحث بر سر محمد طارق بزگر، یکی از شخصیت های فرهنگی افغانستان مقیم کشور ناروی است. بزگر، فرزند دره های سرسبز و کوهساران پوشیده از جنگلات طبیعی و درختان کاج و نشتر ولایت کنر است.

کُنر یکی از ولایات دور افتاده در شمال شرق سلسه کوه های هندوکش واقع شده و دارای مناظر طبیعی زیبا و دره های پر جاذبه و دلکش است. در این دره ها، رودهای سرمست و پرآب با آبشار های زیبا و دل انگیز از میان سنگلاخ ها جریان دارند که مایهء حیات انسان و حیوان و نبات منطقه استند.

جناب بزگر، در چنان فضای آزاد و خوش آب و هوا، در یک خانوادهء منور و تحصیل کرده و صاحب قلم پشتون با قابلیت و استعداد خلاقیت و سرشار از حب وطن دوستی به دنیا آمد و از عطوفت والدین و برادران و خواهران خود، محبت و صفا و صمیمیت دید و راستی و صداقت شنید و به تدریج بزرگ و بزرگتر شد تا به مکتب رفت و از معلم و استادش نیز درس آزاده گی و صداقت و محبت به وطن را

(c) ketabton.com: The Digital Library

همان گونه که در خانواده شنیده بود، به تکرار شـنید و آموخـت. بزگـر وقتی قدم به سن جوانی گذاشـت و نزدیـک بـود صـنف یـازدهم لیسـهٔ نادریه کابل را تمام کند و بقیهء پله های تحصیل را در وطنش طی کند، ولی متاسفانه که تجـاوز اتحـاد شـوروی برکشـورش، او را از آغـوش مادر وطن به دور ساخت. او در سال ۱۹۸۰ مثل هـزاران تـن دیگـر، راه مهاجرت در پیش گرفت و از کابل به پیشاور رفت. در آن جا دروسش را ادامه داد و در رشتهء علوم سیاسی و اسلام از اسلامیه کالج و پوهنتون پشاور لیسانس گرفت و در حـالی کـه ۲۱ یـا ۲۲ سـال عمـر داشـت، بـه کشور ناروی پناهنده شد.

بزگر، در سال ۱۹۸۸ در کشور نـاروی بـه حیـث یـک مهـاجر افغـان از حمایت های اجتماعی و فرهنگـی کشـور نـاوری برخـوردار شـد، و در رشـتهء کمپیـوتر و میـدیا و کمیونیکیشـن (مطبوعـات و ارتباطـات) بـه تحصیل خود پرداخت.

بزگر در رشتهء ژورنالیزم، دارای تحصیلات عالی و تجربهء زیات بـوده و در عرصهء ژورنالیزم انترنتی نیز دارای تحصیلات بلند از شمال ناروی است. او برای سالیان دراز در تلویزیون دولتی ناروی (NRK) کار کـرد و نیز از طریق آنلاین در انگلستان، رشتهء ژورنالیزم خـویش را تقویـت کرده است.

آقای بزگر در پهلوی درس و تحصیل خود در ناروی، در صـدد برآمـد تا به مردم افغانستان از یک طریق سالم خدمتی انجام دهد؛ چون عـلاوه بر ذوق و علاقه به مطبوعات و رسانه های جمعـی، خـود را بـا دانـش و تیوری این رشته از علوم انسانی مجهز کرده بود، در دسمبر سـال ۱۹۸۸ دست به نشر یک مجلهء ماهانه به نام دعوت زد. بزگر خود گفته اسـت که کار نشراتی مجلهء دعوت را در اوج مشکلات، با امکانات اندکی از طریق نوشتن با دست خود آغاز کرد و پس از نشر مجله، خود را مجبور دیـد آن را بـرای هموطنـان نزدیـک خـود ابتـدا در کشـور هـای

(c) ketabton.com: The Digital Library

ناروی، سویدن و دنمارک توزیع کند و مصارف پستی را هم از جیب خود بپردازد.

به تدریج علاقه مندان دعوت در کشور های دیگر اروپائی و امریکایی بیشتر می شوند و او خود را مکلف می بیند دعوت را که حاوی اطلاعات و آگاهی ضروری سیاسی و اجتماعی و ادبی بود، به بیش از پنجاه و پنج کشور اروپائی و آسیائی و امریکائی برای افغانان برساند.

با رواج انترنت و میدیای برقی، در نیمهء دوم دههء ۹۰ قرن بیستم، آقای بزگر، کار بروز رسانی سایت دعوت میدیا را به زبان های پشتو و دری و انگلیسی و نارویژی با صداقت وطن پرستانه به مردم افغانستان ارائه کرده است.

آقای بزگر بدون وابسته گی به سازمان سیاسی خاص، با دیدگاه فراخ، هرگونه نظریات مخالف و موافق را مجال نشر و امکان تبارز می دهد. به همین لحاظ او مورد احترام همه افغانان و به خصوص همکاران قلمی و مطبوعاتی خود قرار دارد و با خلق خوش و کرکتر عالی ای که از تربیت خانواده گی خود به ارث برده است، همه را گرویدهء شخصیت متین و با وقار خود ساخته است. اینك از خدمات فرهنگی او به حیث مدیرمسوول دعوت میدیا، ۲۹ سال می گذرد. او در این مدت به طور خسته گی ناپذیر در راه بیداری و تنویر اذهان و شعور جوانان کشور، نقش روشنگرانهء خود را منحیث یك افغان وطندوست و خدمتگزار افغانستان به نحو خیلی تحسین برانگیز انجام داده و می دهد. این همه پشت کار و صرف وقت و انرژی، بدون تردید، ناشی از عشق عمیق او نسبت به مردم کشور و آگاهی دادن به مردمی است که خودش از میان آن ها بیرون آمده است. از این جهت جناب بزگر صاحب، دین بزرگی برگردن ما افغان ها دارد. بنابراین من این خدمات معنوی و با ارزش آقای بزگر را قابل تقدیر و ستایش می دانم و برای

(c) ketabton.com: The Digital Library

سرفرازی این شخصیت برازنده و یکی از فرهنگیان نخبهء کشور، عمر طولانی و توفیق مزید از خدا آرزو می کنم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت ښکلي مجله او ښکلي پاڼه

عبدالغفار جُبير

د ((دعوت)) مجلي او ويب پاڼي مؤسس ښاغلی مشر ـ ورور محمد طارق بزگر صاحب هغه څوک دئ چي د لومړي ځل لپاره يې زما لومړی اثر (ما ولي اسلام قبول کړ؟) د ده په هڅو او مالي لگښت سره په ۲۰۱۰ ميلادي کال کي چاپ شو، که زه په لنډو کي درته ولیکم: ((ښاغلي بزگر صاحب زه ليکوال کړم.))

ما له نن څخه ۸ يا ۹ کاله مخکي دعوت ويب پاڼي ته ليکني لېږلي، چي کله به مي يوه ليکنه ولېږله، د دوهمي ليکني لپاره به بزگر صاحب تشويق راکړ، او وبه يي هڅولم چي بله ليکنه او ژباړه وکړم، زما دوهم اثر (اسلام او نوي سايسني ـ څېړني ۱ ټوک) هم د ده په کوښښ په سويډن کي تکړه ورور ښاغلي ملک زي صاحب چاپ کړ، او بزگر صاحب ته دې الله جل جلاله په دنيا او آخرت کي پوره عوضونه ورکړي. (امين)

د ښاغلي محمد طارق بزگر صاحب ښکلي ويب پاڼه چي مخکي د (افغان سباوون) په نامه او بيا (دعوت ۲۴) شوه، ډېره يوه هر اړخيزه او معلوماتي ويب پاڼه ده. موږ تر هر څخه مخکي همدغه ښکلي پاڼه اقلاً په ورځ کي څو څو ځلي گورو؛ دا ځکه چي داسي ليکني پکښي شتون لري، چي په نورو ويب پاڼو کي نشته او بې بېلگې دي. اسلام، سياست، ساينس، سپورت، تاريخ ، د نړۍ هيښونکي او هر ډول ليکني، کتابونه او ويډيو گاني پکښي شتون لري. د افغانانو د درد احساس، د سولي پيغام، د نېکمرغۍ ولولي، د سکون ټکور، د پرمختگ لارې چارې او داسي نور اړين توکي پکښي پراته دي، نه يواځي د هغو افغانانو ولولي او احساسات منعکسوي چي په لويديځ کي اوسيږي بلکي د گران هيواد افغانستان ورځنۍ تودې پيښي او ناخوالي هم پکښي رانغښتي دي، چي همدا د دې ښکلي پاڼي يوه ځانگړتيا ده. د بزگر صاحب په دې نړيواله پاڼه کي علاوه له دې څخه چي افغاني او اسلامي ليکني خپريږي بلکي ازادې ليکني هم سته، چي کېداى سي همدغه ليکني په ډېرو ويب پاڼو کي شتون ونلري، چي مطلب مي دا

(c) ketabton.com: The Digital Library

دئ چي بزگر صاحب خپله یو تکړه نړیوال ژورنالست دی، نو تر ډیرې اندازې پورې د ژورنالیزم د اصولو مطابق د بیان ازادي یې هم پلې کړیده

دعوت خپرونه:

موږ زښته ډیرې مجلې لوستي او یا یې هم لولو، هم خارجي مجلې او هم داخلي مجلې، خو د ((دعوت)) مجله یوه بې مثله، معلوماتي او هر اړخیزه مجله ده.

بزگر صاحب موږ د ((دعوت)) مجلې هره گڼه را لیږي. کله د لیکوالانو، ادیبانو، پوهانو او علماء داسې گڼه گونه جوړه سي چې بیا موږ دغه مجله فوتو کاپي کړو او بیا یې تر ملگرو او دوستانو پورې رسوو، چې له دې ښکلې مجلې څخه موږ هر څه لکه: سیاست، افغانپوهنه، ادبیات، تاریخ، ساینس او نور.... رازده کړیدي. که زه په دا هر څه په یوه جمله کي را ونغاړم نو زه ویلای سم ((د دعوت مجله او ویب پاڼه یو نړیوال دائرة المعارف دی.)) الله جل جلاله دي و بزگر صاحب ته اوږد عمر ورکړي چې همدا ملی ویاړ تل له ځانه سره ولري، او همدا ملي خدمت ستر عبادت وگڼي.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت ۲۹م پسرلی

قریب الرحمن سعید

د هیواد په سخت پیچلیي، د ناورینو او نانندریو ډک تاریخ کـي، نـژدی ۲۹ کلـه مختـه د نـومبر پـه میاشـت کـي، د دعـوت تـر نامـه لانـدي، محترم طارق بزگـر، د خپلـو او د خپلـو مینوالـو د احساسـاتو د بیـانولو، څرگندولو، او د هیواد د سیاسي او ټولنیزو حالاتو څخـه د عـامو ولسي ـ وگړو د خبرولو په خاطر، د فقـر او بي وطنـی پـه فضـا کـي، د نـاروي د هارایلډ څخه، میاشتنۍ خپرونه پیل کړه. دا پـه داسي حـال کـی چـي نـه هغه وخت کمپیوټرونو ته دومـره وده ورکـړل شـوي وه او نـه د اوس پـه څیر د لیږد رالیږد اسانتیاوو شتون درلود او نه دغه ډول نور کمپیوتري او یـا تیلیفـوني سـهولتونه شـتون درلـود. یـواځنی وسـایل چـی تـري گټـه اخیستل کیده د فکس ماشـین او یـا هـم د پوسـتي خـط وه. د فکـس د ماشین سهولت هم ډیر کم میسر و.

زما یاد دي چي محترم بزگر صیب به د خپلو ورځنیو کاري مصروفیتونو ترڅنگ د شپي تر ناوخته پوري په پوسته کي راغلي لیکونه، شعرونه او مضمونونه پخپله تصحیح او ټایپ کول او بیا به یـی پـه خپلـه میاشـتنۍ خپرونه کي د خپریدو لـه پـاره امـاده کـول. هغـه وخـت دغـه څیرنیـزه سیاسي ټوله به لمړی چـاپ او بیـا بـه ټولـو مینـه والـو تـه د پوسـتی لـه لاري ور لیږل کیده، چي پوستي مصارف به یی هم پخپلـه د دعـوت د بنسټ ایښوونکي او مسوول مدیر له اړخه ور کول کیدل. کم مثال به تر سترگو شي چي د دعوت مینوالو به ورسره د دي اقتصادي بار په پورتـه کولو کی لاس کړی وي، خو د دعوت مسوول، خپـل ولـس او د ولـس منوري طبقي ته د خپلی سیاسي ټولی (دعـوت) ورلیـږل د خپـل ځـان لپاره یو چلینج گڼلی و په دي خاطر یی د خپلي هغه پانگی څخه، چـي د خپلو متو په زور یی گټله، ډیره برخه د دعوت په چـاپ او بیـا د دي سیاسي او ټولنیزی ټولي په پوستي مصارفو لږوله.

۲۹ کاله مخته هیواد د یوي توری تیاری سره مخ و. دهیواد پـه سـیاسي او ټولنیزه فضا وحشت او دهشـت حـاکم و. پـه سـلگونه زره انسـانان د وخت د بیرحمه حاکمانو د تیریو له لاسه د خـاورو خـوراک گرزیـدلي

(c) ketabton.com: The Digital Library

وو. ولس مو په مختلفو گاونډيو او اروپايي هيوادو کي د مهاجر په نامه پاشل شوی و. ميندی بوري شوي وی، ناوي کونډی شوي وي او کوچنيان يتيمان شوي وو او په پرديو هيوادو کی د اجنبي انسانانو لاسو ته ناست وو. او هر چا چي ځنگه يی زړه غوښتل همغسي لوبی يی پري کولي.

د هيواد دننه په مطبوعاتو سانسور و، ان تر دي چي د بهرنيو راديوگانو خبرونه اوريدل هم مرگوني جرم گرزيدلي و. ولس د خپل هيواد په اړه د هيڅ نه خبر نه و. نه د انټرنيټ سهولت شتون درلود او نه د سپوږمکيو استانيتاوي ميسري وی ترڅو ولس تري د خپل هيواد د سياسي او ټولنيزو حالاتو په اړه کره معلومات تر لاسه کړي. په داسي کرغيړنو او ناندريو نه ډکو حالاتو کي د دعوت مياشتنۍ د ولس د يو شمير منورينو له پاره د رڼا او مشال حيثيت درلود. هغوي کولي شول چي ددي لاري خپل نظريات د ولس د نورو پرگنيو سره شريک کړي، او د دعوت مسوول او بنسټ ايښوونکي هم د ټولو تهديدونو او گواښونو سره سره بيا هم په خپل هوډ او عزم کلک ولاړ و. هغه خپله دغه مياشتنۍ د ټولو اقتصادي او ټولنيزو ستونزمنو شرايطو سره يو ځای فعاله و ساتله، ان تر دي چي په انټرنيټي دوران کی يی د دعوت ترنامه لاندي پاڼه هم پرانيسته چی د هيواد د ملي ژبو (پښتو او دري) نه علاوه يی په انگليسي او نارويژی ژبو هم خپروني پيل کړی.

دعوت هم په انټرنيټي جال کي او هم په چاپي برخه کي په دغه ستره تاريخي اوږده موده کي د هيواد د مطبوعاتو د يوه ځلانده ستوري په څير وځليد، په خپرونو کي يی ورځ تر بلي د علميت او د انسانيت او حق په لور د بللو وړتيا نوره هم زياته شوه او ډير ژر يی د انټرنيټي خپرونو له لاري په نړيواله توگه د هيوادوالو تنده ورماته کړه.

دعوت د خپل تأسيس نه را وروسته په دي اوږده موده کي ډير ستر او تاريخي گامونه اخيستی، د هيواد د ملي گټو او شتمنيو يی دفاع کړی، د وطن او هيواد پالنی روحيه يی غښتلی کړي، او ولس يی د پرديو او پرديپالو، د استعمار او استثمار، اشغال او نيواک په مقابل کی د يوه واحد دريځ په لور رابللی.

(c) ketabton.com: The Digital Library

تر هغي چي ما د دعوت خپرونی لوستي اویا مي یی انهر نیتهي لیکني تعقیب کړي، په هیڅ یوه کي یی هم د هیواد سره د میني او د خپلو ملي ارزښتونو او مقدسي خاوري د دفاع نه اخوا د نورو قومونو تر منځ د تعصب نښي نه دي ځرګندی شوي، بلکه په یوه متحد پلیټ فارم د ولس د راټولیدو دروند مسؤلیت یی په غاړه اخیستي او تر اوسه پوري دغه دروند مسؤلیت په غاړه لري.

زه د دعوت بنسټ ایښوونکي مسوول مدیر، محترم محمد طارق بزګر ته د دغي ملي خپروني د ۲۹مي کلیزي په مناسبت د زړه له کومی مبارکی وایم او د الله تعالي نه ورته په دي اړه د لا زیات توفیق غوښتونکي یم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

۲۹ کاله دعوت وشو، خو
زمونږ د وېښتابه کار څنګه شو؟

محمد آصف ننګ

۱۳۹۶ د تلې میاشت، کابل:

۲۹ کاله یعنې د یو نسل عمر، دومره ډېر کلونه د دعوت ورځپاڼې دعوتې او د وېښتابه او د اذهانو د تنویر ماموریت ترسره شو، د خپلې مطبوعاتي تجربې له مخې، چې د وطن میاشتني مجلې او بیا د اقتصاد میاشتني مجلې د مدیر مسوول په حیث مسوولیت درلود، راته معلومېږي چې د ټولنې د بیدارولو او پوهولو کار څومره ستونزې لري. دغسې دروند، له مسوولیت او زحمت ډک مزل، چې ښاغلي محمدطارق بزګر او ټیم یې پوره ۲۹ کاله طی کړی، واقعاً له عظمت ډک دی او سخت د قدردانۍ وړ ده. په همدې دعا چې خدای پاک دې د دې غښتلي شخصیت قلم او پیام پیاوړی لري او هم دې خدای پاک پر دې ملت رحم وکړې چې د غفلت له خوبه راوېښ شي او د نړۍ د ترقۍ او پرمختګ له کاروان سره دې دوی هم سیال شي.

دعوت خپرندوی مرحلې:

که ۲۹ کلن تسلسل ته وکتل شي، زه یې په څو مرحلو کې څېړلې شم:

(۱) په افغانستان کې د انقلابي احساساتو مرحله. دا هغه مرحله وه چې د رغونې او تحمل پیامونه پکې کم چلېدل. دا داسې مرحله وه چې د انکشاف، ترقۍ او پرمختګ او د نظام جوړونې په هکله بحث کول، ډېر اوریدونکې او خریداران نه درلودل، خو دعوت پدې کلونو کې هم ډېر ښکلي مباحث درلودل. دعوت پدې مرحله کې یو روڼ آندۍ قشر۔ وروزه او هغه قشر د نن ورځې په کار و بار کې ډېر ښکلي او مثبت نقش ایفا کوي. دعوت پدې کلونو کې د انقلابونو پیامونه کم او د وطن او وطن پالنې پیامونه ډېر نشر کړل.

(۲) بله مرحله د طالبانو مرحله وه. دا کلونه هم سخت ول. داسې کلونه وو چې پکې بیا هم د وطن او وطنپالنې سودا ورکه شوې وه. فکري اختناق ته ورته مرحله وه. د لیکوالانو قلم نه چلیده. محدودیتونه هم پریمانه و. پدې کلونو کې دعوت له وطن لیرې و خو مخاطبین یې په

(c) ketabton.com: The Digital Library

ایران، پاکستان او غربي هیوادونو کې تر ټولو ډېر و. دعوت پدې کلونو کې د وطنپالنې تر څنګ، خپله بې طرفي حفظ کړه، او د وطن د نجات او فلاح لپاره یې ښې ډېرې مقالې خپرې کړې.

(۳) تر سپتمبر (۱۱) وروسته مرحله، دا زمونږ په تاریخ کې د بدلون او تحول تر ټولو عمده مرحله ده. پدې مرحله کې د افراط تر حده د دیموکراسۍ شعارونه وغږول شول. پدې مرحله کې دوه درې پدېدې د بحث وړ دي. اول دا چې رسنۍ غږیزې او چاپي ډېرې شوې، بیا یو څو کاله وروسته پسې بصري رسنۍ او تلویزونونه ډېر شول. پدې رسنیزه وسایلو کې خو شوقي او تفریحي برنامې ډېرې دي، خو د خردمندۍ، بیدارۍ، تعقل، تربیت او هدفمنده ماموریت ته د ولس د توجیه کولو او بسیج کولو پیامونه پکې ډېر کم خپاره کیږي.

پدې حاضر دور کې خواله رسنۍ، تویتر، فیسبوک او... هم پرې اضافه شول، چې د پیامونو د مدیریت او سانسور سلسله یې ختمه کړه؛ بې بندوباري یې وزیږوله، د حق او باطل، د سهې او غلط او د ګټور او مضر پیام او خطاب تفکیک یې مشکل کړ.

بل دا چې پدې مرحله کې د چاپیزو رسنیو، یا پرنټ میډیا، نقش ډېر کمزوری شو. د خبر د نشر سرعت زیات شو او هر څه په ډیجټل بڼه واوښتل.

پدې حاضر دور کې دعوت او بزګر، دواړه ښه چلیدلي. د تیرو ۱۶ کلونو تسلسل مې په چابکه توګه وکتو، واقعاً ډېر عالي پیامونه خپاره شوي، د اعتداله پر کرښې تګ شوی، ابله بازاري او اپلت پیامونه او مقالې قطعاً ندي نشر شوي. پدې مرحله د دعوت په مطالبو او مقالو کې د سولې غوښتونکي، چاپیریال او محیط زیست، معادن، منابع، اقتصاد، سیاسي اصلاحات، وده او انکشاف، پوهنه، زراعت او هر ډول تنوع څخه ډک نشرات شوي دي.

د بزګر صاحب په اړوند رسنیو کې د هنر برخه هم ښکلې اثار لري. د محلي نایابه موسیقۍ کلیپونه، تصویري هنر، جالب عکسونه او... .

د دې ټولو معنا دا چې دعوت د عصر په ژبه ښه پوهیږي، اعتدال او معقولیت ښه ساتلې شي او د وخت له تقاضاوو سره سم مزل کولی شي.

سپارښتنې:

(c) ketabton.com: The Digital Library

سپارښتني مي هم مختصره دې. ويپ پاڼي کي دې د پښتو کتابونه ور اضافه شي، په خاصه توگه هغه کتابونه چي ژباړې ته ضرورت لري. د امريکا او اروپايي سياست او اقتصادي ودې په هکله ډېر ښکلي آثار چاپ شوي، که ژباړه يي ترسره شي او بيا علاقه مندانو ته کېښودل شي، نو د سياسي بصيرت په برخه کي به مهم نقش ولوبوي.

بل دا چي که دعوت د مهالنۍ يا فصلي مجلي په حيث په عصري او رنگه بڼه چاپ شي، نو د چاپي رسنيو صنعت او د مطالعي کلتور به ادامه پيدا کړي.

ډير خلک انترنيت ته لاسرسی نلري، او يو زيات شمير خلک په پوهنتونونو، انستيتوتونو او مکتبونو او مدرسو کي دي. دوی بايد له پامه ونه غورځول شي. ځوانان ځکه مهم دي چي خدای مکړه بيا د افراطي افکارو ښکار نشي. انقلابونه له همدې ځو پوهنتونونو را شروع شول او ځلويښت کاله يي دوام وموند؛ وطن يي هم ړنگ کړ او دوه ميليون وگړې پکي شهيدان شول؛ ځکه نو تاکيد کوم چي مجله دې هم خپره شي.

زه شخصاً د دعوت هغه مزمن لوستونکی او مينه وال يم، چي له دعوت مي ډېر څه زده کړې؛ ځکه نو دغه خپرندوی بنياد حق لري چي امتنان يي وکړم.

له چلونکي ټيم، مشرتابه او د ليکوال غړو له ډلي څخه يي... رښا مو لا ځلانده اوسه او خدای پاک دې د دې سپېڅلېو زحمتونو بدله په دنيا او آخرت کي درکړې.

(c) ketabton.com: The Digital Library

زه او دعوت، ۲۳ کاله د مخه!

سردار ولي پښتون زوی

ما هم د نورو لالهاندو افغانانو په څېر، سترګي د کډوالۍ پر مهال په پردي وطن کي روڼي کړې. ستونزي، بې وطني، پردیتوب او نور ډول-ډول ذهني شکنجي د هري ورځي مهال وېش وو.
۱۹۹۴ع کال زما د پاره ځکه خوښ کال دئ چي زه په لومړي ځل په اول نمرګۍ سره دریم ټولګۍ ته بريالی سوم، او په ټوله ښوونځی کي به فاتحانه او مغرور ګرځېدم. دا ابتدایه ښوونځی د بلوڅستان پاکستان د پښین اولسوالۍ سرانانو نومي کمپ کي وه، چي اوس د جمالدين افغان ليسي يا ۱۵ نمبر ښوونځی په نامه يادېږي. دا چي د دې تعليمي نصاب چلښت تر اوسه پوري د ملګرو ملتونو د کډوالو اداره کوي، نو به ئې ښارونکي تل د همدې ادارې وه. يوه ورځ يو څارونکی له يوه بهرني سره ملګری ټولګۍ ته راغلل او زموږ ښوونکی ته ئې د بهرني تر مخ د يو زده کوونکي څخه د پوښتني غوښتنه وکړه. ښوونکي ماته د دوديز سبک له مخه د پښتو کتاب د يوې پاڼې د متن ويلو وويل؛ چي بايد په لوړ ږغ وي. ما هم هغه پاڼه په خوند وويل. بهرني فکر وکړ چي ده لکه چي همدا څو پاڼې ياد کړي؛ په لاس کي ورسره مجله ماته راکړه او په ژباړن ئې راته وويل چي له دې مجلې څه ووايه! ما چي د مجلې پر تندي لومړۍ کرښه وويل، ټولو ته ئې خوند ورکړ؛ کرښه کي ليکل سوي:
((د دعوت خپلو درنو لوستونکو ته د خپل څلورم نشراتي کال مبارکي وايي.)) نوري پاڼو کي هم پوښتنه وسوه، خو هره پاڼه چي به ئې وښوول، لکه بلبل داسي به وږغېدم.
وروسته څو نور ټولګيوال هم وپوښتل سوه، خو په مجله څوک نه جګېده. بهرني کس له وتو سره هغه مجله ماته د انعام په ډول راکړه چي تر ښوونکي پوري د ټولو خولې اوبه ورته کولې.
ښوونځی، کلي او کور کي اوازه وه چي سردار ولي ته ئې انعام کي (کتاب) ورکړی، هغه هم يوه بهرني! ځکه مو کتاب باله چي هغه وخت کي موږ مجله او کتاب نسواى سره بېلولای. دا مجله د ((دعوت)) درنه

(c) ketabton.com: The Digital Library

مجله وه چي وروسته نو دې مجلې راته د ملي هنداري ارزښت لاره او تل به مي په کور کي په خورا سينګار ډول ساتل.
کلونه تېر سوه، يوه ښوونکي مي راته وويل چي هغه ستا سره مجله د څو ورځو د پاره راکړه. مجله مي په ورين تندی ورکړه، خو مجله مي بيا ونه مونده او ښوونکي به راته وويل چي زه به بيا بله درته راوړم. اټکل تر اوسه پوري غواړم له هغه ښوونکي خپل روا حق وغواړم، خو ښوونکي مي لس کاله وړاندي ومړ او زما د ژوند دا غوښتنه د تل د پاره رد سوه!

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت

(ډیرو هغو پیغلو او ځوانانو لپاره چې خپل هیواد
نلری د یوې لارښود په حیث خپل رول لوبولی دی)
شاهي سعادت

انسانان د خپلو معلوماتو پـر بنیـاد د خپـل ژونـد لارې ټـاکي او د خپلـو معلوماتو په رڼا کښې خپل ژوند تیروي. ویښ انسانان، قومونه، ولسـونه، او ملتونه تل کوښښ کوي چې معلومات یې د حقـایقو پـر بنسـټ ولاړ وي. همدغه وجه ده چې دوی تل کامیابه، سرلـوړي، پـر خپلـو ځـانونو معتقد او خپلواکه ژوند کوي.

که په تیرو وختونو رڼا واچوو او مختلف ولسونه یو له بل سره پرتله کړو نو په ډیره اساني سره به ووینو چې هغه ولسـونه چـې د غلطـو معلومـاتو ښکار شوي دي نو یا خو یې نوم او نښان ورک شوی دی او یا د تباهي ښکار شوي او د ذلت او د بل واکی په تورو شپو کښې د محتاجی ژوند تیروي.

که چیرې مونږ د افغانستان دې تیرو څو لسیزو ته یوه کتنه وکړو نو پدې به پوه شو چه هغه غلط معلومات چه زمـونږ تـر غوږونـو تـر ننـه پـورې رارسیږي ترینه تر څومره د پردیو ګټو دپاره استفاده شـوې ده او څـومره زمونږ د تباهی او بربادی سبب ګرځیدلی دی.

د دغو ټولو حقایقو په نظر کـې نیولـو سره بایـد ووایـو او دا ومنـو چـې معلومات او رسنی زمونږ د ژونـد او مـرګ سره تـړلي دي. دا بایـد ومنـو چې سپیڅلي ژورنالستان همیشه د خپلو پرګنو او ملتونـو ګټـې لـه خپـل ژوند څخه برترې ګڼي او خپل ژوند د خپل ملت په ژوند کښـې وینـي. نو ځکه په ډیرو ځایونو او حالاتو کښې دغه سپیڅلي انسانان د ظالمانو، وحشتګرو او د بې ضمیره انسـانانو د توطئـو ښـکار شـوي، پـه زنـدانونو کښې غورځول شوي او ډیرو خپل ژوند له لاسه ورکړي.

ښاغلي محمد طارق بزګر هم یو له هغو سپیڅلو ژورنالسـتانو څخـه دی چه خپل ټول عمر یي د خپل جنګ ځپلي ولس ته قرباني کړی دی او د خپل ملت اواز یي په هر ځای، هر وخت او هـر حالـت کـې ژونـدی ساتلی دی.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت دا یوازی نه چي یوه خپلواکه خپرونه ده بلکه د ډیرو هغو پیغلو او ځوانانو لپاره چي خپل هیواد نلری د یوې لارښودې په حیث خپل رول لوبولی دی.

کله چي زه د لسو کالو په عمر کي له خپل ټاټوبی افغانستان نه له خپلي کورنی سره وشړل شوم او بیا وروسته د اروپا او امریکا ښارونو کي سرګردانه او له خپل ټاټوبي او ولس څخه نا خبره ګرځیدم نو همدغه دعوت او د دعوت پر څیر نورې ملي خپروني وې چه ما ته او زما پر څیر میلیونونو نورو ځوانانو ته یي د خپل هیواد کیسي کولي او زمونږ زړونه یي له خپل ټاټوبي سره پیوندول.

نن د دعوت او د نورو ملي خپرونو له برکته مونږ یواځي دا نه چي د خپل هیواد له حالاتو خبریږو بلکه د دغه معلوماتو په رڼا کي د خپل هیواد او خلکو د سوکالی له پاره هلې ځلې کوو.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت، هیڅکله د چا د تاثیر لاندي
نه دی تللی او نه به ولاړ شي

استاد کاظم بیمار ننګرهاری

د دعوت جریده د خپل تاسیس له ورځي څخه بیا تر نن ورځي پوري د ګران هیواد افغانستان د آزادۍ، سوکالۍ، خپلواکۍ او آبادۍ لپاره ډیرې هلې ځلې کړیدي او کوي یې. دعوت هر مشر۔ او کشر۔ رابللی دی، او د هر نظر خاوند پسې په ملکونو ګرځیدلی، او د هغوی افکاریي راټول او بې له تشبثه یې نشر کړیدي.

د دعوت وظیفه د هیواد خدمت ته بلنه ده او دغه بلنه تر څو چې دعوت وجود ولري دوام لري. دعوت په خپلو خپرونو ویاړي، ځکه چې د دې مرامونه او اهداف معلوم دي، او هغه د افغانستان د دښمنانو د تو طئو رسوا کول او له منځه وړل دي.

دعوت هیڅکله د چا د تاثیر لاندي نه دی تللی او نه به ولاړ شي. دعوت د ظلم او استبداد په مقابل کې قیام کړیدی او په دغه لار کې بې له ویرې مخ په وړاندي روان دی.

دعوت، کورنی او بهرني دښمنان رسوا کړیدي او هیڅچا ته یې لغزش، لرزش او کرنش نه دی کړی، هر څه یې چې لیدلي هغه یې رسوا کړیدي. دا وزینه جریده د هیڅ فاسد حاکم او جنګسالار څخه نه ده ډار شوې او د هغوي ظالمانه اعمال یې په میړانه او مردانګۍ رسوا کړیدي.

دعوت د روسي سور استعمار په مقابل کې په میړانه وجنګید او د خپل ملت په راویښولو کې یې پراخه ونډه اخیستي ده، او تر هغه وخته وجنګید تر څو چې سور استعمار په شا تګ ته مجبور شو.

دعوت د ګاونډیو هیوادونو لاس وهنې غندلي، او په تیره بیا د ایران اخوندي نظا م ته یې په هیواد کې د لاس وهنو او د بندونو او انهارو په هکله سخت اخطارونه ورکړیدي، همدارنګه، هم یې د پاکستان پنجابي حکومت ته د ډیورند د کرښي په شا وخوا د اغزن سیم په ارتباط د پښتنو د حق خودارادیت موضوع په کلکه ذکر کړیده.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت د پښتونستان د مسئلي د حل کلک ملاتړ او د فخر أفغان باچا خان د مشي او پالیسۍ سخت پلوی دی. په ګران هېواد افغانستان کي د خویندو او میندو د حقوقو په هکله یې هم کلکه مبارزه کړیده، او یو وار بیا یې وطنوالو ته دا ثابته کړیده چې دعوت به همیشه د عدالت پلوي وي او په دغه لاره کي به خپلو هڅو ته دوام ورکوي.

په هیواد کي همیشه د ملي مبارزینو پلوي کړیده او د نیشلیزم او وطن پرستۍ غږ یې او حرکت یې ژوندی ساتلی دی. او هر کله یې چې بې روا او بې عدالتي لیدلی ده هغه یې رسوا کړیده. دا ټول د دعوت د مسئول چلوونکی ابتکار او منلې تړي دي چې دعوت لا هماغسي ځوان او د خپلو هیوادوالو خدمت ته چمتو ولاړ دی. په هکله یې د هیواد تکړه شاعر ګل پاچا الفت صاحب داسي وايي:

سرګردان وي په جهان هغه مړونه
چې د خپل وطن غمونه یې په سر شي

دعوت نه سور استعمار خوښوه او نه غربي استعمار خوښوي، د دواړو په مقابل کي په مبارزه بوخت دی. ده ته د خپل ټاټوبي ملي منافع تر هر څه زیات ارزښت لري، نو ځکه پري مونږ ویاړو.

(c) ketabton.com: The Digital Library

ميرمن شکريه بارکزۍ د دعوت
د ۲۹مې کليزې په وياړ

ش. بارکزۍ:

زه غواړم تاسو نه مننه وکړم په دا ستر خدمت چې تاسو يې کوئ. ډير وخت نه کيږي چې زه ووايم چې د دعوت لوستونکي يم. اول غواړم چې مبارکي يې تاسو ته ووايم؛ ځکه چې هر ادبي او کلتوری فعاليت د هېواد نه د باندې ډير سخت دی، ډيرې ستونزې لري، دننه په افغانستان کې يې هم لري، خو بهر ډير دی. زما له پاره د خوشالۍ ځای همدا وو چې په هره صفحه کې يو نوی نوم او يو نوی فکر سره اشنا کيدم. سربيره پردې چې هغه پخواني ليکوالانو، شاعرانو او سياستوالو نومونه هم وو، زما له پاره دا ډير د خوشالۍ ځای دی. اوس مې پريږدۍ چې لږ رښتيا هم ووايم.

بی بی سی فارسي چې وينم، کله ناکله فکر کوم چې ولې دا د ايران خلک هر چيرته چې دي د پوهنتون استادان دي يا څومره څه لري او افغانان څه نه لري. مگر ستاسو نشريي دا راته وښودله چې نه، موږ يې هم لرو، خو متاسفانه داسې چينلونه نشته چې خلک دعوت کړي او وخت ورته ورکړي چې دوی خپل نظريات وړاندې کړي او بل د خوشالۍ خبر دا وو چې نوي ځوان ليکوالان ستاسو د نشريي له خوانه معرفي کيږي. دا زما له پاره ډير د خوشالۍ ځای دی يا کيدای شي چې زه ډيره د خارج نه ليرې وم، دننه وطن کې وم نو ډير به د دې نه خبره نه وم چې زموږ څومره ملي، او معنوي شتمنۍ د هيواد نه بهر دي. دا زما له پاره فکر کوم يو کلکسيون د افغانستان د گټو او ملي شتمنيو، څيرو او ملي څيرو نه دی چې بايد درنښت يې وشي او بايد خلکو ته ورو پيژندل شي. زه غواړم تاسو نه مننه وکړم په دا ستر خدمت چې تاسو يې کوئ.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت خپروني ۲۹مې کليزې په مناسبت

ډاکټر حضرت عمر زاخېلوال

ژوند څومره په څغاسته تيرېږي، لکه پرون داسي مي په ياد شي چې په پېښور کې د دعوت د خپرونې د بنسټګر او مسوول ښاغلي محمد طارق مشر ورور ډاکټر عبدالصمد ملک زی چې زما ډېر نږدې دوست او ملګری و ماته د دعوت د جريدې د لومړنيو ګڼو څخه يوه کاپي راکړه. په هغه وخت کې ما د افغاني جريدو سره چندان علاقه نه درلوده، ځکه اکثره يې تنظيمي وې چې يا په خپلو تنظيمي لاپو پټاکو او يا هم د جنګ او جګړو په ترويج، تشويق او تشديد څرخېدې، د هېله مندۍ مطالب په کې کم و. زما په څېر يو زلمی کډوال ته چې لا تر اوسه يې زده کړې نيمګړې او راتلونکی يې نامطمين مګر هيلې زياتې وې ناهيلونکې وې. مګر د دعوت په جريده کې مې برعکس هغه څه پيدا کړل چې مايې لوستل غوښتل:

د آزادۍ او بې پرې خبرونو تر څنګ ازادې شنني، خپلواک نظريات او د داسي ملي شخصيتونو سره مرکې چې د کډوالۍ په چاپېريال کې په نظر نه برېښېده مګر نومونه يې آشنا او هېلې ورته زياتې وې.

په ټوله کې جريده په ملي موخو څرخېده لکه سوله، ملي يووالی، ملي شناخت، ملي حاکميت، دې موخو ته شته ګواښونه او فرصتونه او هېواد د يو لا ستر ناورين څخه ساتل.

په ۱۹۹۱ ميلادي کال کې زه د لوړو زده کړو لپاره کاناډا ته لاړم. په هغه وخت کې نه انټرنېت و نه ازرانه موبايل تيليفونونه او يا د اړيکو نورې اسانه وسيلې. له افغانستان څخه د شوروي پوځونه وتلي وو او د شوروي اتحاد په نسکورېدو سره د غرب لپاره په افغانستان کې نور د علاقه مندۍ څه نه و پاتې؛ نو ځکه افغانستان نه د غرب په تلويزونو او نه هم په جرېدو، اخبارونو او مجلو کې په خبر يا مضمون ارزېده. مګر په افغانستان کې خبرونه ډېر او اکثر يې د انديښنې وړ وو.

د ډاکټر نجيب د حکومت وروستۍ سلګۍ وې او د جهادي تنظيمونو او سيمه ايزو استخباراتي ملاتړو يې د قدرت پر سر د خونړي پړاوو

(c) ketabton.com: The Digital Library

تیاری نیولی. په داسي وخت کي همدومره چي په ګران هېواد کي پیښي دردونکي وي همغومره له هغوی څخه لېریوالی او بې خبري.

نـو د هېـواد د حـالاتو سره د نـږدې پـاتي کېـدو لپـاره مـي د دعـوت د جرېدې سره اړېکي اړیني وبللي. ښاغلي بزګر صاحب ته مـي لیـک او خپل ادرس ولېږه چي په پیرزوینه یې له هغې وروسته د دعوت جرېدې په مسلسـله توګـه راسـتولي او پـه دې توګـه یـې د ګـران هېـواد د ترخـه تاریخي پړاو سره نږدې وساتلم.

زه د دعوت خپروني د ۲۹مي کالیزې په مناسبت څخه په ګټـې ښـاغلي محمد طارق بزګر او د نوموړي خپروني ټولو کارکونکو ته نه یواځې مـا سره د دوی د ځانګړي پیرزویني بلکې همدارنګه د هېـواد د تـاریخ پـه ډېر حساس پړاوو کي د مطبوعاتو په ډګر کـي د دوی اغیـزمن تـاریخي مسولیت او رسالت د ښه ادا کولو له کبلـه د زړه لـه کـومې مننـه کـوم، د لاسته راوړنو یې ورته مبارکی وایم او د هسک ځښـتن څخـه پـدې او د ژوند په نورو چارو کي لا زیات بریالیتوبونه او سرلوړی غواړم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

درې لسيزې جهاد مو مبارک شه

ډاکټر نبي مصداق

د دعوت جريده د لومړي ځل لپاره په ۱۹۸۸ م کال کې چې زه په لندن کې وم، راته را ورسېده. جريده څلور مخه وه او کـه هېـر شـوي مـې نـه وي، مضمونونه يې په تور قلم په لاس ليکل شـوې وو. پـه هغـه وخـت کې د مجاهدينو له حال احوال نه بله مهمه جريده مجاهد ولس و چـې د استقلال جريدې او د څو نورو تر څنگ به له پېښور څخه خپرېـدې. په لندن کې د ستميانو ورځپاڼـه (اميـد) تـر هغـه وختـه او تـر څـو کـالو وروسته پورې داسـې نشرـيات درلـودل چـې نـه ورتـه افغانسـتان، نـه د افغانستان نوم او نه معاصر تاريخ کوم اهميت درلـود. د دوی همفکرانـو به د اروپا او امريکا نه په ((اميد)) کې په داسې وخت کـې چـې لا هـم جنگ روان و، زهرجن تبليغات روان کړي ول.

نو د دعوت جريده چې د ناروې د هارايد او وروسته له ليليسټروم څخه خپرېده، ډېرو افغانانو ته دا توقع ور کړه چـې پـه افغانسـتان کـې د روان جنگ او داخلي پرديپالو په خلاف خپل مضمونونه ورولېـږي. دعـوت له کوچنيوالولي نه په بيړه ځوانۍ ته ورسېد او د دې پرديپـالو پـه مقابـل کې د پوهاند هاشميان د آيني مجلې په شان چې له کليفورنيا نه خپرېده يو کلک سپر و گرځېده. محمد طارق بزگر چې د دې جريدې د امتياز څښتن و او دی، له هغه معاش نه چې لاس ته يې راوړ، دعـوت چاپـاوه او د پُستې له لارې يې اسيا، استراليا، افريقا، امريکا او اروپـا تـه اسـتوله. پُسته په اروپا کې ډېره لوړه بيه لري؛ نو ما به تل دا فکر کاوه چې دی بـه هرومرو د خپلې کورنۍ د آزوقـې ډېـره برخـه د جريـدې پـه نشرـولو او پُستولو باندې مصرفوي.

د انټرنېټ او مجازي فضا په منځته راتلو سره، دعـوت د لاسي ليـک نـه چاپي ليک ته ورسېده او د پُسـتې پـر ځـای د انټرنېـټ لـه لارې لا هـم زياتو مينه والو ته په رسېدو شو.

څو کاله وړانـدې محمـد طـارق بزگـر پرېکـړه وکـړه چـې يـو انټرنېټـي تلوېزيون منځ تـه راولي؛ څـو د نـړۍ پـه ټولـو برخـو کـې افغانـانو تـه د دعـوت لـه جريـدې نـه لا ښـه او پـر وخـت خبرونـه او پروگرامونـه ور

(c) ketabton.com: The Digital Library

ورسوي. د دې لپاره موږ ځينو افغانانو چې په اروپا، امريکا او نورو ځايونو کې وو، دعوت ته مو د خپلې وسې په اندازه مرسته ورواستوله چې دغه انټرنېټي ټلوېزيون ډېر ژر پيل شي. د دې لپاره پرېکړه داسې وه چې هر څوک به وکولای شي خپل تصويري پروګرامونه د انټرنېټ له لارې د دعوت مرکز ته را واستوي او هغه به يې له ايډېټ او سمون نه وروسته په انټرنېټي تلوېزيون کې داخل کړي.

زه له هغه نه وروسته په يو لړ سفرونو کې شوم چې په هاوايي، جاپان او قفقاز کې به مې درس ور کاوه. پوه نه شوم چې زموږ هغه پروژه کوم ځای ته ورسېده. په هر حال! دعوت چې له دوو پاڼو پيل شوی و، کله تر شپږو او کله تر اتو چاپي مخونو ته به، په کوچني اته سايز کې چاپېده او زموږ ټولو نوموتو ليکوالو او شاعرانو دا ځوانه جريده د کميت او کيفيت له نظره د پوخوالي سن ته ورسوله. اوس چې زموږ لپاره په انټرنېټ کې يوه پېژندل شوې سرچينه ده، د مشهورو ليکوالانو او د افغانستان تاريخ او د کلتور نورو برخو ته يکې جلا جلا فايلونه پرانيستل شوي دي. دا فايلونه د هغو ځوانانو لپاره چې که د افغانستان په تاريخ، ادبياتو، ژبپوهنه، تاريخ، سياست او داسې نورو باندې د مضمونو او يا مونګرافونو د ليکلو غوښتنه کوي؛ نو مطالعه يې اړينه ده.

محمد طارق بزګر په تېرو نهه ويشت کالو کې په اقتصادي او شخصي-هر ورځني کړاوونو تر څنګ، دا جريده د افغانستان د مطبوعاتو يوه مهمه برخه ګرځولې ده او زه باور لرم چې زموږ موجوده ځوانان او راتلونکي نسلونه به د څېړنو لپاره د دې ترڅنګ د پوهاند هاشميان (آينهء افغانستان) له مجله نه هم چې د شلو کالو په موده کې په افغانستان کې د شوروي تېری او را پاتې کړاونو باندې مضمونونه ليکلي، د خپلو علمي ليکنو لپاره ورنه استفاده کوي؛ ځکه په امريکا او اروپا کې دا دوې سرچيني له روسانو سره په لس کلن جنګ او له هغه نه وروسته د مهاجرو افغانانو په سر درګومې کړاونو باندې له هر نظره څېړني شوې دي.

زه د دعوت د ځوان د امتياز څښتن بزګر صيب تر څنګ پوهاند هاشميان ته هم د دوی د قلمي جهاد د دوام مبارکي ور کوم او دواړو ته ډاډ ورکوم چې د افغانستان د ادبياتو په تاريخ کې يې ځان ته نه

(c) ketabton.com: The Digital Library

هېرېدونکي مقامونه ګڼلي دي. خدای ج دې له دوی دواړو سره ښه وکړي او بزګر صیب ته دې الله ج توفیق ور کړي چې د دعوت ځینې تاریخي فایلونو مواد د کتاب په بڼه هم راته چاپ کړي. زه حاضر یم چې له کابل څخه د داسې مطبوعو په لټون کې شم چې زموږ د دې هیلې په تر سره کېدو کې را سره مرسته وکړي.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت د کولتوري او معنوي خدمت
نهه ویشتمه کلېزه دې مبارک وي

محمد نقیب تره خیل

ښاغلئ محمد طارق بزګر، خپل هوډ ته وفادار شخص دی. وایـی چـې باعزته خلک با اخلاقه با صبره باحوصله با قناعته قانع هوډمن او زړه ور وي او په ملګري کې وفادار پاتي کېږي.

زه له ۲۰۰۱یوم کال نه دعوت سره قلمي رابطه لرم. له بزګر صیب سره د تلیفوني اړیکو سربېره دوه درې پلا کښېناستلي سره هم یـو. احساساتي جذباتي او د باجګېرۍ خبري چـې هېـواد، ولـس، قـوم، ژبـې، دیـن تـه خدمت کوم هیڅ مې ترې ندي اورېدلي. سره لدې چې په یاد خـدمت له پخوا بوخت هم دی، څه دا خاصـیت یـی د فضـلیت، تقـوا او د ښـو اخلاقو ثبوت دي.

کانټ اخلاقي کار پدې ټکو راپېژني:

که څوک له چاسره پدې نېت ښـه کـوي چـې یـو وخـت بـه یـی بـدل راکړي، دا اخلاقي عمل نه دی. که د دې لپاره له چا سره مینه کوي چې خلک مې وستایی، دا هم اخلاقي عمل نـه دی. اخلاقـي عمـل هغـه ده چې د ځان د خوښي او ګټې عمل په کې نه وي.

د صبر او حوصلي په اړوند به له بزګر صېب سره د شـوي عمـل یادونـه وکړم. مجلس مو سره کوه، ښاغلي بزګر زمـا د پوښـتني پـه ځـواب کـې داسې وویل:

افغان کولتـوری ټـولني کـولن کـې غونـډې تـه بللـی وم. د دعـوت یـو ګډونوال ته مې یادونه وکړه کال نژدې اخر دي که د ګـډون روپـې دی راکړي. وېې ښیه! ښایسته ځنډ وروسته راغې. له یو ملګري سره ولاړ وم. د پنځه ګون اېرو لوټ یی راګذار او پر ځمکه ولوېد. را وامې خیست او ورله ومې خندل. کبرجن د ۵۰ پرځاي پنځه ګون ورکـړی، هاغـه هـم د سوالګر په څېر.

هو؛ د قناعت نښه یی دا ده څه د خپل د نفس بادار او د کار په مزد قانع کس دی، نه د واکمن او نه د شتمن پروا لري. د ځاني منفعت لپاره یـی نه د چا ملاتړ او نه یی د چا مخالفت کـړی. د وینـا تـر حـده عمـل یـی

(c) ketabton.com: The Digital Library

کړی او د سوسیالیزم او امپریالیزم د یرغلگرو د هغوي د گوډاگیانو د دین، قوم، ژبې او هېواد د معامله گرو په ضد د دعوت سنگر جوړول یی د زړه ورتوب نښه ده.

پدې ۵۳ کلن عمر کې مې ډېر کسان ولیدل او وامې ورېدل چې د دین، ملت، ژبې، قوم او هېواد ته د خدمت کولو په نوم یی کولتوري ټولنې په بلجیم، جرمني، هالنډ، انگلیند او د اروپا په نورو هېوادو، امریکې او استرالیا کې جوړې کړې غونډې یی وکړې، مجلې یی راوویستی، سایټونه یی جوړ کړل؛ درې څلور کاله وروسته یی ټولنې، سایټونه او مجلې شلې شنډې او شاړې پرېښودې. د ثروت او شهرت موندو لپار د هغو کسانو او د هغه حکومتو مله شول چې دوی هغوی قاتلان، خاېنان، جنایتکاران او فاسده ادارې یی نومولې. سره لدې چې د ښاغلي بزگر کولتوري هڅې د هغوي په پرتله څو برابره زیاتې دي او د پېژندگلوی امکانات یی هم ترې ډېر دی، خو ثروت، قدرت او شهرت د خپل د وجدان د سپیڅلتیا په وړاندې هېڅ وگڼل نو ځکه د پرگنو ترڅنگ ولاړ دی. الله ج دې په همدې هوډ بانډې تل پاتې وفادار لري چې هر رېښتني افغان د دعوت له سنگره د اسلامیت او افغانیت پر دښمنانو همدا شان لعنت ووایی.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت دې سل کلن شي

زاهد جلالي

د دعوت خپروني له نامه سره لـه ماشـومتوبه اشـنا يـم. هغـه مهـال زه د هجرت ديار د نوښار سيمه کې د جلوزو پـر سـړک پـه يـوه کمـپ کـې اوسېدم. د هجرت او ستونزو هغه کونج و کنار ماحول کې بزګر صاحب تر کليو او بانډو دعوت مجله رسوله.

بيا چې ځوان شوم، انټرنټ سره اشنا شوم، ليکنې و ژباړې مې پيل کړې، دعوت انټرنټي پاڼه يو له هغو ادرسونو څخه وه چې زما مقالې په کـې د سترو ليکوالو ترڅنګ نشرېدې.

له دعوت سره زما اشنايي اوږده شوه او تر دې ځايه راورسـېده او لا پـر مخ درومي. دعوت رسنۍ کې ما ته دوه د پام وړ ټکي ښـکاري. يـوه دا چې له هماغه پيله په کې د پښتو او دري ژبو ښه انډول ساتل شوی و. د پښتنو خو ورته ډېره توجه وه، خو د دري ژبې د سترو ليکوالو ليکنې هم په کې خپرېدې. همدا د دعوت رسنۍ برکت و چې له اسحاق نګـارګر، هاشميان، ځيرکيار او نورو سترو ليکوالو او پوهانو سره يې آشنا کړم.

د دعوت پاڼې بله ځانګړنه د دې ازادي او خپلواکي ده. نـن سـبا خـو د هرې رسنۍ پـر تنـدي د ((ازاده او خپلواکـه)) شـعار ليکـل شـوی، خـو تقريباً هره رسنۍ د يـوه جهـت لـه لـورې تمـويلېږي او د نـورو نظرونـو خپرولو سره علاقه مندي نه لري، خو دعوت داسې نـه ده. دعـوت کـې رښتينې ازادي شته. زه تل دوستانو ته وايم چې که غواړئ واقعاً ازاد نظر د خلکو تر اذهانو ورسوئ، اصلي ځای يې دعوت دی.

د دعوت تر شا ايکې يوه سته ده او هغه طارق بزګر صـاحب دی. بزګـر صاحب د نظر اختلاف زغمي او واقعاً يـو محـترم او د پراخـې سـينې او خلاص لاس سړی دی.

زه هغه مهال چې اسلام اباد کې محصل وم او د افغان محصلينو د مجلې مسوول، بزګر صاحب راته څـو وار پـه خپلـه ويـلي چـې د محصـلينو د مجلې د دغې ګڼې مالي ملاتړ پر ما. دغه راز زما د يـوه کتـاب د چـاپ لګښت يې په خپله غاړه اخيستی، تر څو د سيد جمال الدين په اړه دغـه

(c) ketabton.com: The Digital Library

لیکل شوی کتاب په ټیټه بیه د خلکو لاسونو ته ورسیږي او د هغه په اړه پوهاوی زیات شي.

بزگر صاحب، فرهنگ دوسته سړی دی او د خپلو وطنوالو د علمي پرمختگ له پاره یې پراخ خدمتونه او ډېرې هلې ځلې کړي.

بزگر صاحب راباندې گران دی. له زړه یې احترام کوم او هیله لرم چې د نوښتونو دغه نړۍ کې د دعوت په څیر نور نوښتونه هم وکړي.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت د خپروني او ویبپاڼې په هکله یو څو ټکي

ډاکتر محمد نواب ویساند

وروستیو نږدې څلورو لسیزو پرله پسې غمیزو او ناخوالو، افغان ټولنې ته پراخه ځاني، مادي او معنوي زیانونه واړول. نیم ژوبله تولیدي بنسټونه یې په بشپړ ډول ویجاړ، کاري بشري ځواک یې له هېواده د یو زیات شمیر په کار پوه کسانوپه وتلو سره وپاشه او د ټولنیزو رسنیو (میډیا) چارې (چاپي، انځوریزې، غږیزې)، چې د دولت د درې ګونو قواوو (اجرائیه، مقننه او قضائیه) وروسته په سیاسي، ټولنیزو، کولتوري او اقتصادي ډګر کې د سمې او په واقعیت ولاړ راپورونو په ورکولو سره، چې د یوې څلورمې قوې په توګه د ټولنې د پرمختګ او رښتني ولسواکۍ (دموکراسۍ) په راوستلو کې ځانګړی اغېز درلودلای شي، هم ټکنۍ کړې.

خو د خپروني ګټورتوب او ارزښت ته په کتو، له هېواده بهر د نړۍ په بېلابېلو هیوادونو کې میشتو خورو ورو او د کلک هوډ درلودونکوونکو افغانانو د هیوادنۍ مینې له مخې د پردېسۍ په ستونزمن ژوند کې د خپلو غښتلو متو په زور د چاپي، انځوریزو او غږیزو خپرونو له لارې د خپلو شونتیاوو، وخت او شرایطوته په پام خپلو خلکو او ولسونو ته د چوپړ لپاره ملا وتړله.

د دعوت میډیا، چې په پښتو، دري او انګلیسي-ژبو خپروني لري او اوس یې ۲۹ یمه کلیزه لمانځل کیږي، د یو هوډمن، ځوان، تکړه، په مسلکي پوهي سمبال، با تجربه ژورنالیست او په خپلو خلکو او هېواد مین شخصیت ښاغلي محمد طارق بزګر له خوا د پراخه هلوځلو او زیار وروسته په کار پیل وکړ. په دغه تیرو کلونو کي یي نه یواځې د خپلو خپرونو له لارې خپلو هېوادوالو ته د پښتو ادب په ډګر کې بې ساري خدمتونه وکړلای شول، بلکه د وخت په تیریدو سره یي د یو لړ نوښتونو په راوستلو د ویبپاڼي بڼې او جوړښت ته داسې ښکلا ور وبښله، چې د خپلي ځانګړني له کبله د ډېرو معتبرو ویبپاڼو په منځ کي د پام وړ او زړه راښکوونکی ځای لري.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت میډیا، نه یواځې په خپل وخت د هېواد او نړۍ اړوند د بېلابېلو تازه او مهمو پېښو د بشپړو او کره مالوماتو د لاسرسي یوه په زړه پورې سرچینه وګرځېدله، بلکه د ټولنیز ژوند د بېلابېلو فننو پورې تړلي علمي او اکادمیکو مالوماتو خپرول، چې د وګړو د مسلکي پوهې د لوړولو او د ټولنې د پرمختګ سره مرسته کوي، ځانګړې ارزښت لري.

لوستوال په ډېره اسانۍ سره کولای شي هم خپله دعوت خپرونې او ویبپاڼه کې د خپرېدونکو مالوماتو نه ګټه پورته کړي اوهم یې د نورو همفکرانو سره شریک کړي.

دعوت میډیا، د کلتوري او فرهنګي ارزښت درلودلو ترڅنګ، په خپل وار د افغان ټولنې د واکمنانو له خوا د پټ ساتل شوو کمزوریو په راسپړلو، ناخوالو او بې عدالتیو په ګوته کولو او د پردیپالو او ملي ګټو ضد څېرو په افشا کولو او همدارنګه د نورو منفي پدیدو په وړاندې مبارزې ته د ټولنې د رښتینو بچیانو په راویښولو او هڅولو کې رغنده رول لوبولی دی.

زمونږ له بېداره بخته، له هغې راهیسې، چې د نړۍ هېوادونه او ولسونه د انترنیټي تکنالوژۍ د نړیوال کېدو له برکته سره نږدې شوي او نښلول شوي دي، د د عوت میډیا هم په خپل وار د ننۍ نړۍ مهمې پېښې په ډېره چټکۍ سره د نړدې او لېرې پرتو سیمو اوسېدونکو ته د خپلو خپرونو له لارې رسولې دي.

خو له بده مرغه زمونږ د هېواد یو زیات شمېر بې وسوه افغانان د اقتصادي او امنیتي ستونزو له امله نه شي کولای د خپرو شوو مالوماتونه، لکه د نړۍ د نورو پرمختللو هېوادو د وګړو (انترنیټ ته د نه لاس رسي له کبله) په څېر ګټه پورته کړي.

د دعوت میډیا له لارې نه یواځې د هېواد او نړۍ د روانو حالاتو په هکله د مالوماتو خپرېدل د پام وړ دي، بلکه په هېواد کې د سرتاسري سولې د ټینګښت، د اداري فساد د له منځه وړلو، د ورځېزو چارو د ټیکاو او سمون او د خلکو د پوهاوي د کچې د لوړولو په موخه د هر ډول رغوونکو وړاندیزونو د خپرولو اغیز یې هم له پامه نه شو غورځولای.

(c) ketabton.com: The Digital Library

په پای کې د دعوت میډیا مشرتابه او مینه والو ته د دعوت خپرونې د کلیزې مبارکي وایم اود لا ډیرو بریاوو په هیله یې.

وړاندیز:

که څه هم دا به اسانه کار نه وي، خو که په ویبپاڼه کې د هر لیکوال یا څېړونکي په نوم یوه جلا کړکۍ، چې د تیرو خپرو شوو لیکنو د ارشیف څخه د لیکوال د نوم په ورکولو د اړینې موضوع د ژر پیداکولو او لټون سره مرسته وکړلای شي، جوړه شي، بده به نه وي.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت د نهه ویشتم خپرنیز کال په مناسبت

دکتور محمد عثمان روستار تره کی

د افغانستان د جګړې د پیل نه راهیسې، مهاجر افغانان چه د نړۍ په مختلفو هیوادونو کې یې تیت او پرک ژوند له سره تیراوه د لاندې دوه دلیلونو په بنسټ یوې اغیزمنې مطبوعاتي کمیونیکیشن لاسوند ته اړتیا لیدل کېده:

ــ خپل منځي اړیکي د تامینولو په مقصد

ــ د وطن د حالاتو نه خبرتیا

دغه اړتیا د افغانستان نه د باندې افغاني میډیا او مطبوعات افغانانو ته ور په برخه کړ.

د کډوالتوب په لمړیو کلونوکې د نړۍ په ګوټ ګوټ کې بې شمیره خپرونو په کار پیل وکړ چه زیاتره یې د بهرنیانو له خوا تمویل کیدلې. د وخت د تیریدو سره جوخت افغاني مطبوعات د عامه ارزونې د فلتر نه تیر شو؛ یوازې هغه خپرونې پاتې شولې چه د لاندې امکاناتو نه برخمنې وې:

ــ د تمویل ډاډمنې سرچینې

ــ مسلکې مدیریت

ــ تکړه قلمی همکاران

ــ د لوستونکو هرکلې.

د افغان مهاجرینو په منځ کې، دعوت د افغاني مطبوعاتو په کورنۍ کې د هغه لږو خپرونو څخه ګڼل کیږي چه د نوموړې معیارونو په بشپړیدو، توانیدلې نهه ویشت کاله عمر وکړی.

دعوت د هیواد د اوږدې غمیزې په کلونو کې چې له هرې خوا د تاریخي شخصیتونو، افغاني ملي ارزښتونو او ملي مشترکاتو د پیکه کولو او ورکاوي طوفان را الوتی وو، د خپلو قلمي وفادارو همکارانو او پر وطن مینو افغان شخصیتونو په مټ، د ملي پرتم، ملي وفاق، ملي ارزښتونو او ګډ وطن د ساتنې او دفاع توغ پر خپلو اوږو ولرې.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت د خپل عمر په اوږدو کی د افغانانو او په ځانګړې توګه د افغاني کډوالو په منځ کی د نظر د تبادلې د باوري وثیقې په توګه پیژندل شوې ده؛ د ملي تفاهم زمینه برابره یې کړې ده. د ژبې، قوم، سیمې او مذهب د تعصبونو په وړاندې د ټینګ ملي مورچل د دریځ نه د مقابلې جوګه شویده او د افغانانو د سیاسي شعور د ودې په استقامت یې اوچت ګامونه پورته کړیدي.

د پیژندل شوې قلمي همکارانو سره اړیکې، په پښتو، دري ژبو خپرونې او د هغوي ترمنځ انډول، د افغانستان او نړې د مهمو وروستي خبرونو خپرول، دعوت ته د ژوند د بقا ضمانت او د یو ستندرد اخبار بڼه ورپه برخه کړې ده.

زه د دائمي همکار په توګه د دعوت چلونکو ښاغي بزګر ته د دعوت د نهه ویشتمې کلیزې په مناسبت مبارکي وایم او ورته د هیواد په خدمت کې د لازیاتې هڅې او زیار هیله کوم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت د افغانانو د ملي روحيي او ستراتيژيکو روابطو کی لوی رول لوبولی دی

فهيم نظيمی

ما د ښاغلی بزگر صاحب سره ډير کلنونه پخوا په يوه ميلمستيا کی په لندن کی وليدل او په تصادفی توگه اشنا شوم او له همغې ورځې د دعوت ويبپاڼی او مجلی دعوت سره هم اشنا شوم. د هماغه وخت راهسی د ښاغلی بزگر صاحب ورځپاڼه زما د هيلو، نظرياتو د خپرولو، وطنوالو او نړيوالو سره د ارتباط ستره منبع او وسيله گرځيدلی ده. د ده مسلکی پوهه او هاند او زيار د دی باعث وگرځيدل چی نوموړې ورځپاڼه چاپی او رسانه يی خپرونی وکړي او ډير زيات مينه وال پيدا کړي.

د دعوت د خپلواکو رسنيو مرکز د افغانانو د ملی روحيی او ستراتيژيکو روابطو په ټينگولو او نړی والو ته د افغانستان د حقيقت او واقعيتونو په رسولو کی لوی رول لوبولی دی.

پوره ۲۹ کاله کيږي چی ښاغلی محمد طارق بزگر صاحب او د ده ټيم شپه او ورځ په پوره ايمانداری او مسلکی مهارت او لياقت کار او زيار ايستلی او لوی مطبوعاتی او ژورناليستيکي خدمات يې په پښتو او انگليسی ژبه وړاندی کړي دي، چی خورا زيات د قدر او ستايلو وړ دی. د ده دا ټولی لاسته راوړنی په ډيرو کمو اقتصادی امکاناتو تر سره شوی او لا هم روانی دي.

دعوت ورځپاڼه او مجله، انترنيتی سايت او فيسبوکی خپرونی اوس جهانی شهرت موندلی او خورا ډير مينه وال لری. زه فهيم نظيمی د ښاغلی بزگر صاحب د زيار، هاند، لياقت او مسلکی پوهی او د وطنپالنی د عالی روحيی په درلودلو له کبله و ده ته د زړه له کومی مبارکی وايم او ويارم چی ښاغلی بزگر صاحب او د ده ټيم دا ټول صفات په تيرو څو لسيزو کی د عمل په دگر کی افغانانو او نړی والو ته ثابت کړي دي. د لوی خدايه ورته د لا برياوو هيله کوم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت د انسانيت

بېکسيار

کابل د غونډو، منډو، مشاعرو، سمينارونو، مجلو، اخبارونو، مجالسو او محافلو زانګو وه چې زه ترې رابېل شوم.

د حمزه بابا دغه شعر چې وايي ((يو شور يې د شهرت و چې شوم پېښن په پېښور))، هغه وخت په رښتيني مانا کابل ته مخاطب کېداى شواى. ما تازه تازه شعر اومشاعرو ته مخه کړې وه، له کتاب او اخبار سره مې جوړه راغلې وه، ادبي بنډارونو او شب نشينيو داسې په غېږ کې اخيستى وم چې ستړيا او بې خوبي مې هډو پيژندله نه.

پېښور ته په راتلو مې دغه شور، هيجان او غوغا داسې خاموشه شول لکه په ډک محفل کې له ډېرې مستۍ د دوکړيمار دوکړه وچوي. اروايي حالت مې داسې وه لکه د مور د مرګ، شيدو وچېدو يا کومې ناروغۍ له وجې په درې مياشتني ماشوم د مور شيدې بندې شي. په پارسۍ کې دغه ماشوم ته شير سوخته وايي.

هو البته يو ځيز چې له کابله بيا تر پېښوره، او بيا د پېښور په هغه ټوله موده کې تر هر څه زيات و، هغه دعوتونه و. د کومې مېلمستيا، واده او کوژدې دعوتونه، نه، بلکې ګوندونو، سازمانونو، ايزمونو، له ګوندونو جلاشويو ډلو او له ډلو جلاشويو ټپلو ته. يو کس به چې يوازې يو دوه ورځې ځان در سره لږ خوږ را خوږ کړ او لږ په ادب او احترام به يې در سره ستړي مشي، خواره مشي وکړه نو دريمه ورځ به يې ضرور ديوې ډلې، ټپلې، نظريې او عقيدې دعوت در مخکې کاوه.

څو کاله وروسته ډنمارک ته په راتلو حالت نور هم ترينګلى شو، ياني له بده بد تر. په پېښور کې که له يوه همژبي او هموطن سره د بنډار او ناستې امکان و، يا د کوم اردو يا تنظيمي اخبار د کتو او يا په قصه خوانۍ کې د مرګ منظر، ادم خان درخانۍ، غم غلط، د بيلتانه ټپې او دې ته ورته کتابونو د لوستو امکان و، هم له منځه لاړ. پدې هکله کابليان يو عجيب مالګين طنزي ډيالوګ لري:

ـ ولوېدې؟

ـ هو

(c) ketabton.com: The Digital Library

ـ ژوبل شوې؟
ـ نه.

اوس نو زه داسې لوېدلی وم چې د خوږو بیان یې نور هم په ناسور زخم د مالګې پاشل و او بس. نور نو کراره کراري وه هېڅ نه و. نه یو همژبی، نه یو کلیوال، نه یو دښوونځي یا پوهنځي ملګری، نه کتاب، نه مجله، نه اخبار، نه شعر، نه مشاعره، نه محفل، نه شب نشیني، هېڅ هم نه، ابۍ مړه تبه شلېدلې.

د نهیلۍ، غم، درد او کرب په دغسې توپان او د مهاجرت د ژوند په سختو ارواییي حالاتو کې، د اروپا په دائیم الدائیم تورو ورېځو، یخونو، بارانونو او ځول کې چې ښایي زما دغه شعر د هماغه وختونو انځور وي:

هسې یو دوه ګامه ژوندون لنډول
د اروپا زنده ګي څه زنده ګي؟

څه ګورم چې یوه ورځ بیا یو ((دعوت)) را غی. اول خو لکه هغه چې وایي، مار خوړلی له پړي وېرېږي، لږ غونډې ووېرېدم. ماوې کـه د پېښور او کابل دعوات دلته هم را پسې راغلل، خو چې مې پرانیست او ومې لوست، کیسه بل ډول وه.

دغه دعوت تر هغو نورو دعوتونو بېخي بل شان دعوت و. دغه دعوت له هغو نورو دعوتونو دومره ټوپیر درلود لکه بېخي له کومې بلې سیارې او د ځمکې له کومې بلې جلا کرې چې راغلی وي. دغه دعوت نه د کوم ایزم دعوت و، نه د کوم ګوند، نه د کومې ډلې او نه د کومې ټپلې.

دغه دعوت د افغانیت دعوت و، دغه دعوت د اسلامیت دعوت و، دغه دعوت د غیرت، ننګ، ناموس، حیا او د وطن د مور د پړوني دعوت و.

دغه دعوت د هغو مهاجرو خویندو، میندو د لوپټې دعوت و چې: چایي پلو لیدلی نه و.

اوس د جمرود په غاښې ځي سر تور سرونه.

لدغه دعوت څخه یوه تر سکونه وطني ورمه راتله، چې پکې د ممانو، ګور ګورو، ښېځو، توتو، غوزانو، سنځلو، ازقلاني ختکیو، بغلاني هندوانو، قنداریو انارو، جوزجاني پستو او خوستیو جلغوزو رنګونه او خوندونه لکه د ګوتې غمی پکې را ټول شوي وو.

(c) ketabton.com: The Digital Library

لدغه دعوت څخه د روس او روس پلوو خلاف د افغان فيلسوف ګل پاچا الفت دغه ناره بې لـدې چـې د هـرې ګڼـې پـر تنـدي ليکلـې وي لوستونکي ته تداعي کېدله:

يو پټ غلی احساس دی چې ارام مې نه پرېږدي
په اور مې کړوي لکه چې خام مې نه پرېږدي
جرئت مې زيا توي دومره په ځان يمه پوه شوی
غافل له خپله حقه او غلام مې نه پرېږدي

دغه دعوت د تېرو درې لسيزو په اوږدو کې مدام د پاکستانيزم، ايرانيزم، عربيزم، روسيزم او ډېرو نورو ايزمونو خلاف د رښتينو او پـه وطـن مينـو افغانانو د مبارزې تود سنګر و، دی او وي به ان شاالله.

د دغه دعوت په هکله يوه بله خبره هم د استاد الفت پـه وينـا: وخـت د اعتراف دی ګونا خپله درته وايمه!

پدا دومره کلونو کې مې يوه افغانۍ، يوه انه، يوه حبه د دعوت چلوونکو ته نده ور کړې، هسې که خپله کومه شعري ټولګـه يـا د هيلـې مجلـې کومـه ګڼـه مـې، هغـه هـم د چـا پـر لاس ور ليـږلې وي والله اعلـم؟ خو ښاغلي بزګر د دعوت هره يوه ګڼه، نه يوازې يوه ګڼه بلکـې د يـوې ګڼې څو څو کاپياني هر هر ځل د دا دومره کلونو په اوږدو کې مخـامخ د پوست له لارې ماته را استولې دي، او خدای خـبر چـې زمـا پـه شـان به يې په لسګونو او سلګونو نورو ته هم استولې وي. زه له خپله اړخه او تولو هغو ملګرو په استازولۍ چې ما ورته د دعوت ګڼـې رسـولې دي د دعوت کليزې په وياړ ښاغلي محمد طـارق بزګـر، ډاکـتر محمـد فريـد بزګر، د بزګر ټولې کورنۍ او د افغاني رسنيو پراخې مجموعې ته مبارکي وايم. پاکه ربه د انسانيت دغه چغه همداسې رسـا لـرې او ازانګـه يـې د افغاني رسنيو په ټولې کې مه کموې. امين، ثم امين!

(c) ketabton.com: The Digital Library

له دعوت سره د ملګرتوب له پیله تر نن

ډاکتر جمشېد سمون

له هماغه پیله مي چې دوه اونۍ وړاندې ښاغلي او ملي ژورنالیست درانه ورور محمد طارق بزګر راته په نبږدې راتلونکي کې د دعوت د ۲۹ مې کلیزې او په هکله یې د نظر او یا څه لیکلو پوښتنه مخته کښېښوه، له آره نیت دا ؤ چې د ښې او منځپانګې له مخې به له ما سره د دعوت چاپي بڼې په شتو څو ګڼو او همدارنګه د دعوت وېبپاڼې په هکله، چې لوستونکی او مینه وال یې یم، خپله ارزونه کوم، خو له یوې خوا د خپلې لټې له امله چې تل د نن کار راځخه سبا او بل سبا ته پاتې وي او له بلې خوا ورځینی فزیکي مصروفیت د دې لامل شول چې له پورتني درانه پېټي اوږه سپکه او په دې هیله چې د دعوت ۵۰۰۰ تیراژ درلودونکي چاپي خپروني او په شپه او ورځ کې د کم و ډېر ۱۰۰۰۰ لیدونکو دعوت وېبپاڼې څېرمنه او بې پرې ارزونه به نورو دوستانو هرومرو کړې وي، له دعوت سره د خپلې ملتیا او پر دعوت د روږدېدو کیسه تېره کړم.

پوره یوویشت کاله وړاندې کله چې شمالي ټلواله د کابل ښار پرېښودو ته اړ ایستل شوه، په دغه ښار کې د لوړو زده کړو موسسې او ښوونځي د ((طالبانو اسلامي امارت)) لخوا، تر ((امر ثاني)) پورې وتړل شول.

د طبي زده کړو د وروستي کال وروستۍ میاشتي مو وې، زموږ د ټولګیوالو لخوا، د کابل طب انستیتوت او په تېره بیا د وروستي کال د محصلینو د زده کړو د بیا پیل کېدو هلو ځلو، له ((مشر ـ ملا صاحب)) پرته نورو ټولو اړوندو لوړپوړو چارواکو ته مراجعو څه ګټه نه درلوده او ځواب به بیا هم هماغه د راډیو له لارې د ((امر ثاني)) اعلان ته انتظار ؤ.

یو عجیب و غریب ترینګلی او نا هیلی حالت منځته راغلی و، ټول ټولګیوال مو کورونو ته ستانه شول. ښایي ډېرو به ځان ته بوختیاوې پیدا کړې وې، یو له بله چنداني نه خبریدو، د اوس په څېر د اړیکو وسایل نه ول.

(c) ketabton.com: The Digital Library

له خپل مسلک سره د بې کچې مينې او د صميمي دوستانو ډاکتر صاحب روح الله ساپي او ډاکتر صاحب جان محمد اپريدي په هڅونو او ټينگار مې په سروبي ولسوالۍ کې کتنځای پرانيست.
د شپې لخوا د اوسېدو لپاره د يوې کوټې په لټه کې شوم چې دوو اخلاصمنو مشرانو چې په برېښنا رياست کې يې دندې درلودې، د دغې موسسې د مېلمستون په يوې کوټې کې د اوسېدنې راته وويل، د برېښنا او اوبو ستونزه مې حل وه. د اوسېدو لپاره د کوټې د تيارولو او پاکولو پر مهال مې سترگې پر دعوت خپرونې ولگېدې، هېر مې دي او نه يې شم ويلای چې د کړکيو هنداړو ته سرېښ او که هسې له کړکۍ سره پراته ول.
له دولس- ديارلس کلنۍ څخه د چاپي خپرونو او کتاب ملگرتوب پالم. هغه د کابلي انډيوالانو په خبره ((مشکل پسند)) هم يم. د نجيب الله د واکمنۍ د وروستيو کلونو، د ((مجاهدينو)) او د طالبانو د واک پر مهال نامعيارو، کليشوي، بې خوندو، پيکه، بې مضمونو، او شعاري خپرونو د لوړ ذوق د څښتنانو تنده نه شوای خړوبولای او هغه د چا خبره د فکر باز يې د دوی پر ځانگو نه شوای کښېناستای. دغه مهال مو پر څو محدودو په لوړ معيار، بې پرو او کره چاپي او غږيزو خپرونو د ذوق تنده ماتوله: له مسکوه ((ليمه))، له لندنه ((ډيوه))، له پېښوره ((ليکوال))، په کال کې يوه–نيمه گڼه د ((شمشاد)) او بيا راوروسته ((هيلې)) مجلو، د بي بي سي او امريکا غږ راډيويي خپرونو.
د دعوت په تندي ليکل شوي متن ((اسلامي، خپلواکه، علمي، سياسي او فرهنگي خپرونه))، په زړه پوريو، ناپېيلو او تر ډېره په کره ليکدود ليکنو او غني منځپانگې يې خوند راکړ، ډاکتر صاحب روح الله مې چې د کوټې په منظمولو کې راسره مرستندوی و، بې له ځنډه وپوښته: چې دا به له کومه شوی وي؟
هغه د عادت له مخې چې د پوښتنې ځواب يې هم بېرته پوښتنه وه، راغبرگه کړه: ((ولې دعوت دې پخوا نه ؤ لوستی؟ طارق بزگر نه پېژنې؟ د انجنير صاحب نجيب دوی خپل دی، په ناروې کې اوسي او دعوت له هاغه ځايه رالېږي، دلته مخکې په دې کوټه کې د يوې موسسې

(c) ketabton.com: The Digital Library

انجنير صاحبان اوسېدل، شايد انجنير صاحب نجيب دلته ورتـه راوړي وي.))

څه موده وروسته چي د خپلي سپېڅلي روږدتيـا او د ځينـي کتـابونو او ضروري موادو د پېرودني لپاره د پېښور په کتابپلورنځيو گرځېـدم، نـو د خيبر بازار په ((سعيد بک سټور)) کي مي په دعوت خپرونه بيا سـترگي روڼي شوې. هلته د کتابپلورنځي يو کارمن ؤ، ښه ښکلي غټه تکـه تـوره ږيره يي وه، ما به صوفي صاحب باله، له لهجي دی هم د برې پښتونخوا (افغان) ښکارېده، د نورو په پرتله يي له برنو سره په ښه چلند کي جوت توپير ليده محسوسېده. ما ورته ويل دغه دعوت خپرونه تاسي ته څوک راوړي؟ ويل ولي، خير خو به وي؟ ما وې هسي، پوښتنه مي کولـه چـي خنگه کولای شم ويي وينم، صوفي صاحب چي زما په بي خطرۍ پـوه شو نو ويل ((دا خو ډاکټر صاحب بزگر راوړي، که غواړې زه به يـي د دفتر د ټليفون نمبر درکړم، پته به ترې واخلي او ورسره ملاو به شي.)) د ټليفوني اړيکي په مټ مي د پېژنـدگلوۍ تـر څنـگ لـه ښـاغلي ډاکټـر صاحب محمد فريد بزگر څخه د دوی د کارځای په ((آبدره روډ)) کي د ORA دفتر پته هم واخيسته او په همدا لـومړي ليـده کاتـه کـي يـي د ميني او زښتي مهربانۍ د څرگندولو تر څنگ د دعوت خپروني پـه څـو وروستيو گڼو او همدارنگـه د ORA او KOR نـادولتي موسسـو د گڼـو خپرونو او کتابونو په راکولو ښه پوره وقدرولم.

راوروسته به هم، چي کله د لويي پښتونخوا ژمني پلاز ته ورکوز شوم نو د ډاکتر صاحب بزگر د ORA له دفتر، د هېوادمـل صـاحب د WUFA دفتر، د ښاغلو پيرمحمد کاروان، اسـتاد بـاجوړي، عبـدالهادي هـادي او احمد تکل د بي بي سي د تعليمي ډرامو دفتر، د ښاغلي نورالبشر نويـد د ((ليکوال)) دفتر، دانش کتابپلورنځي او ((آسـيا سـافټ)) لـه دفترونـو مي خامخا د تازه خپرونو د ترلاسـه کولـو لپـاره د کتنـي او دورې هڅـه کوله او تل د دوی له مهربانيو برخمن وم.

مسکو ته له کډوالي سره مي هـم لـه نېکـه مرغـه د دعـوت خپرونـي لـه پـازوال، نومـوتي ژورناليسـت او مهربـان اجتماعـي شخصـيت ښـاغلي محمد طارق بزگر سره تر دې دمه بي اړيکو پاتي شوی نه يم. د دعوت په پېرزوينو ترې خوښ او منندوی يم. رب (ج) دې يې زمـوږ لـه پـراخ

(c) ketabton.com: The Digital Library

کوره څخه نه کموي، فکر او قلم يې همداسې سپيڅلی، تانـد او منلـی غواړم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت ۲۹مه کلیزې؛ د ویاړنې یوه پلمه

اجمل روهي

څه باندې دوه لسیزې وړانـدې، کلـه چـې زه هـم د زیـات شـمېر نـورو افغانانو په څېر جـلا وطنـۍ تـه اړ شـوم، د برخلیـک څپـو زه د جرمنـي خاورې ته ورسولم. که څه هم زما د محصلـۍ دوره پـه اروپـا کـې تیـره شوې وه، خو داسې یـو هېـواد تـه راتـګ، چـې ژبـه دې نـه وي زده او وګړي یې انګریزي ژبې ویلو ته هم لېوالتیا نلري، ځینې ستونزې رامنځته کولې، چې له رسمي کارونو، ډاکتر ته تـګ نـه تـر کاروموندنې پـورې ټولې چارې ور سره تړلې وې.
هغه مهـال، چـې د نـن پـه پرتلـه ټکنـالوجي دومـره پرمختللـې نـه وه؛ د انټرنیټ او ډیش انتانونو نه شتون هم مـوږ لـه دې نـه محـروم کـړي وو، چې د خپل هېواد په هکله کره مالومات ولرو، زموږ لویه خوشالي بـه دا وه، که کوم چا ته به زموږ لیک رسیدلی و او د هغوی لخوا به ځـواب را ورسید او یا به افغاني مجلې، کتابونه او ورځپاڼې تر موږه راورسـیدې. د جلا وطنۍ په همدې کلونو کې، ځینې ورځپاڼې یا بهتره ووایم جریدې تقریباً په منظمه توګه رارسیدلې او تر لوسـتلو وروسـته بـه لاس پـه لاس کیدلې. د دغو ورځپاڼو څو بېلګې مې چـې پـه یـادې دي: «وفـا» چـې بنســټ ګــر یــې ارواښــاد پروفیسرــ رســول امــین او سرمحقــق زلمــي هېوادمل یې مدیریت کولو، «دعوت» د ښاغلي طارق بزګر په مدیریت، «آئینه افغانستان» د ښاغلي سیدخلیل الله هاشمیان په مشرۍ او «مجاهـد ولس» د ښاغلي محمدحسن ولسمل پـه مـدیریت.د دغـو ورځپـاڼو پـه لوستلو به زموږ د زړه للمه په هېودانۍ مینه خړوبیدلـه او هـم بـه اپـډیټ کیدلو.
څرنګه، چې سږ کال د «دعوت» **۲۹** کلیزه ده، نو زه به هم د دغه رسـنۍ (ورځپاڼي او ویبپاڼه) په هکله، زما په ذهن کـې پنځیـدلی نظـر وړانـدې کړم.
زما په اند د هرې بریالۍ رسنۍ په هکله چې خبرې کیږي دا په حقیقت کې د هغه رسنۍ د مدیر او کارډلې د بریالیتوب په هکلـه خـبرې دي. د «دعوت» په هکله هم بې له شکه همدا فرمول صدق کوي.

(c) ketabton.com: The Digital Library

که څه هم د ليکوال د شخصيت او آثارو تر منځ تړاو شته، خو ځيني بيا له دې نظر سره مخالفت لري او وايي، چې کېدی شي يو څوک ښه شخصيت ونلري، خو ښه آثار يې وړاندې کړي وي.

له نيکمرغه زه د «دعوت» بنسټګر او مسوول مدير ښاغلی طارق بزګر پېژنم، له نږدې مو بنډار هم سره کړی او په هغه ډله کې حسابيږي، چې هم درونډ شخصيت لري او هم درنه او بريالۍ رسنۍ چلوي.

يو څو ټکي د ګران بزګر صيب په هکله:

ډير اجتماعي او د اړيکو په پاللو کې تکړه، د غره په څېر حوصله؛ بېلګه يې د ۲۹ کلونو پرله پسي ژورناليستيک کار، له حسد او دښمنيو نه ليرې او بس هسې خوږ انسان.

يو څو لنډ ټکي هم د «دعوت» په هکله:

هيڅکله يې ژېړ ژورناليزم ته مخه نکړه؛ د پيسو او نورو امتيازاتو لپاره يې څوک بې ځايه ټارګېټ او سپک نه کړل. تل يې ملي ګټې په پام کې نيولي او په هېواد کې د خيانت، فساد او ملي خائينيو پر وړاندې يې د مبازې بيرغ تل اوچت ساتلی.

ګران بزګر صيب، ځان او ټولو هېوادوالو ته د دې کليزې او برياوو مبارکي وايم، الله دې همداسې لري.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت د ملي ګټو او بيان ازادۍ په تله کې!

سرلوڅ مرادزی

د دعوت د ۲۹مې کليزې په وياړ!

تر نورو خبرو مخکې اړينه بولم، د دعوت خپرونې ۲۹ کليزه او په راوروسته کې د دعوت بريښناپاڼې ښېګڼيزه او بريالۍ چلونه قدروړ او منلي شخصيت محمد طارق بزګر، د هغه همکارانو، او بيا ليکوالو او لوستونکو ته چې د دعوت خپروني او بريښناپاڼې سره همکاري لري او اړيکه ساتي، مبارکي او کور وداني ووايم.

له هېواده ليرې، د کډوالۍ په ناخواله چاپېريال او نيشت امکاناتو، د خپروني د وسايلو او تخنيک د تيارولو د هڅو او کړاوو سره سره؛ د بزګر صيب ۲۹ کلن قلمي او پوهنيز زيار چې مهاليپير يي تر ننه پورې د يوه نسل د عمر سره برابري کوي، نه يوازې د ستايني او قدروړ دی بلکې د هېوادپالني يوه داسې غوره بېلګه ده چې ځوان نسل يې بايد هر پل پسې پل واخلي!

که څه هم ما مخکې د دعوت خپروني ټولو ګڼو ته لاسرسی نه درلود او يوازې ځينې مې لوستې او بريښناپاڼې سره له پيله اړيکه پالم، خو سړی ويلای شي دواړه، د دعوت خپرونه او هم بريښناپاڼه د هېوادپالني په ګاڼه سمبال او د ملي ګټو په بيان، ملاتړ او ساتنه کې په تول پوره دي.

د ډېرې خوښۍ ځای دی نن سبا په هېواد کې دننه او بهر د خپرونو او بريښناپاڼو پريماني او ارزاني ده، خو ملي ګټو او د بيان ازادۍ سره د بريښناپاڼو او خپرونو چلند يو راز نه دی. يو شمېر يې له خپرېدو څخه په نه خپرېدو هېواد ته ګټه رسوي او که د ژورناليزم نور ارونه او ځانګړني ورسره غوټه شي چې زما د ځانګپوهي له انګړه بهر دي، خبره نوره هم درنه او پيچلې کوي.

ملي ارزښتونو او ګټو ته ژمنتيا او د هغو ساتنه او همداراز د بيان ازادي هغه دوه وزرونه دي چې که يوه خپرونه يې ولري، تر ډېره پرې چلېدای او ژوندۍ پاتې کېدای شي. هغه خپرونې چې له يادو ښېګڼو څخه يوه يي پېکه او يا دواړه يي پيکه او يا يي هيڅ ونه لري، څوک يې نه خوښوي او په لوستلو نه ارزي. همدا لامل دی چې ځينې خپرونې ژر

(c) ketabton.com: The Digital Library

مري او اوږد ژوند نه لري او ځينې نورې لکه دعوت بيا کلونه دوام کوي، نسلونو اړوي او نسلونه روزي.

زه د دې دعوه نه کوم چې د دعوت خپروني به په يادو برخو کې کومه نيمګړتيا ونه لري، خو تر کومه چې زه يې ارزولای شم، په واړو ډګرونو کې په بريا پلونه اخلي او د لا بشپړتيا او پرمختيا پړاوونه وهي.

دعوت د افغان ټولو قلموالو او ليکوالو د ليکنو او لوستلو خونديځ دی.

دعوت د کيڼلارو، ښيلارو، منځلارو او ګڼلارو ليکنې په پراخه ټنده خپروي او تر خپلې وسې پورې يې د بيان ازادي ژوندی ساتلې ده. تر اوسه زما هيڅ ليکنه چې ښای ځينو به يې د دعوت تګلار سره سمون هم نه وي لرلی، دعوت بې لاسوهنې خپرې کړې. همداراز زه ليکنې، خپلو بېلا بېلو لوستونکو ته د اسانه لاسرسي په موخه نورو بريښناپاڼو ته هم ليږم، خو د ځينو نورو ترڅنګ دعوت په ډېر ورين تندي دا ليکنې خپروي چې ترې منندوی يم.

يو وخت ما بلې بريښناپاڼې ته ليکنه لېږلې وه. په ليکنه کې مې د وفات شوي شخص د نوم سره د ارواښاد کلمه ليکلې وه، نوموړې بريښناپاڼې چې نوم اخيستل يې اړين نه بولم، د هغه ارواښاد له نوم څخه د خپل تنګليد په لامل، دا کلمه غورځولې وه او په وفات شوی شخص يې د ارواښاد تش يوه کلمه قدرې هم پيرزو نه ده!

په پای کې د ملي ګټو او ارزښتونو خبره يو ځل بيا دلته رااخلم. زه خو وايم خپرونه دې د ملي هويت، خپل تاريخ او روواياتو په منځپانګه بډايه وي. که نور ورځچاري رنګارنګ مطالب خپريږي، خپاره دې شي، خو هغو کې دې هم د ملي ارزښتونو ونډه خوندي وي.

د خپروني په تګلار کې ملي ګټو ته ژمنتيا او په خپرونو کې د داسې ارزښتونو پرله پسې انځورول، خپرونې سره د لوستونکو او هېوادوالو د لوست مينه زياتوي، هغوی د هېوادپالنې په روحيه روزل کېږي او په دې لامل د خپرونې ځلا او ښکلا لا زياتوي. د دعوت خپرونې چې په دې ګاڼه تر ډېره سمبالې دی، دې ټکي ته يې نوره پاملرنه هم رااړوم!

دعوت ته د خپرونو په هېوادپاله دنده کې لابرياوې غواړم!

(c) ketabton.com: The Digital Library

خجسته کتاب دعوت

دکتور سید خلیل الله هاشمیان

جریدهء وزین دعوت اینک ۱۶ ساله می شود و در مسیر این مدت به مدیریت مسئول شخصیت مبارز، آقای محمد طارق بزگر، موقف ملی و مبارزهء ملی خود را برای احیای افغانستان آزاد، دموکراسی ملی، رفع و دفع هر نوع تبعیض و تاسیس حکومت قانون در افغانستان حفظ نموده و در مدت سه سال گذشته که افغانستان به طور رسمی تحت اشغال قوای اجنبی قرار گرفته، جریدهء مبارز دعوت پیوسته به ضد اشغال اجنبی شعار داده است.

جریدهء مبارز دعوت همیشه از اتحاد ملی حمایت نموده و از حکومت دست نشانده تقاضا کرده تا اول تر به مقابل تجزیه طلبان دست به کار شود، زیرا تا زمانی که جنگ سالاران تجزیه طلب، ولایات افغانستان را تحت تسلط داشته باشند، وحدت ملی تامین شده نمی تواند.

جریدهء دعوت از اظهار حقایق هراس نداشته واقعیت ها را بی پرده بیان می کند، چنان چه در شمارهء مسلسل ۱۶۲ می خوانیم که در دورهء «حاکمیت متزلزل و فاجعه برانگیز مسعود- ربانی که از سال ۱۹۹۲ تا سپتامبر ۱۹۹۶ دوام نمود و موجب قتل پنجاه هزار اهالی ملکی شد و هم اقلاً ۵۰ فیصد عمارات ملکی و رسمی در کابل تخریب شدند... به استناد یک منبع معتبر خارجی، در فروری سال ۱۹۸۳، بین احمد شاه مسعود، عبدالرشید دوستم و قوماندان مالک، قراردادی با روس ها امضا شد که به اساس آن، مسعود مکلف ساخته شد تا امنیت راه سالنگ را برای عبور کاروان های اکمالاتی روس ها به جانب کابل تامین کند....»

جریدهء دعوت با نشر افکار و مقالات دانشمندان افغان و توجه خاص به زبان ملی پشتو توانسته است در بین طبقهء وسیع دانشمندان پشتو زبان محبوبیت خاص حاصل کند. در حالی که با انتشار مقالات زیاد به زبان

(c) ketabton.com: The Digital Library

ملی دری، موازنه بین دو زبان را نیز نگه داشته و از لحاظ ژورنالیزم مانند پلی، فاصله بین امریکا، اروپا، آسیا را به هم نزدیک ساخته است.
تمنیات نیک خود را برای دوام و موفقیت این جریدهء مبارز ملی و برای صحتمندی و سعادت شاغلی محمد طارق بزگر بدین وسیله ابراز می کنم.
پیروز و جاویدان باد مبارزهء ملی به ضد ارتجاع داخلی و به ضد اشغال کشور توسط لشکر اجنبی.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت د کتاب په بڼه

پوهاند ډاکټر محمد حسن کاکړ

د دعوت میاشتنۍ خپرونه، ۱۹۸۸ کال نه راپدیخوا په ناروې کې د ښاغلی محمد طارق بزګر په سروالۍ خپرېږي. دعوت په دغو شپاړلسو کلونو کې تر اوسه پورې په منظم ډول خپور شوی او لوستونکو ته هم دننه په افغانستان کې او هم له افغانستان نه د باندې په نورو هیوادونو کې رسیدلی دی.

د مساپرۍ په حال کې په نااشنا ملکونو کې خپرونه ایستل او هغه لوستونکو ته په وخت استول اسان کار نه دی. د دعوت دغه غټ کار په لاندې دلیلونو سره واقعي شوی دی. د واقعي کیدلو غټ عامل یې پخپله چلوونکی ښاغلی بزګر دی چې له کډوال کېدلو نه وروسته یې د پردیسۍ په حال کې هم زیار ایستلی چې خپل وطن او وطنوالو ته د قلم له لارې خدمت وکړي.

د ثور له کودتا په تېره د شوروي له نظامي یرغل نه وروسته په ملیونو افغانان اړ کړل شول چې له خپل هیواد څخه ووځي، په ملیونو له خپلو کورنیو سره په پاکستان، او ایران کې کډوال شول او تر دوو لکو پورې یې د لویدیځې نړۍ د بېلو بیلو هیوادونو په تیره جرمني، کاناډا او امریکا ته لاړل. معاصر افغانستان هیڅکله دغومره ډیر افغانان له لاسه ورکړي نه وو، دوی اقتصادي کډوالان نه وو چې د ژوند ښه کولو د پاره به د خپل پروګرام له مخې له وطن نه وتلی وي. دوی لکه چې د مخه مې وویل د مجبورۍ له مخې کډوال شول نو ځکه د کډوالۍ په حال کې د وطن اندیښنه ورسره وه او خپل وطن ته یې ډول ډول خدمتونه وکړل. ځینو د مقاومت د پاره تنظیمونه جوړ یا له سره فعال کړل؛ نورو د همدغو تنظیمونو له لارې د وطن په بیا خپلواك کولو کې اغیزناکه عملي ونډه واخیستله او لا هم نورو د قلم او لیکنو له لارې د افغان داعیه پرمخ بوتلله او د دغه مقصد د پاره یې خپرونې وایستلې. دغه خپرونې ډول ډول او ډیرې دي؛ په تیره په پیښور کې د مقاومت په دوره کې؛ خو له بده مرغه هغه نه په یوه عامه ګډه مرکز کې ټولې شوې او نه هم په عامه کتابتونو کې خوندي شوې. د افغانانو د پاره دا یوه ډیره غټه کلتوري او

(c) ketabton.com: The Digital Library

تاريخي ضايعه ده؛ ځکه چې په دغو خپرونو کې د افغان ملي مقاومت او په هغه پورې اړوندو موضوعگانو انعکاس کړی و. په هغو کې د افغان کارنامې او تاريخ خوندي وو. دغه حال ښيي چې افغانان بـه د شتمن ليکلي کلتور خاوندان نه شي. دغه وينا په دغه ترخه واقعيت سره نور هم ټينگه کيږي او هغه دا چې د اسلامي تنظيمونو په دوره کې عامه او شخصي کتابتونونه چور شول، او ډير کتابونه يې وسوځول شول. پـه هغو کې زما کتابتون هم راځي چې له انگلستان او امريکې نه مې ډيـر کتابونه ورته راوړي او بيا د کابل د زاړه ښار د کتاب پلورنځيو نه مې د پخوا وختو ډيرې زړې پاڼې او کتابگوټي راټول کړي وو. زما په کتابتون کـې يـو شـمير اثرونـه بېجـوړې وو؛ لکـه د برتـانوي هنـد حکومـت د استخباراتو د ځانگې يوه خپرونه چې د افغانستان د وخـت د لويـانو پـه هکله وه، او بيا ما د خپلـې ځيړنـې درې کلنـې مـودې پـه بهـير کـې لـه ناخپرو شوو ارشيفي پاڼو نه نور ډير معلومـات پـرې ورزيـات کـړي وو چې دغه اثار د هغو له امله پوره بېجوړې شوي وو. دغه اثر چې پـه نـيم تخته يې پاڼو کې شنه پشتي لرله او اضافي ليکنې يې پـه انگريـزي کـې زما په قلم دي شايد بل څوك لوستلی ونه شي.

په کابل کې د طالبانو تر پرزيدلو نـه وروسـته د خپرونـو يـوه لويـه ازاده دوره پيل شـوې ده، خـو د دغـې دورې خپرونـې دننـه پـه وطـن کـې د لوستونکو د پاره دي. په داسې حال کې چې له افغانستان څخه د باندې په لويـديځې او عـربي نـړۍ کـې د دوو لکـو پـه شـاوخوا کـې افغانـان اوسيږي. له ښه مرغه د دغـه افغانـانو او داسـې هـم پـه وطـن کـې دننـه افغانانو د پاره اوس هم په باندينيو هيوادونو کې خپرونې کيږي؛ لکه پـه امريکا کې "آئينه افغان" د ډاکټر سيد خليل الله هاشميان په سروالي، پـه کاناډا کې "افغان رساله" د ښاغلي احمد شاه هوتك په زيار، پـه جرمنـي کې "گوربت" د ښاغلي محمدآصف په همت او "اسه مايی" د ښـاغلي حميد عبيدي په زيار، او په امريکې کې "کيوان افغان" د ښاغلی رحـيم وحدت په مشرۍ او په ناروې کې "دعوت" د ښاغلي محمد طارق بزگر په سروالی، دغه خپرونـې هـم مـلي دي او هـم يـې د عمـر کولـو تـوان ښوولی. البته نورې خپرونې هم شته چې يا يو وخت بل وخـت ايسـتلی

(c) ketabton.com: The Digital Library

کيږي او يا ملي نه دي، لکه د "امید" خپرونه؛ خو دلته په دغو پاڼو کې يوازې د دعوت خپرونې باندې خبرې کيږي.

لکه چې ړومبی مې وویل چې شپاړلس کاله کيږي چې دغه خپرونه د ښاغلی بزگر په زيار راووځي په باندينيو نااشنا ملکونو کې د دغسې خپرونو ايستل اسان کار نه دی، خو د هغوی د ايستلو هلې ځلې لوستونکو ته نه ښکاري لکه هسې چې لوستونکي د کتاب مخونه په منډه لولي. بې له دې چې ځير شي ليکونکي به د هر مخ په کښلو کې څومره زيار ايستلی وي. په دغه اړه ښاغلی بزگر يو مثال کيدلی شي. دئ د خپلې کورنۍ د ژوند خوندي کولو د پاره د ناروی د پوست په مرکزي دفتر کې کار کوي، خو د خپل معاش يوه برخه د دعوت په ويستلو باندې لگوي. له دينه جوته ده چې د ښاغلي بزگر د دعوت د خپرولو هڅونکی قوه مادي نه ده. په اصل کې د دغسې خپرونو ايستل د پيسو د پاره نه وي او نه هم دا د پيسو گټلو لار ده، هغه هم په باندينيو ملکونو کې د دغسې افغانانو د پاره چې ملي خپرونې راوباسي. دغه څه پخپله د دعوت د مخونو نه څرگنديږي.

دعوت د هيواد په دواړو رسمي ژبو خپريږي، خو د پښتو پله يې درنه او افاده يې هم معياري ده. په هره گنه کې يو يا ده ليکنې په انگريزي هم لري، خو د دعوت غټه ځانگړتيا د هغې د ليکنو څنگه والی دی. ليکنې يې نږدې ټولې د افغانستان د پيښو په تېره د سياسي پيښو په اړه تحليلي دي، مهمې نړيوالې جاري پيښې يې هم په مخونو کې راوځي. په ليکنو کې يې په موضوع گانو باندې بحث کيږي نه په فردونو باندې. هو، د فردونو کړه وړه او نظرونه او سياستونه به پکې ډانډس کيږي او ټکول کيږي، خو پخپله هغوئ په سپکه نه يادېږي. دعوت د مدني اصلونو مراعات په ټينگه کوي. دعوت په واقع کې په دغو اصلونو او فرد ته د درناوي په اصل ولاړ دی. په دغه ډول د دعوت په ليکنو کې د فرد حيثيت هر څوك او په هر مقام کې چې وي خوندي دی، خو د هغه کړه او فکرونه سپيڅلي نه کڼل کيږي، هغه سپړول کيږي يا يې قدر کيږي يا بېرحمه نيوکې او وارونه پرې باندې کيږي. دا ټول د دې د پاره چې دعوت دا خپله ملي او اجتماعي دنده او مسئوليت گڼي چې خپل لوستونکي د هغو نظرونو، کړو، او موضوعگانو په ښو او ناوړو خواو

(c) ketabton.com: The Digital Library

باندې خبر کړي چې هغوئ او د هغوی وطنوالان متاثر کوي. دا په واقع کې د دعوت رسالت دی. په دې حساب د دعوت ليکنې نه ننداره ييزې، نه احساساتي او نه هم پارونکي دي. هغه د ازادو دماغونو تحليلي ليکنې او تبصرې دي. له دې امله دعوت ډير علاقه مندان، خوښونکي او لوستونکي لري او دا د دعوت قلمي مرستيالان دي چې د وطن د پيښو د بېلو بېلو اړخونو په اړه پخې ليکنې وراستوي او مرسته ورسره کوي. دوئ په دې ډول د دعوت ارزښت، درنښت او د زيات عمر کولو توان ورزياتوي. نو دعوت د يوې ګډې موخې په لور په لويدځې نړۍ کې د خورو ورو افغانانو د همکارۍ يوه څرګنده، لوړه او ګټوره بيلګه ده. دا دعوت دی چې خپل خواره واره افغان ليکوالانو به يوه بل باندې پيژني او سره نږدې کوي. خو سره له دې هم ګمان نه کيږي چې حتی د دعوت ليوالانو په هم د هغه ټولې ګڼې ساتلي وي.

د مساپرۍ په دغه اوسني حال کې د خپرونو ساتل اسان نه دي. نو ښاغلی بزګر وړانديز کړی چې د دعوت غوره ليکنې د کتاب يا کتابونو په بڼه راوباسي؛ د دې د پاره چې لوستونکي هر وخت چې وغواړي ترينه ګټه واخلی. دا يو بل ښه ګام دی چې ښاغلی بزګر پورته کړی. په دغه کار سره به د دعوت د غوره ليکنو ارزښت او پايښت نور هم يقيني او ګټورتوب به يې زيات شي. په دغه ګټور کار کې هم زه د ښاغلی محمد طارق بزګر برې غواړم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت او محمد طارق بزګر

ډاکټر عبدالصمد حامد

بسم الله الرحمن الرحيم

ګرانه وروره بزګر صاحب!

د هرڅه نه لومړی تاسي ته زړه لـه کـومي تبريـك وايـم چـې د دعـوت درنده خپرونه د خپلو ليکنو، مرکو او شعرونو کتاب خپروي، زموږ د ښو او بدو خاطراتو نه ډك تاريخ او په ځانګړې توګه د تيرو ديرشو کلونو په ترڅ کې چې زموږ د هيواد او هيوادوالو د سياسي او ټولنيز ژوندانـه يـوه ډيره حساسه مرحله وه او لا هم ده، د يو شـمير هغـه هيوادوالـو چـې د ډيرو ستونزو په ګاللو سره، هيواد او هيوادوالو تـه د خـدمت او خـير پـه نيت د مطبوعاتو او تبليغ په سطح د قدر وړ خدمت کړی دی، انشاالله به زموږ د تاريخ يوه مثبته برخه جوړوي. ستاسو دا خدمت د تيرو پنځلسو کلونو په اوږدو پرته د خپل کار پر حقانيت باندې باور او ډيـر صـبر نـه شي تر سره کيدای.

د تيرو ديرشو کلونو راپديخوا زمـوږ هيـواد د پرديـو او د هغـوئ امربـرو افغانانو د لوبو او تجربو ميـدان پـه توګـه کـارول شـوی دی چـې افغـان مجاهد، خو مظلوم ولس د ډيرو قربانيو او مصيبتونو د ګاللو سره سـګره لا تراوسه هم دې لوی او ملي مصيبت لاس په ګريوان دي. که څـه هـم د نيکه مرغه په هيواد کې دننه تر يو حده دا زمينه مساعده شوي ده چې يو شمير ازاد نشرات رامنځ تـه شي خـو د هيـواد نـه بهـر ميشـته افغـاني موقوتي خپروني او الکترونيکـې وسـايل د خپرونـې لا اوس هـم خپلـه ځانګړې وظيفه لري او صبا به يې هم ولري.

د افغان ولس اکثريت او موثرې طبقې ښايي چې د خپـل موجـود لـوی مصيبت د جريان نه د واقعيت درك کړی وي چې:

افغان ولس د بشري ټولنې د غړې په حيث نه يوازې د نـورو ولسـونو او هيوادونو څخه په تجريد کې ژوند نه شي کولای، بلکـې دا وظيفـه يـې هم ورپه غاړه ده، چې د خپلو مشروعو حقوقو، خپل د تهـذيبی هويـت څخه د دفـاع تـر څنـګ د بشـري تـولنې سره د سـوله ييـزو او د هغـوئ مشروع حقوقو او هويت ته د احـترام پـه واسـطه حتـی المقـدور نـژدې

(c) ketabton.com: The Digital Library

اړيکو ساتلو او پاللو په وجه داسې حالات منځ ته راشي، چې د افغان ولس او د نورو هيوادونو د مشروعو حقوقو د تامين په لاره کې د ټکر له پاره زمينه برابره نه شي. زما په نظر د هيواد نه په بهر کې ميشته افغاني ذکر شوی خپرونې اصلي نقش په دې اړوند به ځانګړی اهميت ولري.
دا نقش په حقيقت کې په دې اړوند د يو منصف او د يو خواخوږي څارونکي او منتقد، رابط نقش به وي.
کوم د انصاف او واقعيتونو پر بنا متکي تنقيدونه چې په هيواد کې دننه ميشته وو اطلاعاتي خپرونو له خوا د ځينو عواملو او محدوديتونو له کبله نشي خپريدلی، بايد د هيواد نه په بهر کې ميشته خپرونو په واسطه هرو مرو هيوادوالو ته په اطلاع ورسول شي. همدا راز دا هم د هيواد نه په بهر کې ميشته خپرونو وظيفه به وي، چې په هيواد کې دننه د مثبتو پيښو او کارونو اطلاع د نورو افغانانو او افغان ولس سره نورو غير افغاني علاقه لرونکو کړيو په خبرتيا ورسول شي.
په دې اساس دا ذکر شوي په بهر کې مشته خپرونې د يوې خوا نه د افغان ولس د تنقيدي غبرګون د خپرونې نقش تر څنګ د افغان ولس تر سره شوي خدمت د مبلغ نقش به ولوبوي او د بلې خوا نه به د هيواد نه په بهر کې د افغانانو او د افغان ولس ترمنځ د اړيکو د ټينګولو او پراختيا عامل به وګرځي. همدا راز د دوی دا کار به د افغان ولس او د بشري ټولنې تر منځ د ذات البيني ښو اړيکو د تقويې په لاره کې مثبت رول ولوبوي.
د دې کبله ښايي چې د هيواد نه بهر ميشته افغانان (که د نورو هيوادونو تبعه هم شوي وي) د دعوت د درندې خپرونې او نورو په بهر کې ميشته افغاني خپرونو سره تر وسه پورې خپلې مادي او معنوي مرستې وکړي. تاسو ته تبريك وايم او درته اجر، ډير صبر او توفيق غواړم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت خپلواک رسنيز مرکز سره زما اړيکه
هلمند پرديس

مخکې تر دې چې زه د دعوت خپلواک رسنيز مرکز سره په خپلو اړيکو وغږيږم، غواړم د دغه رسنيز مرکز په ځينو ارزښتونو او خدمتونو يو څه ووايم. دعوت خپلواک رسنيز مرکز په حقيقت کې يو خپلواک او د رسنيو په ډګر کې يو بې پرې او ازاد رسنيز مرکز دی. د دغه مرکز هڅې او پرمختګونه ټول د افغانستان او افغان درديدلي ولس سره تړلی او د دوی اواز دی، نو ځکه د دغه مرکز مشر محمد طارق بزګر صاحب په خپلو شخصي، مادي او معنوي توان سره دغه درونډ بار ته دا نهه ويشت کاله کېږي چې مټ ورکړی دی، زما د خبرو هدف هم همدا دی، چې دغه رسنيز مرکز په ټوله مانا خپلواک دی. دا چې څرنګه دغه رسنيز مرکز لا تر اوسه خپلواک پاتې شوی دی، د کاميابۍ راز يې په خپله د دغه رسنيز مرکز مشر محمد طارق بزګر صاحب دی. د ده ډېرې هڅې، زيار، د خپل ولس او وطن سره بې انتها مينه دا هغه څه وو، چې محترم بزګر صاحب په دغه لار کې سترې مادي او معنوي قربانۍ ورکړي دي، او دغه رسنيز بهير يې تر هدف رسيدو پورې له ستونزو او مشکلاتو بهر کړی دی او همدا علت دی، چې نن يې موږ تاسې نهه ويشتمه کليزه لمانځو.

محترم مشر بزګر صاحب سره د ډېرو نورو ښو خاصيتونو لرلو تر څنګ يو بل ارزښتمن خاصيت دا دی، چې هغه ريښتوني وطندوسته شخصيت دی، او هغه د خپلې همدغې وطندوستۍ له برکته د وطنپرسته فکرونو په روزلو کې هم موثر ګامونه اوچت کړي دي. هغه سره د احمد، محمود، د قوم، قبيلې، ژبې او نژاد تعصب نشته، نو ځکه ده سره د دعوت خپلواک رسنيز مرکز په همکارۍ کې د افغانستان د هر قوم ورونه ملګري او همکاري کوي، او بزګر صاحب دا خبره په حقيقت کې په اثبات رسولي ده، چې يو شاعر يې په خپل شعر کې وايي:

چې نشه د استبداد لري په سر کې
ما ته يو دی که مغل دی که افغان

پوره يوه لسيزه مخکې چې کله ما د مسافرۍ په درشل قدم کيښود د وطن بېلتون مې د زړه دننه د خپل وطن سره د مينې داسې اورونه بل کړل، چې زه يې ليکلو ته اړ ايستم. ليکل مې شروع کړل، که څه هم زه له ماشومتوبه په خپل کلي مين وم، حتا له کلي بهر به مې له دوستانو سره هم شپه نه کوله زړه به مې تنګيده، خو

(c) ketabton.com: The Digital Library

چې کله مسافر شوم، نو د وطن دا مينه او دردونه مې دوه چنده او سل چنده شول، او همدغه د وطنپرستۍ احساس او مينه وه، چې ما به د انټرنیټ له لارې خپل احساسات او د زړه خواله د خپل ولس او وطن سره شریکول. شپږ کاله پخوا د دعوت ميډيا خپلواک رسنيز مرکز سره اشنا شوم، او دغه رسنيز مرکز ته به مې خپلې نيمګړې ليکنې ورليږلې او د دغه همکارۍ په نتيجه کې له محترم مشر بزګر صاحب سره معرفي شوم، او وخت ناوخت به يې زه هڅولوم، چې زما ليکل ښکلي او په تول پوره دي، خو زه وروسته پوه شوم، چې هغه وخت زما ليکلو بلا تيروتنې لرلې، کيداې شي اوس يې هم لري، خو زه محترم بزګر صاحب زړه ماتی نه کړم، او هر وخت يې مناسبې لارښونې راته کړې دي، او همدا د ده د لارښونو برکت و، چې څلور کاله مخکې بيا د دعوت خپلواک رسنيز مرکز سره رسمي همکار شوم، خو د دغه همکارۍ اجوره ما هم نه ده اخيستي، د دې لپاره ما دوه دلايل لرل، يوه وجه دا وه، چې ما خپله هغه مينه چې له خپل ولس او وطن سره لرله او لرم يې، ما بايد دا په عمل کې اثبات رسولې واې، ځکه چې افغان وطن او ولس پر موږ حق لري، چې خدمت يې وکړو، او همداسې مې وکړل، او دا مې ستر ارمان هم وو، چې خپل وطن او وطنوالو ته د خدمت جوګه شم او بله وجه يې د محترم مشر بزګر د کار او خدمت څخه متاثره کيدل ؤ، چې ده هم له چا څخه په دغه بهير کې اجوره نه ده اخيستي او خپل وطن او وطنوالو ته يې دا نهه ويشت کاله وړيا خپل رسنيز خدمتونه وړاندې کړي دي.

په پای کې زه مشر ـ بزګر صاحب ته دوعاګانې کوم، چې ستر رب العزت يې عمر ډېر او ارمانونه يې پوره شه، او لوی خدای دې موږ ته هم دا توفيق راکړي، چې په دغه بهير کې ورسره ريښتوني ملګري پاتې شو.

(c) ketabton.com: The Digital Library

بیست و سومین سال نشرات جهانی
کمپلکس دعوت تبریک و تهنیت باد

استاد صباح

آزادی، نه تنها بی بها نیست بل که کالای بسیار ارزشمندی ست که در طول تاریخ، مفت و ارزان به چنگ هیچ کس نیامده است.

دانشمند گرامی، مرد دانش و خرد وشخصیت برازندهء بیرون مرزی کشور، جناب محمد طارق «بزگر»، رییس کمپلکس نشراتی دعوت! صمیمانه ترین تبریکات قلبی ام را به مناسبت بیست و سومین سالروز (۱۹۸۸ – ۲۰۱۱) نشرات دعوت پذیرفته و از طریق شما به هیات محترم تحریر، همکاران گرانمایه و خواننده گان، بیننده گان و شنونده گان گرامی دعوت تقدیم نموده، زنده گی خوش به شما و خانواده های تان و جذابیت و رنگینی بیشتر دعوت آرزودارم.

شارل دو مونتسکیو می گوید: بشری که حق اظهار عقیده و بیان اندیشهء خود را نداشته باشد، موجودی زنده به شمار نمی رود.

اگر به آزادی بیان اعتقاد دارید، انتقاد صریح، علنی و شفاف از شما در رسانه‌ها، معیار آزادی بیان است. اگر نتوان از رهبر سیاسی کشور انتقاد کرد، نمی‌توان مدعی وجود آزادی بیان شد. این که فردی به دلیل انتقاد غیر مستقیم از رهبر، محکوم به پرداخت هزینه‌های بسیار سنگین شود، دلیل آزادی نیست، بل که حاکی از خودکامه گی نوع توتالیتر است.

این که یک فرد قدرت مطلق را به طور مادام العمردر اختیار داشته باشد و باز هم از مردم سالار بودن حکومتش سخن بگوید، نزد عقلا چه معنایی دارد؟

دعوت! رسانه ی صوتی، تصویری و چاپی است که نویسنده گان و قلم به دستان اندیشمند و متفکر برای تحقق دموکراسی واقعی در کشور کهن و مردخیز افغانستان، مبارزهء صادقانه وبی الایشانه نموده و

(c) ketabton.com: The Digital Library

شباروزی عرق می ریزند و زحمت می کشند. مسوولیت بزرگ و خطیر آنان توضیح و تشریح دموکراسی واقعی، متحد کـردن تمـام نیـرو هـای دموکراتیک تا بنای حکومت قـانون، تـا خـتم جنـگ و برادرکشـی، تـا تحقق آزادی، مردم سـالاری، سـیکولاریزم و خردگرایـی در سـرزمین درد دیدهء ما بنیان گذاشته شود.

دعوت، نقطهٔ شروعی برای بحث و گفت و گو و استراتژی هایی بـرای ایجاد ارتبـاط وطنـی، افغـانی و روشـنفکرانه بـرای توسعهٔ دموکراسـی، آزادی، عدالت اجتماعی و حقوق واقعی در میهن اسـت. دعـوت بـرای آزادی، حقوق بشر و دموکراسی مبارزه می کند.

دعـوت، تریبـونی بـرای آزادی، دموکراسـی، روشـنفکری، عـدالت خواهی، برادری و برابری بوده و برضد اندیشه های تفرقه انـداز بـه نـام شمال و جنوب، شرق و غرب، سلطه خواهی و قدرت طلبـی و بـر علیـه دزدان، چپـاولگران، آدمکشـان، جنگسـالاران، سـلاحداران، قاچـاقبران ثروت های مادی و معنوی وطن پیکار دوامدار نمـوده و در ایـن مسـیر، گام های بلند برداشته و در آینده نیز ساکت نخواهد ماند.

دعوت، هرگز استقلال و منافع ملی خود را زیر پا نمـی گـذارد و آنـانی که طی سه دهه به استقلال ملی، تمامیت ارضی و آزادی و مردم گرایی خیانت نموده و در هر مقطع تاریخی برای چـور و چپـاول باشـنده گـان این خطهء تاریخی معامله و غلامی نموده اند و در بدل پـول، کرسـی و قدرت بر سرنوشت کشور و مردم با اجنبی ها معامله کرده اند، بی باکانه و میهن پرستانه، چهره های منحوس آنـان را بـرای ملـت غیـور افشـاء و رسوا می نماید.

به عقیدهء من، نویسنده گـان، قلـم بـه دسـتان و همکـاران رسـالت منـد دعوت باید تاریخ غنی و نبرد های آزادی خـواهی و افتخـارات میهنـی خود را به یاد داشته باشند و در مسـیری روشـنگری مـردم جـد و جهـد

(c) ketabton.com: The Digital Library

بیشتر نمایند تا بـار دیگـر بـه پیشـرفت هـایی در زمینـه هـای اقتصـادی، اجتماعی و حقوق انسانی دست پیدا کنند.

مردم ما باید آزاد باشند تا به خود و آیندهٔ کشور امید داشته باشند. همـهٔ ما باید برای عدالت، شرافت، صداقت، سعادت و متانت مبارزه کنیم تـا بر نیرو های سلطه گر و چپاول پیشه چیره شویم.

ما باید با امید و میل به دستیابی به رفیع ترین قلل افتخار برای کشـور بـه سمت آینده حرکت کنیم. زمان پیشرفت و ترقی به وسـیلهٔ مـا در زمینـه های هنری و فرهنگی فرا رسیده، پیروزی نزدیك است و تغییر اجتنـاب ناپذیر است.

دعــوت بــا پیــروی از اصــول آزادی و حقــوق بشــر و دموکراســی ومردمگرایی به قوی ترین شبکهء جهـانی بیشـتر ازگذشـته مبـدل شـود. زمانی قدرت‌های بزرگ بـا ورود مسـتقیم بـه کشـورها، جهـان سـوم را غارت می‌کردند، ولی حالا در هـزارهء سـوم در ظـاهر بـه نـام آزادی و دموکراسی می‌خواهند ملت‌ها را تاراج کنند و انسان ها را در بند بکشند و آزادی را نیست و نابود نمایند.

باید در مورد نقشه ها و خیانت های مافیای بنیادگرایی و تفنگ سالاری هوشیارانه عمل نمایم تا آنان عقیـدهء پـوچ و بـی معنـی منطقـه پرسـتی، قومگرایی، تضاد های ملی و زبانی به نام افغـان و افغانسـتانی، شـمالی و جنوبی و ستم طلبی و سلطه خواهی چـون ویـرس مهلـك و کشـنده بـر جامعه تزریق نکنند تا بار دیگـر شـاهد بـدبختی، فلاکـت و سـیه روزی وطن و مردم ستم دیدهء آن نباشیم.

ما مصرانه بر این اصل پا فشاری کنیم که زنده گی ما درکشور، تجربهء عالی، با شکوه و عظیم است. هر انسای وطن حقوقی دارد کـه بداننـد و مستفید شوند، هیچ دولتی، نیرو و یا شخصی حـق نـدارد کـه آنـان را از چنین حقوقی محروم کند.

(c) ketabton.com: The Digital Library

هر انسانی می بایست در برابر قانون برابر باشد. هر شخص باید زیر چتر حقوق و آزادی قانون اساسی بدون برتری از هر نوع، مانند نژاد، جنسیت، زبان، معلولیت، مذهب، عقاید سیاسی، ملیت یا طبقهٔ اجتماعی، ارزش های فکری، اولویت ها، دارایی، محل تولد و مانند این ها باشد. تمام مردم باید حق شرکت در اداره و حکومت را داشته باشند. هر شخص حق تفکر، مذهب، تحصیلات، عقیده و سخنرانی آزاد را دارد. این حق شامل داشتن عقیدهء بدون دخالت است و همچنین دنبال کردن، دریافت و بیان اطلاعات و عقیده از طریق رسانه ها آزاد اند.

هر شخص حق دارد که به طور مسالمت آمیز در انجمن ها و گردهم آیی ها شرکت کند، ولی هیچ کس نباید مجبور به عضویت چنین انجمن ها یا گردهم آیی هایی شود.

هر انسانی حق کار دارد و می تواند شغلش را آزادانه انتخاب کند؛ شرایط محیط کارش به دلخواه و منصفانه باشد و نیز حق دارد با تشکیل و پیوستن به اتحادیه های کارگری، آنان در جهت حمایت از منافع او اقدام کنند. هر شخصی حق حفاظت از منافع، عاید کار علمی، ادبی و هنری را که خود پدیدآورندهٔ آن هاست، دارد.

در دورهٔ مدرن امروزی، بیشتر حکومت ها برای اثبات حقانیت شان ادعای دموکراسی دارند. دعوت، معتقد است که در یک دموکراسی واقعی، مردم، بالا ترین قدرت را دارند. آن ها بالاترین شکل قدرت سیاسی می باشند. مردم با علایق و عقاید مختلف باید خواستار نشستن و گفت و گو با یکدیگر باشند. زمانی که کسی عقیده اش را ابراز می کند، باید که به نظرات دیگران گوش دهد، حتی اگر دیگران با او مخالف باشند. هرکس حق دارد که آزادانه ابراز عقیده کند.

مردم سالاری، شیوه ای ست برای مردم تا رهبران شان را آزادانه انتخاب کنند و آن ها نیز برای سیاست ها و رفتار شان نسبت به خدمتگذاری مردم جوابگو باشند.

(c) ketabton.com: The Digital Library

من معتقدم که وظیفه ی اولیه حکومت، عبارت از محافظت کشور از تجاوزات خارجی و تخطی های داخلی است تا به طور کامل از حقوق اولیهٔ انسانی حمایت کند تا که یک اقتصاد آزاد و باز را مانند تجارت خصوصی مورد تشویق و حمایت قرار دهد، کیفیت منابع تحصیلی را ترویج کند و کیفیت خدمات درمانی را به بالاترین سطح ممکن برساند تا به طور پیوسته با مردم در پی بهبود زیرساخت های فیزیکی، تکنولوژیکی و اقتصادی کشور باشد.

ما باید جرأت و جسارت ایستادن برای ارزش ها و اعتقادات را پیدا کنیم. نباید روشنفکران و تحصیل کرده ها تنها در این فکر باشند که چه گونه به کشور های خارجی فرار کنند.

ما باید بدانیم افرادی که بر مسند قدرت تکیه زده اند، آیا مشتی اوباش و جنایت پیشه اند که مصروف غارت و چپاول کمک های صحی، بیت المال، اراضی دولتی، زمین و املاک شخصی، ثروت های ملی و منابع طبیعی کشور هستند. اینان به خاطر چور و چپاول، به خاطر حفظ قدرت و حاکمیت شخصی و گروپی خود با کلمات و جملات بازی می کنند تا تفرقه های منطقوی، سمتی و زبانی را چاق کنند و از آب گل آلود ماهی بگیرند.

با درود های گرم و وطنی

استاد صباح؛ همکار قلمی دعوت

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت پاڼې د درويشتمی کليزی په وياړ

استاد ابوبکر ساپی

چه نظر کړمه هر خوا دعوت دعوت دئ
همه واړه د بزگر صاحب محنت دئ
څوک صفت د خپلی پاڼی څوک د ځان کړي
د دعوت د پاڼی بی ساری شـــهرت دئ
څوک يي ستايي په شعرونو او نغمو کښی
د حسودو پری له هر لوري تهمت دئ
د پښتون ولس او قام د زړه دردونه
دی انځور پکښی، همدا يې حقانيت دی
گوره کار نه لاس په سر نه شی مومنه
د الله د دين بيان ستر امانت دئ
په وطن باندی يهودو يرغل کړی
بی گناه وژنی همدا يي ستر خيانت دئ
هرې خوا ته دی ورانکاری را ټول شوي
سر و کار يي شيطانت او ضلالت دئ
د دعوت پاڼی درنو لوستونکو واوری
يي قلم په لاس هم ډير مو مسووليت دئ
له دعوت سره د دين دعوت کښي مل شی
د صافی لخوا همدغه يو وصيت دی

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت خو پوخ زلمی شو، مبارک مبارک!

محمد امين بسمل

د يو هېوادپال، ولس پال درانه او مـنلي هڅاند افغان پـه لاس اېښـودل شوی نيالگی (دعوت) ثمر ته ورسېد. دا نيـالگی د هجـرت، غربـت او لاس تنگي په داسې بدو حالاتو کـې کښېښـود شـو، چـې د راټوکېـدو، زرغونېدو، لويېدو، سپړېدو او په ثمر راتلو هېلې يې زياتې نه وې، خو د يو متين او سنگين انسان په همت يې دا ټول پړاونه او مزلونه په بريا سره ووهل. مبارک دې وي بيا هم مبارک!

درويشت کلن دعوت نن هغه ښايسته او صالح اولاد ته پاته کيږي، چې نه يوازې د خپل پلار او کورنۍ په سترگو کې خوږ لگي، بلکې کليـوال او سېمه وال هم سترگې پسې اړوي (له نظره مه شې گرانه دعوته).

احساس مې په غربت کې اوښکې تويه کړي له سترگو
چې لولمه ليکنې د پتمنو په دعوت کې
د هيلو مات وزری مرغی بيا په الوت راشي
اميد دی چې افغان ولس ژوند وکړي په عزت کې

دا چې زموږ د هيلو دا مات وزری مرغی به څه وخـت سرمنـزل تـه پـه الوت شي، لا خو وخت ډېر دی، خو بيا هم د دې تمه شته، چې يـو او بل ته د لاس ورکولو په صورت کې دې لوړ ارمان ته ورسېږو.

راگرځم د دعوت ميوه لرونکي نيـالگي تـه، چـې ايښـودونکی يـې يـو داسـې پـتمن افغـان دی، چـې د توصـيف لپـاره يـې د پـوره الفـاظو په راټولولو کـې ځـان عـاجز گـڼم. زمـوږ دا گـران افغـان محمـد طـارق بزگر نوميږي.

د ښاغلي بزگر صاحب د همـت، هېوادپـالنې او متانـت پـه اړونـد زمـوږ نورو درنو افغان ليکوالو خپل ښايسته نظريات وړاندې کـړي، خـو کـوم څه، چې ما د بزگر صاحب په اړوند ترلاسه کړي هغه داسې دي:

ــ د اوچت کرکتر او لوړو اخلاقو لرونکی.
ــ د پراخې سينې (حوصلې) څښتن
ــ ماهر او هېوادپال ژورنالست
ــ جذاب، حليم او صابر انسان

(c) ketabton.com: The Digital Library

ـ پالونکی، مرستندوی او حقبین
ما پخپل ژوند کې یو ځل هم بزګر صاحب له نږدې څخه نه دی لیدلی، خو څو ځلې مې ورسره تیلیفوني اړیکه نیولې ده. البته مخکې له تیلیفوني اړیکو ما د بزګر صاحب اوصاف او کردار د هغه په درانه انځور کې انځورول، خو کله مې چې تیلیفوني اړیکه ورسره ټینګه شوه نو دې ته یې اړ یستم، چې یو څو هر اړخیزې پوښتنې ورڅخه وکړم.
جالبه خو دا وه، چې زما د اوږدو پوښتنو ځواب به یې په یو څو لنډو جملو کې پوره کاوه.
که به خبرو په غایب شخص پورې تړاو درلود نو د بزګر صاحب نظر به مطلق بې پلوه و. دا په دې مانا، چې بزګر صاحب خپل تګ لوری سم ټاکلی و.
د پورتنیو جملو په وړاندې کولو سره دا هم وېیلای شم، چې د دعوت نوښتګر هم بزګر و هم زرګر. زرګر په دې مانا، چې وېې کولای شول په خپل لوړ استعداد او خلوص سره زموږ درانه او زرین لیکوالان د ځان خواته ور جذب او د دعوت خپرونې پرې زرینې او رنګینې کړي. دا کار هر څوک هم نه شي کولای. دا زغم، صبر، حوصله او صادقانه اړیکې غواړي.
د یادولو ده، چې موږ غم لړلي افغانان (پښتانه) له نېکه مرغه نه یوازې بزګر صاحب لرو بلکې له ټول افغان څخه یې رانیولې تر لر او بر، تل افغان، بېنوا، خبریال، لوی افغانستان، سپرغۍ او یو څو نورو پورې داسې هېوادپال افغان وېبپاڼې چلوونکي لرو، چې د سړي زړه پرې باغ باغ شي.
زه دغو ټولو درنو وېبپاڼو چلوونکو ته په دې تاریخي او درد‌وونکو شېبو کې له پاک رب څخه د لا ډېرو نورو بریاوو غوښتنه کوم. دوی دې تل هسک او بریالي وي.
د خپلې لیکنې په وروستۍ برخه کې په موږ ګران بزګر صاحب ته د بې شمېرو مبارکیو ترڅنګ په ډېر درنښت سره نه یوازې ده بلکې زموږ نورو ګرانو او درنو افغان وېبپاڼو چلوونکو ته دا وړاندیز کوم، چې د خپلو قلمي همکارانو انځورونه هر وخت د هغوی له لیکنو سره یوځای خپاره کړي که کوم څوک خپل انځور او پېژندنه نه ورلېږي، دا

(c) ketabton.com: The Digital Library

به په دې مانا وي، چې هغه له يادو ويبپاڼو او ملت سره دغداري نيت لري. زما د وړانديز د نه منلو په صورت کې دې بزگر صاحب او دا نور درانه افغان ويبپاڼې چلوونکي د هغو مرموزو او مغرضو کسانو ليکنې کوم، چې خپل شهرت او انځورونه نه ورلېږي يا خپرې نه کړي او يا دې په داسې يوه ټيټه او ځانگړې کتگورۍ کې خپرې کړې، چې د لوستونکو زيات نظر نه پرې لگي.

په اخېر کې يو ځل بيا د دعوت درانه چلوونکي محمد طارق بزگر ته د زړه په مينه د دعوت د پاخه زلميتوب مباره کي وايم.

محمد امين بسمل
د جرمني له باېرن ايالت څخه

(c) ketabton.com: The Digital Library

دريم څپرکی:

پيغامونه

د منزل په لور د دعوت ديرش کلن مزل

ولي الله ملکزی

که د نړيوال ستيج په پاسني لوړ کې، د نامي امپراطوريو او تهذيبونو د عروج او زوال تابلو ته ځير شو، نو هرو مرو به مو يقين راشي چې د خرش پرش پړاو ته د رسيدلو لپاره په پيړيو پيړيو مزلونه شوي ترڅو د دوئ د څواک څولی ډکه، ارته او وغوړيږي.

د رسنيو دنيا هم د لوړو، ژورو او غورځو پرځو يو ستومانه او ديته ورته تاريخ لري. د لرغوني چين دنګ ديوالونه، د بغداد مناريې، د بيروت کوڅې، د اروپا ښيرازه ورشوګانې او د امريکا سيلکن ويلې، ټول د دې شاهدان دي چې د نړيوال کلي جوړول او يوه څنډه له بلې سره نښلول څومره ګران، څومره هڅو او څومره شوګيرونوته اړتيا لري؟

له نن ديرش کاله وړاندې، د دعوت په نوم يوه کوچنۍ او ساده پاڼه د مطبوعاتو د دی ستر کاروان له وروستۍ جوپې سره يوځای شوه او پدې زيره او شګلنه لاره يې قدم وهل پيل کړل. لا د خاړپوڅو شپې ورځې وې چې په ۱۹۸۸ کال کی لمړنۍ شماره چاپ او ځما د ګوتو په شمار خلکو ته واستول شوه. د چاپ لپاره به کله پيسې نه وې او کله به د متوازنو اوغوښنو ليکنو او مقالو کمی وو، خو ټينګ هوډ او کلکه اراده تل په غورځنګونو وه. دعوت کومه اسماني صحيفه نده چې غلطي او اشتباه به نکوي. خو زما په اند، دعوت د هر هغه چا ننګه کوي چې سوله غواړي او هغه څوک ننګوي چې د جګړې سپرغيو ته ببوزی وهي. دعوت د دريو لسيزو پدی اوږد او لالهنده سفر کې، د خپلو اصولو په سر نه له چا سره جوړه جاړه کړی او نه يې د څه واخله او څه راکړه سودا کړی ده. دعوت د ټوپک او کوتک په ځای د قلم او رڼا مبارزه برياليۍ ګڼي او له کرکۍ څخه، کرکه لري. دعوت د مينې ساندې زمزمه کوي او د پخلاينې له شعار سره ستونې نرموي.

کله چې په ۱۹۹۷ کال کې د دعوت خپروني د رواجي پاڼې په ځای د ويبپاڼې بڼه غوره او د انټرنيټ په نيلۍ سپره شوه، نو غږ يې د نړۍ په ډيرو

(c) ketabton.com: The Digital Library

برخو کي غوړونه پيدا کړل. دا اوسنۍ کليشه يې د يوې پراخې تجربې او ښه ذوق نماينده ګي کوي او ښايسته ډېر څه پکې سترګو، سترګو ته کيږي.

ځما کشر ورور او د يو مسلک د لارې لاره وې، محمد طارق بزګر د ښې حوصلې او څرګند لرليد خاوند دی. د مالي او تخنيکي ستونزو سره سره يې و کولای شول تک تنها دومره غټ او درووند پيټې ته اوږه ښکته کړي او دی ځايګي ته يې را ورسوي.

موږ وليدل چې د روسي ښکيلاک په مهال او بيا وروسته مرحله کې، د خدای بلا ورځپاڼې، مجلې او رقم رقم خپروني را ميدان ته شوې، خو په ګومره چټکۍ چې راغلې وې په هماغه سرعت سره ترې تم شوې. ولې دعوت د وخت او شرائطو ګواښونو وارخطا نکړ، ميدان يې پرې نښود او د منزل په لور خپل مزل يې همداسې جاري وساته. دعوت نن لوستونکي لري، د افغاني رسنيو په کتار کې خپل پرستيژ لري او د خبر او څېړنو د يوې سرچينې په توګه ور باندې حساب کيږي.

هيله مند يم چې دعوت به د تير په څير، په راتلونکي کې هم د خپل دين، ولس او ارزښتونو په څنګ کې وي. تمه لرم چې دعوت او د هغې اړونده خپروني به لا وغوړيږي، لا به وځليږي او لا به ګړندۍ او ميړنۍ شي.

سکرمنتو، کليفورنيا- امريکا

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت سره زما ملګرتیا

استاد عمر پاڅون

دعوت سره زما ملګرتیا ډېره پخوانۍ ده چې لسګونو کلونو تـه رسـیږي. دعوت هغه وخت په خاپوړو کې وو په قلم به په څو محـدودو مخونـو کې په لاس لیکلی چاپېده. دا دی اوس دعوت په کمپیوټر او د انترنـت نړۍ کې لوی او بیل ځای لري. دعوت یواځې یوه چاپي جریده نه ده د دې پـه څنـګ کـې ځلـور جـلا ویبپـاڼې، دوه پښـتو او درې: www.dawatmedia24.com، www.afghansabawoon.com، یوه انګلیسي www.dawatmedia.com او یو پښتو ټلویزیوني چینـل www.astv24.com چې لا هـم د کـار لانـدې دی، چـې پـه دې سره دعوت یو رسنیز مرکز دی، یو ځواک دی، یو قوت دی.

زه بوډا شوم خـو خوشـاله یـم چـې دعـوت خپلـه دیرشـمه (۳۰) کلیـزه لمانځي. اوس نو یو سړی په زغرده ویلی شي چې د خپل هېواد څخـه بهر د افغانانو په ځانګړي ډول د پښتنو یوه نړیوال رسنیز مرکـز (دعـوت میډیا) شته. دا ټول د محمد طارق بزګر نه ستړیکیدونکی هلې ځلې دي چې په یـواځې سر د دعـوت جریـده پـه ښـکلی ډول چـاپ او د نـړۍ نېژدې ۵٦ هېوادونو کې خپلو افغانانو او غیر افغانانو ته رسیږي.

د هېواد څخه بهر په مهاجرۍ او د مسافرۍ په ژوند کې د خپل شخصی لګښت څخه د دعوت ۳۰ کاله په پرله پسـې ډول چـاپ، خپـرول او تـر مینه والو رسول څـه اسـان او د هـر چـا د وس کـار نـه دی چـې دا ټـول محمد طارق بزګر صاحب په یواځې سر پرمخ بیایي. نو د لـوی خـدای (ج) په دربار کې ورته اوږد عمر او قلم یې تاند غواړم.

د دعـوت درنـو قلمـي همکـارانو، لوسـتونکو، مینـه والـو او پـه سر کـې فرهنګیانو او فرهنګپالو څخه هیله لرم چې دعوت درنې میـډیا او پـه سر کې د دعوت دروند مشر محمد طارق بزګر صاحب یوازې پـری نـږدي لکه چې تر اوسه یې یواځې پریښی نه دی. په راتلونکې کـې همداسـې خپلې ټولې مادي، معنوي او فرهنګي مرستې رواني وساتي، تـر څـو پـه بهر کې زموږ دا فرهنګي / کلتوری شمع تل روښانه وي.

شتوتګارت- جرمنی

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت په خپل دعوت او رسالت کې د افتخار وړ او د میډیا د کورنۍ یوه بامسؤولیته برخه ده

ډاکټر صلاح الدین سعیدي

دعوت په خپل دعوت او رسالت کې د افتخار وړ او د میډیا د کورنۍ یوه بامسؤولیته برخه ده او د لمر حیثیت لري. هغه لمر چې د هغه په راختو سره د نورو ستورو وجود کم رنګه او یا ډېر ضعیفوي.
زه د دعوت د ویبپاڼې سره له یوې لسیزې زیات ډېر کلک روابط او علایق لرم او د دې پاڼې او نشراتو نه مو پوره پوره ګټه اخېستې او په ټولنه کې د هغې مقام ستر او د افتخار وړ بولم او دی.
الله (ج) دې د دعوت ټولو کارکوونکو او تنظیمونکو ته او په ځانګړي توګه جناب محمد طارق بزګر، تاسې ته اوږد عمر، کامل صحت او نورې بریاوې په برخه کړه. ستاسې با مسؤولیته او ستر تنویري کار د الله (ج) او افغان ملت، افغانستان او انسانیت په ګټه، سولې او ښه تفاهم په ګټه، د قدر وړ، انشاء الله د ستر اجر موجب او ستر کار دی. اجازه راکړئ ستاسې نه د حق د لارې د کلتوري مرکز او د افغان ستراتیژیک مرکز د علمي شورا په نمایندګۍ او د ځان لخوا مننه او قدر داني وکړم.
الله (ج) مو نور هم کامیاب او بریالي لره. ومن الله التوفیق

(c) ketabton.com: The Digital Library

ډېر څه مې له دعوته زده کړه،
او ډېر څه نه پکې خبر شوم

نجم شینواری

د دعوت خپروني د ۲۹ کلیزې په ویاړ!
بزګر صیب! زه به درته ووایم، په ۲۰۰۲ کال چې زه مصر تـه د تحصـیل لپاره لاړم، نو په عربي هم سم نه پوهیدم، اخبار، تلویزیون هرڅه عربي، یو څه موده و روسته چې مصر کې د پښتوانیو افغان محصلینو سره لږ بلد شو، او د هغو کوټو ته تګ راتګ پیـل شـو، یـوه ورځ مـې د یـو افغـان محصل ګلاب سید په کوټه کې د دعوت خپرونه ولیده، ښه په غور مې ولوستله، ډېر مطالب پکې وو چې ماته نوي وو، ما فکر کاوه دعوت خپرونه کوم ملګـري چـې نـوي راغـلي هغـو ځـان سره د پیښـور نـه یـا افغانسـتان نـه راوړې ده، ملګـري نـه مـې وپوښـتل دا مـو پاکسـتان نـه راوړي..؟ هغه وویل نه. دا له اروپا نه راځي..؟ ما ویل نو څنګـه راځـي؟ وایي دا په اروپا کې ځیني افغانان چاپوي، او بیـا یـې پـر افغانـانو مفتـه ویشي، وایي تر مـا د مخـه دا پـه بنـډلونو راتللـه، چـې چاتـه راتلـه هغـه محصلین تللی، خو خپرونه اوس هم په دې ادرس راځي... بیا بـه نـو زه هم ورته انتظار وم، چې رابه غله نو هغه به ولوستله، وروسـته بـه زمـا وار وو.. ډېر څه مې پکې زده کړه، او ډېر څه نه پکې خـبر شـوم، او ډېـرې دعاګاني مو درته هلته کولی.. ولو چې ما تاسي نه پیژندلی... خو قسمت مو وو... او د پیژندګلوۍ هم یو جالبه کیسه ده... که تاسي ته یاده وي... ماته خو یاده ده... خوښ او اباد، سوکاله او د هیواد او ملت خـدمت تـه تل تاند اوسې.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت رسنۍ، نهه ويشت کلنه شوه

عظيم الدين عليمي

دعوت رسنۍ نهه ويشت کلنه شوه. څه د پاسه شل کاله د دعوت مياشتنۍ خپروني د لوستني وياړ را په برخه دی. دعوت د خپل نشراتي ژوند بشپړتيايي پړاوونه په ډېره ښه توگه وهلي او د رسنيو په کتار کې يې خپل وياړلی ځاي موندلی دی. دعوت په ډېر لږ وخت کې د هيواد د اديبو، ژبپوهو، تاريخپوهو، ټولنپوهو، سياستپوهو او په نورو برخو د مسلکي ليکوالانو پام ځان ته واړولی او د هغوي همکاري يې خپله کړې چې په پايله کې د نشراتي ډگر ځلانده خپرونه گرځيدلې او په زرگونو لوستونکي يې موندلي دي.
په تېرو کلونو کې دعوت په بشپړې ناپلوۍ سره د هيواد ستونزې له ملي دريځه څېړلي او د هيوادوالو د اذهانو په روښانتيا کې يې خپله ملي دنده ترسره کړې ده.
د دعوت مياشتنۍ خپروني له لارې، د افغانستان ځوريدلو خلکو ته د خدمت په موخه، د رسنۍ د مؤسس او د امتياز د خاوند، ښاغلي محمد طارق بزگر، شپه ورځنۍ هڅې او زيار د ډېر قدر او ستاينې وړ دي.
د دعوت خپروني د نهه ويشتمې کليزې په مناسبت ښاغلي بزگر صيب، د خپروني قلمي همکارانو او لوستونکو ته مبارکي وايم او د بزگر صيب د لا زياتې بريا هيله کوم.
هيره دې نه وي چې ښاغلي محمد طارق بزگر د دعوت ميډيا ۲۴ په نامه د ويبپاڼې خپروونکی هم ده. دې لارې يې هم د قدر وړ خدمتونه ترسره کړي او تر سره کوي يې.

(c) ketabton.com: The Digital Library

سالروز «دعوت میدیا» خجسته باد!

استاد صباح

برادر گرامی، محمد طارق «بزگر»، دست اندرکاران کمپلکس دعوت میدیا و خواننده گان گران قدر دعوت، فرا رسیدن سالروز دعوت را صمیمانه و مخلصانه تبریک عرض نموده، سعادتمندی، کامگاری و موفقیت های شمارا تمنا دارم.

دعوت میدیا طی موجودیت پُر بار خویش، کار های زیاد تاریخی، روشنگری، تحلیلی و ادبی و فرهنگی را انجام داده است که بدون مبالغه یک سر و گردن از دیگران بیشتر درخشیده است.

اکنون دعوت در خانه خانهٔ هموطنانش راه باز کرده و حتی در کانادا و امریکا، علاقه مندان و خواننده گانی فراوان دارد.

دعوت، مردانه و رسالت مندانه در پرتو آزادی قلم و بیان بدبختی و فلاکت ملت را منعکس و بیشتر روی قضایای ملی و میهنی و چور و چپاول سرمایه های وطن و مسایل گسترده متمرکز بوده است.

حافظ، وظیفهٔ تو دعا گفتن است و بس
در بند آن مباش که نشنید یا شنید

در فرجام برای همهٔ تان صحت و سعادت و برای میهن آبادی و ترقی تمنا دارم و آرزو می کنم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت له هماغه لومړۍ ورځې
خپل روښانه افغاني دریځ درلود

ډاکټر لطیف یاد

د دعوت درنه پاڼه چې د ۱۹۸۸ زیږدیز کال د دسامبر د میاشتې نه یې د ناروې په هیواد کې خپلې خپروني پیل کړې دي د هیواد د نامتو ژورنالیسټ او لیکوال ښاغلي محمد طارق بزګر صیب په مشرۍ خپریږي. د خپریدو له هماغه لومړۍ ورځې نه یې خپل روښانه افغاني دریځ درلود او ویې شول کولای چې د نورو افغاني خپرونو تر څنګ چې په بهر کې خپریدلې، خپل افغاني رسالت په ښه توګه سرته ورسوي او ښه وځلیږي.

دعوت د پښتو ژبې، ژبپوهنې، دینې، ټولنیزو، تاریخي، فرهنګي، کلتوري او علمي برخو کې د خپل تاسیس له لومړۍ ورځې نه تر اوسه پورې چې دا دی نهه ویشت کلونه یې پوره کیږي، ډیر په زړه پورې مطالب خپروي او خپاره کړي یې دي.

د دعوت میډیا سینټر په برکت اوس دعوت په پښتو، دري او انګریزي ژبو هم خپروني کوي چې دغه ګام یې په رښتیا سره هم د قدر او ستاینې وړبولم.

زه د دعوت د ویاړلې پاڼې د نهه ویشتمې کالیزې په ویاړ ښاغلی بزګر صیب ته مبارکی وایم او ده ته د لا زیاتو بریاوو هیله کوم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت، دعوت میدیا او محمد طارق بزګر

عاشق فنا

دعوت، دعوت میدیا او محمد طـارق بزګـر د اوسـنی نړیـوال سـیاسی- کلتوري تاریخ زرینی پاڼی دي. په دی زرینو پاڼو به کتابونه ولیکل شی او د بشری افتخاراتو په خزانه کی به خپل ځلانده او روښانه ځای ولری. طارق بزګر، دعوت او دعوت میډیا د افغانستان او افغانانو په ټولنیز ژوند کی د نوښت، بدلون او مثبت پرمختګ، علمی او منطقی زیری دی.

بزګر، دعوت او دعوت میډیا هغه انسـانی روښـانه څراغونـه دي چـی د ټولنی تاریکو برخو ته د علم، سعادت، پرمختـګ، آزادۍ او خپلـواکۍ رڼا خوروي.

د دعوت هره شیبه، هر ساعت، هره ورځ او هر کال دې ټول بشریت تـه مبارک شي!

عاشق لونګین فنا

مبتکر و صاحب امتیاز مدال جهانی «انسانیت، صلح، علم»

(c) ketabton.com: The Digital Library

بیست و نُه ساله گی رسانهٔ دعوت میدیا پُر میمنت

ف. هیرمند

مدت زیادی نمی شود که نوشته های ناچیزم را به وبسایت «دعوت میدیا» می فرستم که جناب طارق بزگر اداره و رهبری آن را عهد دار می باشد. این رسانه به دلیل نشرات ملی گرایانه اش، خواننده گان بی حساب دارد و با انتشار مسایل و مطالب روشنگرانه و وطنی و ملی خود عطش خواننده گان بی حساب هموطن خود را فرو می نشاند.

رسانه ای که مقتضیات زمان را بداند و به این درک اش مطمئن باشد که سرزمینی که برای خاک و مردمش نشرات دارد، نیازمند دریافت مطالب، اطلاعات و معلومات مشخص می باشد.

این کشور در وضعیت وخیمی به سر می برد و نیاز اساسی دارد که در تحکیم و صیانت اتحاد باشنده گان آن کار خالصانهٔ نشراتی به عمل آید و با این انتشارات، وحدت آنان هرچه بیشتر استحکام یابد و از ارزش های سرزمین یک پارچه و واحد کشور در هر گام تبلیغاتی، نگهبانی شده و در همین روند از دارایی های مادی و معنوی و هر داشتهٔ افغانستان حراست به عمل آید.

وبسایت «دعوت میدیا» در این عرصه ها با مسؤولیت و حساسیت قابل توجه کار و نشرات می نماید و مساعی به خرج می دهد تا این آرمان ها با دقت و مؤثریت مطلوب تحقق یابند.

برای جناب طارق بزگر و سایر گردانندہ گان نجیب این رسانه دعا و تمنای پیشرفت های بیشتر و بیشتر را دارم. افتخار ماحصل فعالیت رسانهٔ دعوت میدیا به همهٔ شما مبارک!

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت درویشتمه کلیزه دې مبارکه وې

انجنیر فضل احمد افغان

زما ګران ده فضل او پوهی خاوند ورور جناب محمد طارق جان بزګرصاحب ته ده زړه له کومي سلامونه او نیکې هیلی تقدیمه وم.
زه ډیر خوشحاله یم چه د دری کالو را په دیخواه ستاسی د ډیر درونـد علمی، دینی، سیاسي او اجتماعی ویبپاڼې نه استفاده او ډیری ارزشمنده زده کړې ورنه کوم. زه په اطمینان سره ویلای شم هغو وطنوالو چه په تیرو درویشت کالو کی ستاسی د دعوت خپرونو نه ګټې پورته کړی وي باید اوس په دینی، سیاسي او اجتماعي علومو کی لکه یو اکادیمسین په څیر د ملي او بین المللی چارو باندیې هر اړخیز بحث او لیکنی وکړی.
زه ویاړم چه د دعوت د ویبپاڼی سره اړیکې لرم او ښی زده کړی ورنه کوم. زه تاسی ګران او قدرمند ورور ته چې خپلې شپې او ورځی مو د ګرانو وطنوالو په چوپړ کی د دین، سولې، آزادئ او استقلال له پاره وقف کړی دی او د وطنوالو له پاره زحمت باسئ د پاک الله نه ستاسی نور بری غواړم او د دعوت درویشتمه کالیزه د زړه له کومی تاسی او ټولو ګرانو وطنوالو ته مبارکی وایم. خدای دی مل شه!

(c) ketabton.com: The Digital Library

بیست و سومین سال پُر فیض دعوت مبارک باد!

انجنیر فضل احمد افغان

برادر دانشمند و نهایت گران قدر جناب محمد طارق جان بزگر با عرض سلام های آگنده از محبت، اذعان می دارم که من در مدت سه سال اخیر با داشتن افتخار استفاده از ویبسایت وزین دعوت، توفیق حاصل نموده ام که با دور نمودن پرده های تاریک، بی علمی خود را با مسائل سیاسی، اجتماعی و علوم دینی منتشرهء ویبسایت وزین دعوت تنویر کنم. به یقین آن خواهران و برادران هموطنم که در بیست و سه سال گذشته از نوشته های علمی دانشمندان نخبهء کشور عزیز ما در دعوت مستفید شده اند، امروز به حیث شخصیت های علمی برای نسل های امروزی و بعدی رهنمای خوبی خواهند بود. لهذا وظیفهء خود می دانم که با قدردانی از زحمات شما در پیشبرد وظیفهء مقدس ملی که عبارت از تنویر و آگاهی هموطنان از اندیشه های علمی دانشمندان و شخصیت های ملی هموطن ما، خاصتاً در این مقطع زمانی که مادروطن عزیز در آتش جنایتکاران داخلی و خارجی می سوزد، میباشد. این مؤفقیت بزرگ را به شما برادر عزیز و هموطنان میهن دوست خاصتاً دانشمندان گران قدر که با استفاده از دعوت و نوشته های ارزشمند علمی شان ما را تنویر می کنند، از صمیم قلب تبریک عرض و از بارگاۀ خداوند متعال، آرزوی مؤفقیت های مزید شما را می کنم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د ادیسی ادبی ټولنې پیغام

پښتون هر وخت د توپک او جنګ په دوستور ویاړلی دی، ده دا دوستور لمانځلی دی، او د تاریخ پاڼې یې هم په د دستور رنګینې کړې دي، نو ځکه د پښتانه په کور کې د جنګ او د دغه ویاړلي تاریخ دغه بدرنګ دستور لا تر اوسه هم لمانځلی کیږي؛ خو بل طرف پوهه او قلم دي چې نني پرمختللې جهان ترې برخمن دی او راتلونکی یې هم روښانه ښکاري، مګر پښتنو پدې برخه کې ډېر کم فکر کړی دی چې د پوهې او قلم سړي د سر سړي بلل کیږي، خو دا بیا زموږ ګاونډیو هیوادونو درک کړې ده چې زموږ د پوهې او د قلم سړي یا د مرګ کندې ته ورغورځوي، یا دوی باید د غربت شپې د بل په دیار کې صبا کړي او موږ لا تر اوسه پدې فکر کې نه شوو چې د پوهې او د قلم خاوندان باید ولمانځل شي، ونازول شي، تر څو پدې لار کې نور خواري هم وکړي.

جنګ په هر رنګه حلاتو کې پښتون ګټلی دی، خو ارامه او هوسا ژوند نلري. علت یې دا دی چې پښتون جنګ ګټلی دی، خو قلم یې بایللی دی.

د افغانستان په ټولنه کې عموماْ ډېرو کمو خلکو دیته پام شوی دی چې علم او پوهه د یوه هیواد راتلونکی مسیر ټاکي. هغه چا چې د علم او پوهې څخه ګټه لیدلې او ترې خوشاله دی، ځکه چې ده په دغه لاره کې ډېر زیار او زحمت ایستلی دی چې نورو ته یې هم ګټه ورسیږي، ژورنالیست، لیکوال ښاغلی محمد طارق بزګر صیب یادوم.

ښاغلی بزګر صیب د ژوند په دغه راز پوهیدلی دی چې علم او پوهه د انسان راتلونکې تقدیر او تدبیر کې جوړونکی رول لري، او همدغه علمي پوهه ده چې نن انسان تر مریخه هم رسیدلی دی.

ښاغلی بزګر صیب د پښتنو او پښتو ژبې له حاله خبر سړی دی، او ده محترم دا درک کړې ده چې هر انسان باندې خپله ژبه، وطن، او خپل اولس دا حق لري چې ورته خدمت وکړي، نو ځکه باید سړی په ځان شپه او ورځ یوه کړي او عملي کار وکړي.

(c) ketabton.com: The Digital Library

ښاغلی بزګر صیب دا په ثبوت رسولی ده ، چی همدم ګړی د دعوت ورځپاڼی او دعوت ویب پاڼی چلونکی مسوول دی، او همدارنګه په علمی سیمنارونو کی برخه اخسیتل، ژورنالیستکی او ادبی هلی ځلی یی بله بیلګه ده.

ښاغلی بزګر صیب د ملی یوالی په برخه کی هم بی تفاوته نه دی پاتی شوی، او نن یی خپل ځان تر هغه سرحده رسولی چی موږ یی باید قدر وکړو او ستاینه یی وکړو.

د ښاغلی بزګر صیب د لمانځلو ورځ به نورو ته هم دا جرات ورکړی چی دوی به هم په دی لار کی زیار او زحمت وباسی، او په دی به پوه شی چی عالم او پوه انسان د قدر وړ دی او بس.

ښاغلی بزګر صیب ته د اوږد ژوند هیله لرو، په علم، پوهه او قلم یی برکت شه او په اخیر کی د سویډن په هیواد کی زموږ مسافر میشتی ورونه ((د زلمو پاڅون)) ته د ښاغلی بزګر صیب د لمانځلو ورځی مبارکی وایو، ستاسو په همت او وطنپرستی افرین. ستاسو د لا نورو بریاو په هیله.

د ادیسی ادبی ټولنی مشرتابه شورا

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت د هر چا نظر او هیلي خپرې کړې دی

نیک هدایت ځاځی

نیکې هیلي او سلامونه!

زه د دعوت اخبار ۲۳ کلنۍ په اړوند او همدارنګه دعوت وېبپاڼې او د پښتو لمړني انټرنېټي تلويزيون په اړوند کوم چه په ډېرو مالي مشکلاتو او کمو امکاناتو د هيواد تکړه او پر افغانستان مين خبريال او ليکوال قدرمن محمدطارق بزګر تر مديريت او مسئوليت لاندې په کار او فعاليت شروع کړي ده، خورا اغيزمن او مثبت ارزوم؛ ځکه چې د هر چا نظر، هيلې يې په دعوت کې خپرې کړې دې؛ پوره بې طرفي، استقلاليت، رښتينولي او د هيواد د وولسونو، قومونو، ليکوالانو او شاعرانو نظرونه او شعرونه يې کټ مټ نشر ته سپارلي دي. نو له دې کبله دعوت ۲۳ کليزه د دعوت رهبرۍ هيئت، همکارانو، لوستونکو او ټول افغان وولس ته د زړه له کومي مبارکي وايم. د لوي خداى (ج) له درباره ورته لاډيرې برياوې غواړم. ورسره هيله کوم چې افغانان دعوت اخبار، ويب پاڼې او د لمړني پښتو ټلويزيون سره تر خپل توان پورې مالي مرستې وکړي، ترڅو دعوت اخبار او دعوت ټلويزيون لاغني شي. ستاسو لابرياوې زما هيله او ارزو ده.

(c) ketabton.com: The Digital Library

زه د دعوت د مجلې او ورسره موازی د ویب پاڼې تاثیر خورا لوی بولم

محمد ایاز نوری

د دعوت د رسنیو د مرکز محترم مشر، افغان ملی شخصیت محمد طارق بزگر او ملگرو ته! سلامونه او شې هیلې وړاندې کوم. ستاسو د دعوت د مجلې او ویب پاڼې درویشت کلنه کلیزه د زړه له کومې درته مبارکي وایم. غواړم په اضافه عرض کړم، چې د دعوت د مرکز موجودیت او خپرونې زمونږ د افغاني ټولنې د اکثرو په ژبه یعنې په ویاړمنه پښتو ژبه دا پخپله د لمړي او بنسټیز لوی اهمیت وړ موضوع ده، ځکه زمونږ ملي ژبه پښتو ډېره محکومه پاتې شوې او ډېر ظلم او خیانت ورسره شوئ او دا کرغیړنه لړی همدا اوس هم روانه ده. په دې بهیر کې زه د دعوت د مجلې او ورسره موازی د ویب پاڼې تاثیر خورا لوی بولم او په ځانگړي توگه د خپل ورور د افغان ملت خدمتگار محمد طارق بزگر صاحب زیار او قرباني ډېره ستایم. که د بزگر صاحب ملي احساس او مستمر زیار نه وای د دعوت نشراتي مرکز به نن داسې لوړ بریالیتوب ته نه وای رسیدلی.

د دعوت نشرات تل د ملت په دفاع او د حقیقت په ویلو استوار ول او دي. قلمي همکاران یې هم ټول افغان لوړ ملي او د لوړ انساني احساس درلودونکي افغانان پاتې شوي دي. او البته کله چې یوه رسنی د یوه واقعاً ملي مبارز شخصیت لکه محمد طارق بزگر صاحب له خوا اداره کیږي، معلومه ده، چې هلته ملي خاین ور نشي ورټکولای.

د دعوت انټرنټي جال هم ډېر ښه پرمختگ کړئ او کافي افغانان یې په دننه د هیواد او بهر کې هره ورځ او شپه گوري او خپله لازمه استفاده ورڅخه کوي.

د دعوت د ویب پاڼې په هکله زما یو وړاندیز دا دئ، چې د هر لیکوال په نوم، یوه د آرشیف او اسناد ساتلو کوټه پکې ضرور ده، د لیکوالانو د آرشیف په نوم چې که خپله اړونده لیکوال او یا هم بل محترم لوستونکی وغواړي، څه مطلب ته مراجعه وکړي او په سهولت سره هغه مطلب ورته تیار او ورپه لاس ورشي.

(c) ketabton.com: The Digital Library

زه د یوه افغان په حیث، چې هیـواد او ملـت مـې ډېـر راتـه گـران دئ د دعوت د نشراتي مرکز ۲۳ کلني هر افغان پال او آزادی پـال وطنـوال تـه ورمبارکوم. عالیقدر محمد طارق بزگر صاحب ته شه روغتیـایي حالـت نوي او نوي بریالیتوبونه په شخصي او ملي ژونـد کـې د لـوی الله څخـه غواړم. بزگر صاحب! یوازې نه یې او ملت درسره ولاړ دئ.

په درنښت او افغاني احساس سره
د افغانستان یو خدمتگار
محمد ایاز نوری

(c) ketabton.com: The Digital Library

منه، ستاینه او خواله

استاد محمد اسمعیل یون

ښاغلی فرهنګپال او فرهنګپال محمد طارق بزګر ته!
سلامونه او احترامونه مې ومنه، هیله لرم په ټولو نیکو ورځنیو چارو کې بریمن اوسې. تیر کال مې پېښور کې د ((دعوت)) یوه ګڼه ترلاسه کړه> ربښتیا خبره ده چې سترګې مې پرې خوږې او د زړه باد مې پرې کیناسته. ډېره موده کېده چې د داسې یوې خپرونې په لټه کې وم چې زموږ د ورځني ژوند د ناخوالو انځورګره وي، خو د ډېرو خپرونو کتنه او د هغو له چلوونکو سره به مو چې لیدنه وکړه نو چا به د ټاکلې ((پالیسۍ)) په وجه، چا د ((مجبوریت))، چا به د ((نزاکت)) د ساتلو په وجه د ټکېدلو زړونو د فریادونو له خپرولو او د پېښو د پېښوونکو د څېرو له ښکارندویی څخه اوږې تشولې. خو دلته هم د ځینو اشخاصو له خوا ځینې وختونه یوه نیمه داسې هڅه شوې ده چې زموږ د ډېرو دردونو د یوه درد انځورنه پکې وي، خو داسې خلاص مټ او زغرده توګه چې ((دعوت)) د پېښو څرګندونه کوي، زموږ په اوسنیو خپرونو کې یې بیلګې ډېرې لږې دي. په ځانګړي ډول هغه ستر او ملي رسالت چې خپرونې یې باید پوره کړي، هغه په دعوت کې زیاته ځلا او تجلا مومي.
آره خبره خو دا ده چې ډېر کلونه کیږي زموږ د ژبې، فرهنګ او ملي هویت رنګونې او له منځه وړلو لپاره د نژدې او لرې دښمنانو له خوا ښکاره او پټې هڅې روانې دي، خو اوس اوس دا هڅې په بشپړ ډول څرګندې او په ډاګه شوي دي. دا ستم له پخوا کلونو راهیسې هم روان وو، نو که چا د پښتو او پښتنو د حقوقو د غوښتنې خبره رادمخه کړې وای، نو سمدلاسه پرې څو ډوله رنګینه ټاپې لګول کېدې. د ((ملحد واکۍ)) په شپو ورځو کې که چا د پښتو خبره رامنځته کړی وای نو هغه خو د ((فاشست)) په نوم یوې کندې ته غورځول کېده، خو د نورو قومونو او ژبو په ځانګړي ډول د ((فارسي)) له پاره بیا خبره سرچپه وه. کوم (پښتانه) [!] چې په دې پړاو کې پر څوکۍ ناست وو هغو ځانونه (انترناسیولستان) [!] بلل، کله چې ((ملا واکي)) راغله نو دوی خو لا

(c) ketabton.com: The Digital Library

نور هم په پښتو او پښتنو خاورې واړولې او ویې ویل پښتو او پښتونولی خو په اسلام کې نشته، د اسلامي حکومت پر نوم چې کومه اخوانی ستمي، پرچمي ستمي او ستمي اداره په کابل کې جوړه شوه د نورو بې شمیره ورانیو تر څنګ یې د افغاني ـ پښتني ارزښتونو او کلتوري شتمنیو په ړنګوني او لوټوني پیل وکړ. دې کار کې له دوی سره د سیمې ځینې هېوادونو د افغانستان او په خانګړې ډول د پښتنو لرې او نږدې، نوو او زړو دښمنانو هم ګډون درلود او لري یې.

لکه څنګه چې څرګنده ده د روس په ماتې او په شا تمبولو کې پښتنو غوځ او ټاکوونکی رول درلود، خو بیا هم له هغو وروسته د اسلامي حکومت په نوم یو پښتنی ضد نانډریزه اداره جوړه شوه د ((شني لیکی)) پیروانو ځانونه په لوی سمندر کې لاهو کړي وو، ځانونه یې د ((پان اسلامستان)) ګڼل او د خپلې ژبې او قوم په باب یې هغه د چا خبره غوږ هم نه ګراوه. په پایله کې پښتانه په ټولیز (کلي) توګه په څو ډلو وویشل شول: [۱] انترناسیونالستان (د سرې لیکی پلویان)، [۲] پان اسلامستان (د شني لیکي پلویان)، [۳] بې تفاوتان (بې خبره پښتانه)، [۴] پښتو ضد پښتانه یا ستمي پښتانه (هغه پښتانه چې خپله ژبه یې هېره کړې او عملاً د پښتو په ضد ودرېږي)، [۵] روڼ اندي (روڼفکره) باشعوره پښتانه (هغه پښتانه چې هم د اند، هم د احساس له مخې عملاً پښتو ژبې، هېواد او پښتونولۍ ته خدمت کوي. د دې ډول پښتنو شمېر ډېر زیات نه دی، ایله دومره ځواک لري چې له ستمي پښتنو سره یې مقابله کې ولګوي. د انترناسیونالستانو او پان اسلامستو پښتنو غم خو لا پرېږده چې وخت په وخت یې پښتو ژبې او پښتنو ته درانه زیانونه اړولي دي.

کله چې مې د ((دعوت)) خپرونه ولوسته د دغو ټکو او پېښو انځورونه مې پکې ولوستل. د ناوړه پېښو له لوبغاړو څخه پکې پرده پورته اوچته شوې او نوره هم اوچتېږي. مور خو اوس لاس تړلې، او فکر تړلی اولس یوو، خو د احساس لاسونه او پښې مو څوک نشي تړلی.

تر کومه ځایه چې په نورو ژبو او لږکیو قومونو پورې اړوندېږي، پښتو پالنه او یا پښتونولي د چا له ژبې سره د کینې او تعصب مانا نه لري. روڼ اندي پښتانه په دې اند دي هغه حق چې فارسي ژبو ځان ته

(c) ketabton.com: The Digital Library

حاصل کړی او ساتلی، پښتانه هم باید ورڅخه برخمن شي. پخپله ژبه لیک لوست، وینا او ګرېدل جرم نه دی. او که دا کار جرم وګڼل شي نو د نړۍ ټول قومونه مجرمین دي.

ښاغلی بزګر صاحب! موږ اوس په هېواد کې له نوموړي ستونزې سره مخ یوو، زموږ د زړونو په درد تاسو ښه پوهېږئ، ځکه چې همدا درد ستاسو په زړه کې هم ځپې وهي. مونږ به هڅه وکړو د پورتنیو اندیښنو او ستونزو په باب تاسو ته څه لیکنې درولیږو، خو مونږ او ستاسو تر منځ غرونه، غرونه، سیندونه، سیندونه او هېوادونه، هېوادونه فزیکي واټن دی، که لیکونه او لیکنې مو ناوخته دررسیدلی، نو دا به د زړونو واټن نه وي بلکې د فزیکي مزلونو واټن او د وسیلو او وسایطو د نشتون لامل (علت) به وي.

په مینه او درناوی
ستا د پښتنی او انسانی لارې یو بل یون
مارچ ۴/ ۱۹۹۶- پېښور

(c) ketabton.com: The Digital Library

په سټوکهولم کې ښاغلی محمد طارق بزګر وویاړشو

د زلمو پاځون ټولنه

د زلمو پاڅون ټولنې په نوښت، د ژمنې سره سم د ۲۰۱۱ کال د ډیسمبر په لسمه په سټوکهولم کې د ګران هیواد افغانستان د ویاړمن فرهنګي شخصیت او نومیالي ژورنالیست ښاغلي محمد طارق بزګر په درناوی، ستاینغونډه جوړه شوه. دې غونډې کې د سویډن د مالمو ښار او د سټوکهولم له بېلابېلو کمیونونو څخه افغانانو ګډون کړی وو. ډیری ګډونوال د هیواد ځوان پښت وو. یو شمیر یې د زلمو پاڅون ټولنې غړي او په ټوله کې د هیواد راتلونکي علمي او فرهنګي شتمني ده چې پخپل ګډون سره یې غونډه لا پرتمینه کړې وه. د راغلو میلمنو په منځ کې ښاغلی حبیب الله غمخور له مالموښار څخه دې غونډې سره د مالمو میشتو افغانانو د یووالي او پیوستون بېلګه انځور کړې وه.

غونډې ته د ناکې کمیون (Nacka kommun) د لوړ ښوونځي (لیسه) په کنفرانس هال کې تیاری نیول شوې و چې د زلمو لخوا په پوره نظم او ترتیب سره مخې ته بیول کېده.

غونډه په یوه بجه د ښاغلي قاري واسع لخوا د قرانکریم د څو مبارکو ایتونو په تلاوت پیل شوه، وروسې د افغانستان ملي سرود وغږول شو. روسته ښاغلي انعام هوسا چې د غونډې د کوربه توب چارې یې پر مخ بیولې، ښاغلي محمد طارق بزګر، ښاغلي حبیب الله غمخور او ښاغلي سرلوڅ مرادزي ته بلنه ورکړه چې د غونډې په دریځ (لوژ) کې خپلو ځایونو ته ولاړ شي. وروسې ښاغلي هوسا د پاڅون ټولنې یو مشر غړي نصرت الله ننګرهاري ته بلنه ورکړه چې د ټولنې په استازیتوب میلمنو ته ښه راغلاست ووایي او د زلمو پاڅون ټولنې په اړه د غونډې برخوالو ته لنډ مالومات ورکړي، چې د ښاغلي ننګرهاري له خبرو وروسته د ناروې څخه د ښاغلي قریب الرحمن سعید پیغام ولوستل شو.

د غونډې وياند ښاغلي سرلوڅ مرادزی ته بلنه ورکړه چې مایک ته راشي، چې ښاغلي مرادزي د سټوکهولم د استوګنو په استازیتوب یې ښاغلي بزګر او د غونډې نور ګډونوالو ته هرکلي او ښه راغلاست ووایه.

(c) ketabton.com: The Digital Library

نوموړي د بزگر صاحب د ۲۳ کلن ویاړمن فرهنگي خدمت ستاینه وکړه. هغه، ښاغلی بزگر د هیواد ملي گټو او د افغانانو ملي یووالي ته ژمن شخصیت وباله او د مهاجرت په شرایطو کې یې د ښاغلي بزگر په نوښت او میړانه د د عوت د جریدي او په را روسته کې ورسره د بریښناپاڼې په بریا چلولو کې د نوموړي هڅې او زیار د قدر وړ وگڼه. هغه په وینا کې زیاته کړه، دا چې بزگر صاحب غواړي نږدې راتلونکې کې په پښتو ملي ژبه یو نړیوال تلویزیون فعال کړي او په دې لار کې نه ستړې کېدونکې هڅې کوي. داسې زیار یې د ټولو افغانانو زړه ته لار کړي.

د ښاغلی سرلوڅ مرادزي له عالمانه او هر اړخیزو خبرو وروسته د فرانسې څخه د دروند استاد روستار تره کي پیغام د غونډې گډونوالو ته واورول شو. له دې روسته یو زیات شمیر پیغامونه چې د نړۍ له بېلا بېلو هیوادونو او لویو وچو څخه د هیواد دردمنو لیکوالانو، شاعرانو، ژورنالیستانو، د ادبي او فرهنگي ټولنو مشرانو او استازو د ښاغلي بزگر په ویاړ او درناوۍ رالیږلي وو او په هغو کې د بزگر صاحب ۲۳ کلن فرهنگي هڅې او د ژورنالیزم په ډگر کې د نوموړي د زیار او هاند ستاینه شوې، د ځوانانو لخوا غونډې ته یو په بل پسې په لاندې ډول چې په اوږدو چک چکو بدرگه کیدل په لاندې ډول ولوستل شول:

ښاغلي سیف الرحمان شیرزاد د ښاغلي پوهنمل رحمت ځواکمن پیغام له هالنډ څخه، ښاغلي بشرکار د ښاغلي حاجي ولي محمد (گلستان) پیغام له کوټې څخه، ښاغلي همایون ننگرهاري د نیک هدایت ځاځي پیغام، ښاغلي سمندر خان د ښاغلي انجینر فضل احمد افغان پیغام له کاناډا څخه، ښاغلي جاوید مومند د عمر پاڅون پیغام له جرمني څخه، د مالمو څخه د ډاکټر حکمت الله حکمت پیغام، د مسکو څخه د ښاغلی امرالدین شعر د بزگر په ویاړ ولوستل شو. د کابل څخه د ښاغلي قدرت الله هېوادپال پیغام، د بلژیک څخه د ښاغلی امین باوري پیغام او د اوکراین د ادیسې ادبي ټولنې پیغام. له دې سربېره د وخت د کمښت په لامل د یو شمیر نورو پیغامونو لنډیز د غونډې د چارو د کوربه

(c) ketabton.com: The Digital Library

ښاغلي انعام هوسا لخوا ولوستل شو چې ګډونوالو پخپلو تودو ولولو بدرګه کړ.

د غونډې وروسته وېناوال له مالموښار څخه راغلی دروند میلمه ښاغلی حبیب الله غمخور و چې په زړه پورې وینا سره یې د غونډې ګډونوال برخمن کړل. نوموړي د خپلې وینا په یوه برخه کې وویل: زما له نظره ښاغلي محمد طارق بزګر نه یوازې فرهنګی شخصیت دی بلکې یوکارنده ژورنالست او تکړه لیکوال هم دی. د دعوت جریدې لپاره ټولې سرمقالې د همدې بزګر صاحب په قلم لیکل شوي چې د ده د پوهې او وطني مینې ښکاره بېلګه یې ګڼلای سو.

ښاغلی محمد طارق بزګر نه یوازې د بیلوبیلو مقالو په لیکلوسره بلکې د (۲۳) کاله په پرله پسې توګه د افغانستان د ډله ایزو رسنیو په اسمان کښې د دعوت په نوم جریدې د خپرولو شمع روښانه ساتلې ده او له دې لارې یی نه یوازې دا چې د خپلو لیکوالو او سیاسي څېړونکو نظریات تر هیوادوالو او نړیوالو رسولي، دا دي اوس یې د ۱۹۹۷ کال راپه دېخوا د دعوت جریدې د خپرېدو تر څنګ دعوت ویب پاڼه پرانیستې او له دې لارې هم د افغانستان او نړۍ په ګوټ ګوټ کښې افغان لیکوالو ته د خپلو نظریاتو، علمي او ادبي لیکنو د خپرولو پوره امکانات برابر کړي دي.

ښاغلی غمخور د خپلو خبرو په ترڅ کې وویل چې بزګر د نړیوالو لیکوالو او ژورنالستانو له خوا یاد شوي او مننه ترې شوې ده او د خپلې دې خبرې له پاره یې د امریکایی لیکوال ښاغلی بروس ریچاردسن د کتاب حواله ورکړه چې پښتو ژباړه یې ((افغانستان: رښتیا پلټنه)) نومیږي، چې دا د ټولو افغانانو له پاره د ویاړ ځای دی او د دغه کتاب لیکوال د ښاغلی بزګر څخه په دغه کتاب کې مننه او یادونه کړې ده.

ښاغلي غمخور، بزګر صاحب ته راووړې ډالۍ ورکړه، چې ښاغلي بزګر په ډېرې مننې سره واخیسته.

بل وېناوال ښاغلی حفیظ الدین پیرزاده و چې د بزګر صاحب د فرهنګي او ژورنالیستي ګټورو خدمتونو ستاینه یي وکړه او د ستر لیکوال او شاعر ګل پاچا الفت په خوږو شعرونو سره یې غونډه توده کړه.

همداراز ښاغلي ډګروال حلیمي صاحب هم پخپل وار سره د بزګر

(c) ketabton.com: The Digital Library

صاحب د فرهنګي هڅو په وياړ خپلې څرګندونې نذرانه کړې او د ښاغلي بزګر د تېز او غوښنده قلم ستاينه يې وکړه.
د غونډې د چارو کوربه د چای او دمې لپاره نيم ساعت اعلام کړ او له چای روسته د ښاغلي بزګر په ژوند يو لنډ مستند فيلم وښودل شو چې زلمو پاڅون ټولنې جوړکړی وو.
د غونډې په روستۍ برخه کې بزګر صاحب وينا وکړه او د خپل ژوند لنډ سفر قصه يې ميلمنو ته بيان کړه چې د ګډونوالو د پوره پاملرنې وړ وګرځېده.
بزګر صاحب د زلمو پاڅون ټولنې څخه د غونډې د کوربتوب په اړه مننه وکړه. همدارنګه ښاغلي بزګر د هغه افغاني وياړمنو شخصيتونو او فرهنګي ادبي ټولنو څخه چې د ده په وياړ يې پيغامونه رااستولي وو، دوی ته کورودانې ووايه او د دوی له پيغامونو څخه يې بيا بيا مننه څرګنده کړه.
ښاغلی بزګر په خپلو خبرو کې بيا بيا وويل چې زه ځان د دې وړ نه ګڼم! څه چې ما کړي يوازې د يو افغان او پښتون په توګه مې تر خپله وسه خپل مسئوليت پوره کړی دی. او که خبره د دعوت وي د دعوت برياليتوب د دعوت د ټولو ليکوالو او هغو دوستانو دی چې تل يې د خپل وس په اندازه په تيرو ۲۳ کلونو کې د دعوت د ادارې سره قلمي، مادي او معنوي مرستې کړي دي.
بل خوا بزګر صاحب له خپلې خوا څخه د دعوت اخبار يو کوليکسيون، د زلمو پاڅون ټولنې ته ډالۍ کړ او په همدې توګه يې يو کوليکسيون ښاغلي غمخور صاحب ته هم ډالۍ کړ.
په پای کې د زلمو پاڅون ټولنې لخوا يو ستاينليک ښاغلي بزګر صاحب ته د ښاغلي ډاکټر سرلوڅ مرادزي او د ښاغلي حبيب الله غمخور په لاس ورکړ شو. غونډه د څلور بجو شاوخوا کې پايته ورسېده. د غونډې ويډيويي فلم او هم د کتاب بڼه به وروسته خپره شي!

درې نۍ د ۱۳۹۸ لمريز کال د غويي ۱۰

(c) ketabton.com: The Digital Library

ګران محمد طارق بزګر

محمد یوسف هیواددوست

یادونه:
د دغه شان یو مدبر او مدقق ژورنالیست لکه ګران محمد طارق بزګر، شتون په افغاني ژورنالیزم کې یو ویاړ او د الهام وړ دی. ستر مشر محمد ګل خان مومند:

پښتو د بڼ چونې یم شور به کړمه پښتنو ته
تل دوي ته په وینا یم که وم وم که نه وم نه یم

زما خبرې تل سپیني دي او له همدې امله هیڅ مجبور نه یم یا د چا بې ځایه توصیف او تعریف وکړم او یا یې بې ځایه وغندم. د ښاغلي محمد طارق بزګر صیب کار د منلو وړ دی او پوره باور لرم چې د هیواد د ژورنالیزم او په تېره بیا له هیواد څخه د باندې د افغاني ژورنالیزم تاریخ به د هغوی نوم هم په زرینو کرښو ولیکي، دا ځکه چې پوره ۳۱ کاله کیږي چې د ګران افغانستان د ژورنالیزم او ادب د ګلالي بڼ دغه عندلیب او د دغه په زړه پورې بڼ دغه مالیار سره له دې چې له هیواده د باندې په ناروې کې د مجبوریت او مهاجرت ژوند ور په غاړه شوي، زموږ د تمدن زیږونکي هیواد د تاریخ او زموږ د فرهنګپاله ولس د پایښت او ښایست ترانې غږولي، په لکونو مخه پاڼې یې تورې کړي، په شپو شپو تر سهاره ناست او د اخبار ډیزاین، ښکلاپالنې او د مطالبو د ځای پر ځای کولو مشقت یې پر ځان تېر کړی. په لکونو واره یې تا او ما ته ټیلیفونه کړي، فاکس او تیلګرام ته ناست و او له هر چا یې د اخبار لپاره د مطالبو د لیکلو هیله کړې. د وطن په غرو رغو، ښارونو او له خطر نه ډکو سیمو کې د مظلوم غږ تر نورو رسولی او د ظالم او سړي وژونکو نوم یې افشا کړی، د افغانستان او له هیواد نه بهر د لسګونو مطبعو دروازې یې ټکولي، او په زرګونو خپرونې یې تر ما او تا رارسولي.
ګران او نه ستړی کېدونکی ژورنالیست ښاغلی محمد طارق بزګر یادوم!
همدغه د یوې کلتوري او علمي کورنۍ په لمنه کې رالوی شوی افغاندوسته فرهنګیال، په دا ټولو ۳۱ کلونو کې یوه شېبه هم د

(c) ketabton.com: The Digital Library

((دعوت)) د ملي او درنې خپرونې له په زړه پورې خپرېدو لرې پاتې نه شو.

((دعوت))، پوره ۳۱ کاله د خپل ملت له رنځونو، دردونو، جهاد، میړاني، پاڅونونو، سرلوړیو، ښادیو او رازونو سره ملګری پاتې شو. ((دعوت)) و چې د ((سور))، ((تور)) او ((شین)) ښامار، بدمرغه مخ او ناوړه نیتونه یې ولس او نړیوالو ته بربنډ کړل. ((دعوت)) و چې په سیمه کې یې د ښکېلاک او زبېښناک د ((سترې لوبې)) ټول اړخونه او ((تیاره)) ګوټونه روښانه کړل او د ((افغان)) او ((افغانستان)) د دښمنانو له کرکجنو مخونو یې پردې لرې کړې. دغې خپرونې پر خپل وخت او ژر تازه خبرونه تر موږه راورسول.

((دعوت)) د افغاني، ناروژي او نورو نړیوالو لیکوالو او غوره څېړونکو په راجلبولو سره، د غونډو او کنفرانسونو په جوړولو سره د خپلو پاڼو مخونه د مسلکي او لوړې کچې مطالبو، څېړنو، راسپړنو، مرکو، رپوټونو، خبرونو او تحلیلونو رنګین کړل. د ژورنالیزم ټول بنسټونه او اصول یې په ښه شان مراعات کړل. د ((دعوت)) ژبه د ملت ژبه ده، خوندوره ده، مانا لري، ګونګه او ورکه نه ده، اصلاح شوې او معیاري ده، په تېره بیا تل یې پښتو ګرامر او په ځانګړې توګه پښتو ((ی)) ګانې سمې کارولې دي.

لنډه دا چې ((دعوت)) په ټوله مانا د منلو وړ خپرونه خپره شوې او فکر کوم زموږ د وخت یوه اړتیا ده. د دغه شان یو مدبر او مدقق ژورنالیست لکه ګران محمد طارق بزګر شتون، په افغاني ژورنالیزم کې یو ویاړ او د الهام وړ دی.

زه په دې توګه ګران او منلي ورور ښاغلي محمد طارق بزګر ته د ((دعوت)) د ۳۱ کلنۍ مبارکي وایم او د دې خبرې څرګندونه کوو چې موږ ستاسو په دغه ستر جشن کې ځان شریک بولو. بزګر صیب! مننه، کور ودان، په کار او عمر دې برکت شه.

(c) ketabton.com: The Digital Library

څلورم څپرکی:
د بزگر څیره

در مستند ناروېژی «پناهنده»

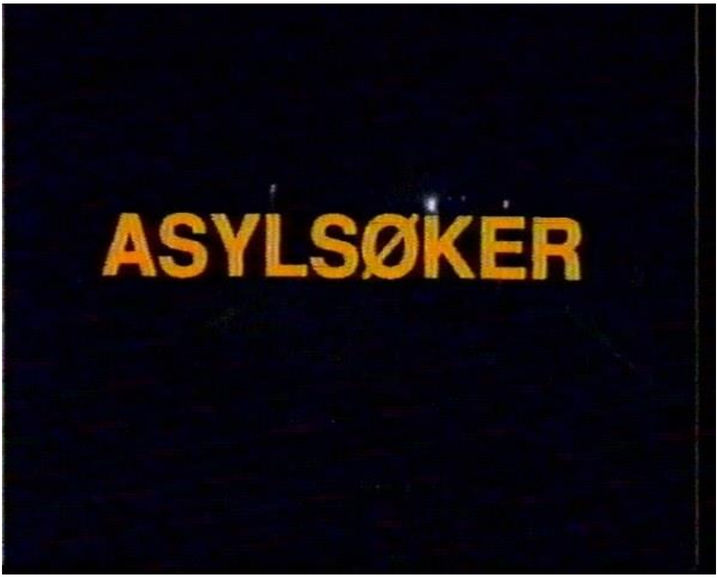

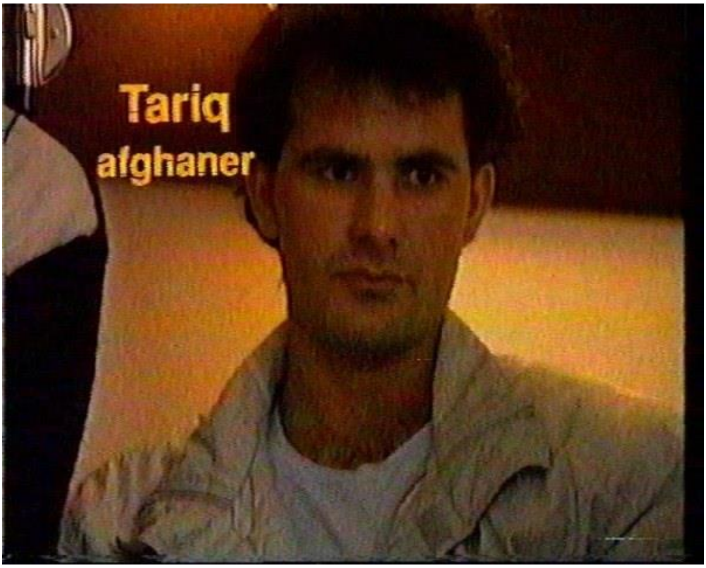

(c) ketabton.com: The Digital Library

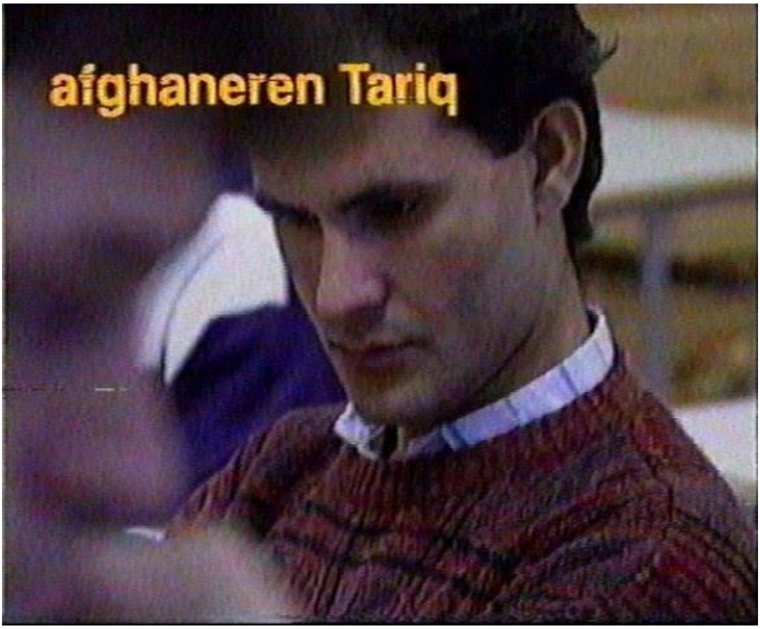

(c) ketabton.com: The Digital Library

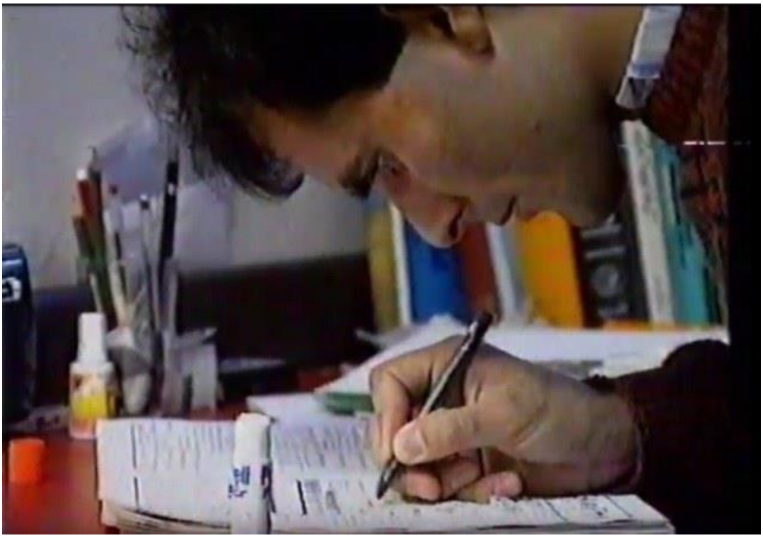

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

در مطبوعات غربی

– Misbrukte Shahs gjestfrihet

KRITISKE: *Afghanske Tariq Bazger og kona Nooria har lest Åsne Seierstads bok. – En del er bra, men andre ting er helt uakseptabelt, sier Nooria.*

Av GURO HOFTUN GJESTAD og JANNE MØLLER-HANSEN (foto)

Redaktør Tariq Bazger forstår godt at hans venn, bokhandler Shah Mohammad, ble sjokkert da han leste Åsne Seierstads bok.

– Forstår? Jeg mer enn forstår at han ble sjokkert, sier Tariq Bazger. [illegible] for avisen Dawat, som kommer ut til afghanere i 45 land.

– Åsne Seierstad har misbrukt Shah Mohammads gjestfrihet ved å beskrive hans familie og hans privatliv. I Afghanistan heter det at «hvis jeg har spist ditt salt, er jeg en del av din familie. Jeg er takknemlig overfor deg og respekterer deg». Det betyr at hvis du har vært noens gjest, ønsker man ikke vertskapet noe vondt, forklarer Tariq Bazger.

Tariqs kone Nooria leste boken i sommer og reagerte på hvordan Åsne Seierstad beskrev et helt land ut ifra møtet med en familie.

– Åsne Seierstad gir en del feilaktige bilder i boken. En del er bra, men andre ting er helt uakseptabelt, sier Nooria.

– Man skal huske på at

mel og jord. Det finnes dårlige mennesker og gode mennesker [illegible] og la han beskrive det han ser. Da vil han kanskje si at norske kvinner er billige. Rett og slett fordi han ikke kjenner kulturen, sier Tariq Bazger.

Han har truffet Shah Mohammad i Pakistan og kjøpt mange bøker av ham.

– Han gjør en veldig bra jobb. Det finnes mange bokhandlere i Kabul, men han er det eneste som selger bøker til utlendinger i Afghanistan, sier Tariq Bazger.

Overrasket

Som journalist og redaktør er Tariq Bazger svært kritisk til Åsne Seierstads fremgangsmåte:

– Skriver man om Afghanistan og dets politikk, skal man ikke ta hensyn til om makthaverne liker eller ikke liker det du skriver. Men hvis man

(c) ketabton.com: The Digital Library

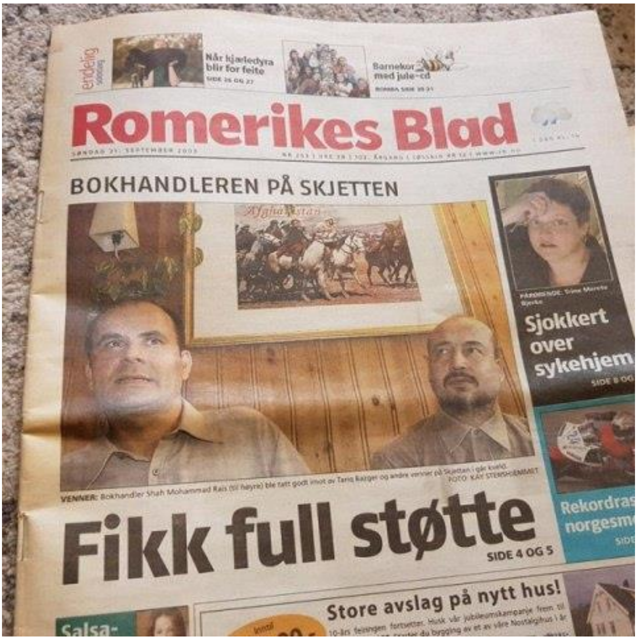
Når kjæledyra blir for feite
Barnekor med jule-cd
Romerikes Blad
BOKHANDLEREN PÅ SKJETTEN
Sjokkert over sykehjem
VENNER: Bokhandler Shah Mohammad Rais (til høyre) ble tatt godt imot av Tariq Karzai og andre venner på Skjettan i går kveld.
FOTO: KAY STENSHJEMMET
Fikk full støtte
SIDE 4 OG 5
Store avslag på nytt hus!

Vikebladet/Vestposten LAURDAG 28. OKTOBER 1989 11

Den stolte, høgreiste 23-åringen frå diplomatfamilien i Kabul prøvde seg på kroppsarbeid for første gong i sitt liv på Skaarfish i Hjørungavåg - med svært dårleg resultat! Ja, det stemmer, det var faktisk første forsøk - om vi då ser bort frå den gongen far til Tariq sette han til å hogge ved i tre samfulle dagar i sprengkulden, som straff for ein dårleg matte-karakter.

• Marit Kvamsvin

Geriljaleiaren likar ikkje lettvinte jenter

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

Afghanarane ved asyl-mottaket

Flytter frå Hareid

Ved asylmottaket på Hareid er åtte afghanarar i oppbrots-stemning. Frå Skedsmo kommune utanfor Oslo har dei fått beskjed om at dei er velkomne til å etablere seg. No ventar dei berre på endeleg avreisedato.

• ANNE GRY EILERTSEN

Vikebladet Vest Posten

Nr. 48 62. ÅRGANG TORSDAG 3. MAI 1990

Flott 25-års jubileum

Fotballen rullar...

INSTALLASJON
Ulstein Elektro AS

Billig på dagligvarer

(c) ketabton.com: The Digital Library

Vikebladet/Vestposten

Tareq har fått svar

Avslag etter 11 månader

Inga Hareide

Sist fredag fekk Tareq Bargzai frå Afghanistan melding om at søknaden hans om opphaldsløyve her i landet var avslått. I elleve månader har han venta på svaret, vona på at tida var til hans fordel. Han er redd for at det kan bli gjort alvor av dei trugsmåla han har motteke for skrivinga si om han blir sendt attende til Pakistan. Men UDI vurderer saka annleis, dei viser til brudd på 14 dagars-regelen og meiner difor han må reise attende til Pakistan. Framleis held altså departementet fast på at 14 dagars-regelen også skal gjelde for Afghanarane, sjølv om det er allment kjent at det lot seg ikkje gjere å flykte direkte frå Afghanistan til eit europeisk mottakarland

Tareq har si utdanning frå universitetet i Kabul med politikk og juss som fag. I hovedsak var han opptatt av politikken i sør- og sentral-Asia. I studietida virka han som distributør av illegal propaganda mot det kommunistiske regimet. Men han vart oppdaga og sett i fengsel i Kabul. Etter ti månader her vart han flytta til eit fengsel i den austlege delen av landet. Men under ei bombing av fengselet [illegible] å flykte, og [illegible] mujahedin-gruppe. [illegible] han leiar for ei avdeling geriljasoldater.

Allereie då fekk han åtvaringar mot skrivinga si. Ein høgtstående leiar av ein annan gruppe, såg med misstru på denne soldaten som hadde si utdanning frå universitetet og ikkje den religiøse skolen. Tareq byrja føle seg truа, og flykta til Pakistan. Men heller ikkje her følte han seg trygg. Dei mektige leiarane hadde og ein høg posisjon i dette landet. I tillegg hadde både KGB og HAD folk plassert i flyktningemiljøa. Tareq såg inga anna løysing enn igjen å kome seg på rømmen.

Her i landet har Tareq måttet vere arbeidd for heimlandet sitt, og har ikkje vore redd for å stå fram med meiningа si. [illegible] bror [illegible] med god[illegible] han har blitt truga på livet både over telefon og pr. brev.

Tareq vil anke avgjerdsla. Så er han i alle fall trygg i denne tida. Lenger fram tør han ikkje tenkje.

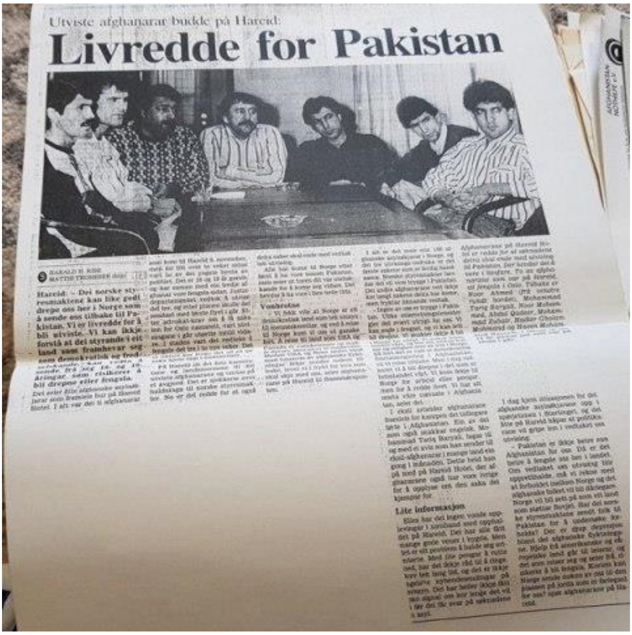

Utviste afghanarar budde på Hareid:

Livredde for Pakistan

HARALD H. RISE

Hareid: – Dei norske styresmaktene kan like godt drepe oss her i Norge som å sende oss tilbake til Pakistan. Vi er livredde for å bli utviste. Vi kan ikkje forstå at dei styrande i eit land som framhevar seg som demokratisk [illegible]

Lite informasjon

(c) ketabton.com: The Digital Library

AFGHANARANE PÅ HAREID HOTEL

PARTIARBEID I EKSIL

MARIT KVAMMEN

Han er høg og senesterk, i trettiårsalderen, hans engelske ordforråd er upåklageleg, men aksenten gjer at han stundom er litt vanskeleg å forstå. Men Mohammed Tariq snakkar gjerne, forklarar tolmodig tilhøva i heimlandet Afghanistan - til alle som vil høyre på og sjå utstillinga han og dei ni andre afghanarane som for tida er på hotellet, har laga i stand.

For desse asylsøkjarane er det maktpåliggande å drive politisk agitasjon, same kvar i verda dei er. Det opptek dei i mesteparten av fritida.

Mohammed Tariq er tidlegare geriljaleiar, det vil seie han har hatt kommandoen over ei av timannsgruppene som geriljaen i hans område er inndelt i. Spør vi kva han gjorde i det sivile liv, er svaret student. Jus og politikk er faga hans. Den russiske etterret-

Dei trur ikkje på Gorbatsjov for det om han har gitt ordre om tilbaketrekking av troppane. I Kabul har han sine folk som kontrollerer at det ikkje skal haldast frie val likevel, hevder Tariq. Soviet måtte trekke seg tilbake no, og det var vi som tvinga dei!

«Vi» er Den islamske union av den Afghanske Mujahideen, som er det fullstendige namnet på samanslutninga av dei mange islamske partia.

Og det er ikkje berre Gorbatsjov desse muslimane har skepsis til. Den andre stormakta, USA, har vore lite til hjelp, meiner dei. På den sida fryktar dei ei utvikling som i Khomeinis Iran dersom Mujahideen kjem til makta.

-Men det er utelukka, kan Tariq fortelje. I Iran er det Shia-muslimane som rår, i Afghanistan høyrer berre 10 prosent av folket til denne religionen, 90 prosent er Sunni-muslimar. Det forklarar alt, slik han ser det. Sunni-muslimane ville aldri la ein førar som Kho-

Dei 5 afghanarane som er plasserte på Hareid Hotel, har alle ei fortid i geriljaen, med unntak av den yngste, ein blid 15-åring. Han går på ungdomsskulen på Hareid, draumen er å kome tilbake til Afghanistan om eit års tid - og til geriljasoldat.

I motsetning til dei tamilske og iranske asylsøkjarane er afghanarane slett ikkje opptekne av å vere anonyme, tvert om. I romjula arrangerte dei eit større informasjonstreff på hotellet, med plakatar, fotomontasjar og omvisning. Dei vil tale Mujahideen si sak kvar som helst, både desse og dei 150 andre afghanarane som for tida oppheld seg i Norge.

Men Muhammed Tariq har ei spesiell oppgåve som han arbeider med dag og natt. Han lagar informasjonsavis. «Dawat» skriv han sjøl, mest for hand, og får avisa mangfoldiggjord på kopimaskinen ved Ulstein Nor. Avisene blir så sende til adresser over heile Europa, til landsmenn i eksil.

Vest Posten

NR. 21 · ONSDAG 15. MARS 1989

Fem av ni afghanarar er att på Hareid Hotel

KVA SKJER MED OSS ? SPØR DEI

Dei fem afghanarane som no bur på Hareid Hotell. Sitjande: Noor Ahmad, Noor Mohammad. Ståande: Mohammad Tariq Bargoli, Farhad Muhmand, Ghulam Haider Muhmand.

I redsle og uvisse sit fem afghanarar att på Hareid Hotell. Etter hendinga sist torsdag, då to av landsmennene deira vart henta av politiet, er det uvissa om framtida som igjen slit i dei. Forrige gong politiet henta to afghanarar var 2. januar i år. Kva lagnad desse to har fått, er uvisst. I alle fall veit ikkje kameratane deira her på Hareid om dei framleis sit fengsla, eller om dei er sende heimatt.

Naseem og Zubair, dei to som torsdag vart frakta til Oslo og som no sit fengsla på Fornebu, har innleia ein svelte-streik og vil rette søkelyset på korleis tilhøva er for afghanarane i eksil, anten det er her i landet eller i Pakistan.

Vestposten i påskal

Vestposten tek ferie i neste veke.
Annonser til fredagsnr. må vere oss i hende innan kl. 10 torsdag f.m.
Første nr. etter påske blir onsdag 29. mars.

Red.

Ulf Myhre ved Vegkontoret:

(c) ketabton.com: The Digital Library

Vest Posten

NR. 25 - ONSDAG 5. APRIL 1989 — 20. ÅRGANG. KR. 4,-

Godt utvalg i golvbelegg — Hareid Rør a/s.

TOK BERGEN MED STORM.

Reportasje s. 9.

…rungavåg-slaget …ørundfjorden!

Anders Hustadnes …ndfjord-brosjyra

Politisk støtte frå Hareid til afghanarane -

Møte mellom afghanarar og politikarar sist måndag.

Etter initiativ frå afghanarane som bur på asylmottaket på Hareid Hotel, fann det måndag kveld stad eit møte mellom representantar frå dei politiske partia i kommunestyret og desse seks asylsøkjarane.

Bakgrunnen for møtet var dei to tilbakesendingane av afghanske asylsøkjarar til Pakistan som har funne stad tidlegare i år. Ein har idag ikkje sikre informasjonar om kva som har skjedd med desse i Pakistan.

Dei politiske representantane viste forståing for afghanarane si sak, og møtet resulterte i at dei var samde om å oppmode styresmaktene om ikkje å sende attende fleire afghanske asylsøkjarar før ein i det minste får sikre informasjonar om lagnaden til dei som alt er sende tilbake. Det var og brei semje om at det snarast råd vart arbeidd ut eit politisk opprop der dei vil be dei sentrale styresmakter på nytt å vurdere afghanarane sin situasjon.

Referat frå møtet vil vi kome attende til.

Vel-

…Dei lokalpolitikarane om hjelp:

Dagleg frykt blant asylsøkjarane

Med Tone Skorgenes som tolk orienterte Mohammad Tariq Baryali (i midten) Hareidpolitikarane om kva afghanarane har å bli sende tilbake til. Noor Mohammed sekunderte. Spørsmålet er kva dei kan nytte i den store samanhengen å engasjere seg. Når partia på Hareid får diskutert saka og teke kontakt med sine respektive stortingsfolk, vil det bli eit opprop til Justisministeren.

MARIT KVAMMEN

Dei seks afghanarane som er att på Hareid Hotel, skjelv i redsle for kvar framand bil som stansar utanfor. Er det og som skal hentast no?

Måndag kveld møtte dei Hareidspolitikarane frå alle parti for om mogleg å få dei til å reagere mot regjeringa sin politikk andsynes den vesle gruppa afghanske flyktningar som har kome til Norge frå Pakistan.

Gjennom avisene har det blitt kjent at 60 av dei ca 150 afghanske asylsøkjarane i Norge har fått …

Kven må reise?

Det som ikkje er opplyst, er kven av afghanarane som har fått handsama opphaldssøknaden sin. Og frykta breier seg. Hittil har ingen afghanar fått løyve til å opphalde seg i Norge, ikkje ein gong på humanitært grunnlag … regjeringa … land det vert vist til. Regjeringa støttar seg også til uttale frå FN's høgkommisær for flyktningar, som seier at afghanarar er trygge i Pakistan. Den forsikringa fekk også den norske delegasjonen som var i Pakistan for å undersøke forholda.

Farleg i Pakistan

Men afghanarane sjølve veit …

… afghanske eksilmiljøet verkar. Han kan fortelje om kameratar som har vorte likviderte, om eit system av leigemordarar og soner der «alt er tillate». -Du kan få gjort kva som helst for pengar i Pakistan, seier Tariq.

Dei to siste afghanarane som vart henta frå hotellet like før påske og på rekordtid sende ut av landet, har enno ikkje late høyre frå seg. Kameratane som er att på Hareid, trur at dei anten er fengsla i Pakistan alt, eller dei kan vere på sjukehus som fylgje av svelte-streiken - begge alternativ er «i beste fall».

Feigt å vere flyktning

… slike som «stikk av». Dei blir merka, og kan vente seg uhaldbare tilstander når dei kjem tilbake.

Kvifor ikkje Pakistan

Det er ikkje noko afghanarar … flukt heller vil enn å reise heim … glade … Men dei politiske … der er ikkje slik i dag at det er mogleg. 5,5 millionar afghanarar lever i dag utanfor landets grenser, dei fleste i Pakistan og Iran, der dei har flyktningestatus. Både KGB og den afghanske etterretningstenesta, Khad, opererer i flyktningemiljøet. Fleire høgtstående afghanarar i eksil i Pakistan har vorte tekne av dage. Dette … maktkampen mellom dei afghanske grupperingane som dei …

(c) ketabton.com: The Digital Library

under afghanistan-kvelden på Hareid bedehus:

Afghanistankrigen ikkje s

ANNE GRY EILERTSEN

Det vart fullt hus under «Afghanistan-kvelden» på Hareid bedehus tirsdag. Det var afghanarane ved asylmottaket på Hareid som stod både for mat og program denne kvelden. For å takke for seg, sidan dei snart skal flytte til Austlandet, og for å informere om forholda i Afghanistan.

Og det var redselsfulle scener frå krigen dei frammøtte vart vitne om på videoskjermen. Nokre av opptaka var faktisk berre 2 månder gamle. Og dei viser at sjøl om russarane no har trekt seg ut av landet, så styrer dei i trådane likevel, mange kallar regjeringa i Kabul for ei «majorinette-regjering», nettopp fordi den blir styrt frå Russland.

Frå Afghanistan-komiteen var Laila Grimstad frå Ålesund til stades. Ho fortalde at Afghanistan-komiteen vart oppretta i årsskiftet -79-80, då russarane invaderte Afghanistan. Afghanarane hadde ingen ting å hjelpe seg med, mange av dei kasta seg framfor dei russiske tanksa som kom køyrande.

Frå 1983 har Afghanistan-komite-gruppene i Norge i første rekke konsentrert seg om sende helseteam til det hardt råka fjellfolket. Dei er då vekke i 3 månader om gongen. Men nokre er stasjonerte også for lengre perioder, og dei driv i tillegg til lækjararbeidet, med opplæring av afghanske helsearbeidarar. Elles driv komiteen skular i Afghanistan og for flyktningar i Pakistan, og dei er med på vatningsprosjekt.

Eit av dei største problema i Afghanistan no, etter at russarane har trekt seg ut, eller alle minene som ligg rundt i landskapet. Ca. 15-20 millionar miner ligg i landskapet, mange forma som fine leikety, og afghanistan-komiteen har bede regjeringa i Sovjet om å få landminekart for å rydde dei vekk. Dette har dei ikkje fått utlevert. Dagleg døyr det endå små barn på grunn av desse minene.

Tareq, som har vore geriljasoldat i Afghanistan, fortalde at sjøl om Russland er ute av Afghanistan, og viser eit blidt ansikt utover, så held dei fast på støtta si til «Quisling-regimet» i Kabul. Kvar månad blir regjeringa der støtta med 28 millionar kroner i våpen.

– Gorbatsjov blir sett på som ein god mann i Vesten, men vi afghanarane som opplever dagleg at 3000 menn blir drept på grunn av våpen ... har eit anna syn på Gorbatsjov.

Tareq sa vidare at den ... kommunismen ... vil til livs, men dei vil ha eit demokrati. Ein folkevald president, ikkje eit majorinette-regime styrt frå Sovjet. Og når 75% av bygningsmassen i Afghanistan er øydelagt på grunn av krigen, er det mykje som må byggast opp att. Då hjelper det lite at regjeringa i Sovjet sender pengar som blir brukte i Kabul, medan dei utover landsbygda ikkje får hjelp.

– Ingen hadde trudd at Afghanistan kunne kjempe mot supermakta Sovjet. Gorbatsjov har fått æra av at Russland har trekt seg ut, men det er det afghanske folket som har kjempa dei ut, sa Tareq, og la til at Afghanistan var første landet som torde å tale Gorbatsjov imot.

Folk i Afghanistan har sjølsagt forskjellige mål, men dei fleste er samde om ein ting, russarane skal ut av Afghanistan. Og korfor er det kommunistiske regjering i Afghanistan i dag, viss russarane har trekt seg heilt ut? spurde Tareq møtelyden.

– Vi har hatt ei fin tid på Hareid avslutta han kvelden med. Vi ...

Vesle Yalda på 6 år kunne synge både på afghansk, jugoslavisk og norsk. Her saman med Tareq.

I Bigset Vest

Johanne Blindheim

SISTE NR. AV VESTPOSTEN I ÅR KJEM FREDAG 22.

Erling Hareide leiar for fotballgruppa

Minneord

Signe Jøsok, f. Nilsen, døydde 9. oktober i år, 87 år gammal, og vi på Myra vil gjerne knyte ein krans av minne og takksemd til namnet hennar.

Ho var fødd i Hyvær, Helgeland, men kom til Bjørnsund 16 år gammal. ...

Dei gifte seg i 1927, kom til Jøsok og vart sjølvefolk på Johannes sin heimegard, som han i realiteten tok over så tidleg som i 1923.

I over 60 år var ho såleis tanta vår og eit fast haldepunkt i vår barndom. Det har ho vore sidan.

Ho fekk eit langt og rikt arbeidsliv med hus og gard. Dertil var ho uvanleg flink med hendene, veving, hekling, brodering og andre ting. Til henne kom vi når noko stod på.

I 1959 flytte ekteparet, saman med einaste sonen, til Hjørungavåg, der dei kjøpte seg hus. ...

... seg ned på Stranda.

Signe vart buande i Hjørungavåg, men i sine siste 5 år var ho på Hareid sjukeheim. På arbeidsstova der vov ho tallause lapar i alle storleikar og fargar som no pryder mange heimar.

Siste åra vart vanskelege. Ho var bunden til rullestol og lengta heimatt til «barndomens rike» på Helgeland. Takka vere sjukeheimsstyraren og sønene hennar fekk ho oppfylt ønskjet sitt. Ugløymande var det å vere vitne til besøket hennar på Alstadhaug kyrkjegard, der foreldra hennar kviler, og attersynet med slekt og landskap i Hyvær.

No har ho også fått oppfylt sitt andre ønskje. Å få flytte til dei evige bustader.

Kjære tante, vi unner deg kvila i Jesu namn.

Ingebjørg Wolsdal

Signe Jøsok vart gravlagd frå Hareid kyrkje 13. oktober. Organist Rolf Grimstad spela ein orgelstykke som innleiing på høgtida. Res.kap. Dag Håland stod føre den rituelle tenesta og heldt talen utfrå Joh. 9, 4-5: «Så lenge det er dag må vi gjere hans gjerningar som har sendt meg. Det kjem ei natt då ingen kan arbeide. Medan eg er i verda, er eg ljoset for verda —»

Desse blomane vart lagde på båra hennar:

— Ein bårebukett frå søstra Olga Jensen og ein krans frå søstra Konradine Paulsen, ved Henry Jensen.

— Krans frå svigerinne og tante, ...

Informasjonskveld om Afghanistan

Mohammad Tariq Baryali, ein av dei 10 afghanistanarane som bur på Hareid Hotel og som no inviterer til informasjonskveld.

27. desember 1979 invaderte russarane Afghanistan. Sidan har afghanistanarar i eksil markert denne dagen.

Førstkomande tirsdag vil dei 10 afghanistanarane som no bur på Hareid Hotel invitere bygdefolket til ein opplysningskveld om heimlandet sitt. Dei vil fortelje gjennom film, bilete og samtale om kulturen sin, kva som har skjedd og kva som er i ferd med å skje i heimlandet.

Idag er det omlag 5 millionar afghanske flyktningar. Ein del av desse er på stadig flukt i sitt eigeland. Dei som bur her i bygda måtte rømme frå landet for 3 månader sidan. Tilstanden har altså ikkje roa seg sjølv om russarane har byrja tilbaketrekkinga.

(c) ketabton.com: The Digital Library

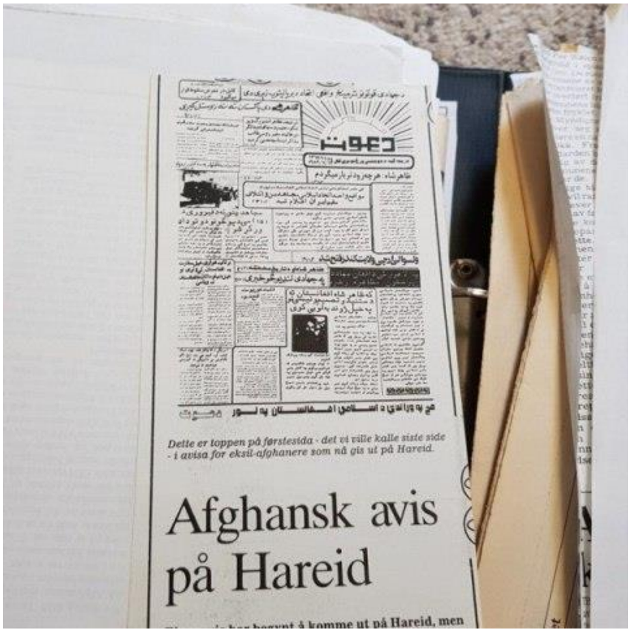

(c) ketabton.com: The Digital Library

FREDAG 6. JANUAR 1995

reportasje

11

Fører kamp med pennen

DAWAT

- Jesus ville ikke tifte noen religion

Slakter boka om skogfinnene

Akershus

ROMERIKES BLAD

NR. 5 - FREDAG 6. JANUAR 1995
LØSSALG KR. 8.00

Tariq byttet gevær med avis

Afganske Tariq Bazger kjempet med våpen mot den russiske okkupanten i hjemlandet. Nå fører skedsmokoringen kamp for fred gjennom sin egen avis. Avisen har 2.500 abonnenter i 40 land.
SIDE 11

Birger med grovt skyts

SIDE 11

Kari på hjemme-

Volvo-kontra til Dyno Cipa

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

ستایش در انجمن فرهنگ افغانی در امریکا / سال۲۰۰۰م

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

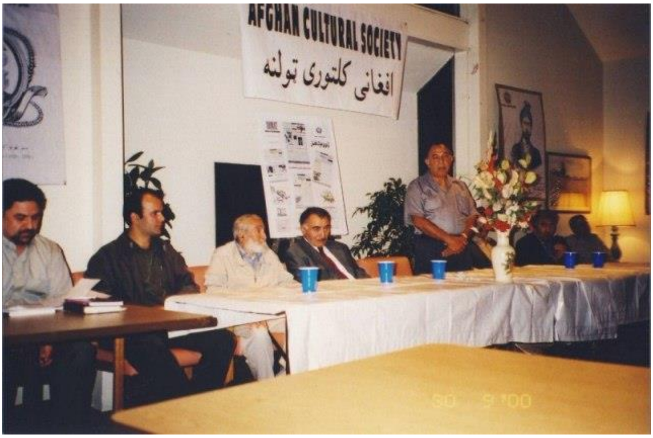

(c) ketabton.com: The Digital Library

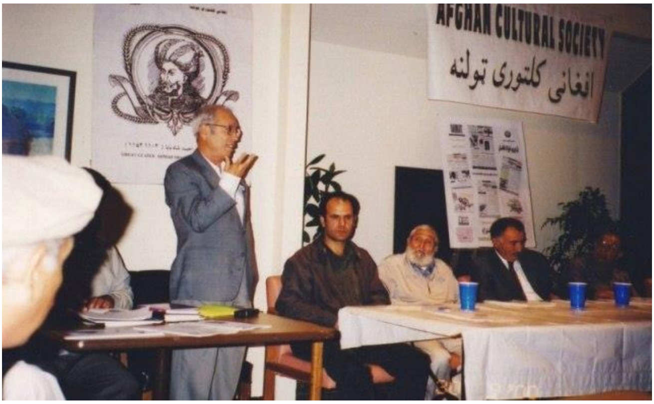

(c) ketabton.com: The Digital Library

ستایش در برنامه ی تلویزیونی
ستاره های درخشان ادب و هنر

(c) ketabton.com: The Digital Library

ستایش در انجمن خیزش جوانان در سویدن

(c) ketabton.com: The Digital Library

در گزارش تلویزیون ناروی

(c) ketabton.com: The Digital Library

ستایش نامه ها

پیل د بښونکي ښښتن تعالی په نوم

ستاینلیک

سویډن کې د زلمو پاڅون ټولنه د ګران هیواد افغانستان ویاړمن فرهنګي شخصیت او نومیالي ژورنالیست ښاغلي **محمد طارق بزګر** ته ، د هغوی د نه ستړي کېدونکو خدمتونو په درناوي دا ستاینلیک ورکوي او نوموړي ته د لا نورو بریالیتوبونو هیله کوي.

نېټه : ۲۰۱۱،۱۲،۱۰

پته : ستوکهلم سویډن

I Guds, den Barmhärtiges, den Nåderikes namn

Diplom

Föreningen Zalmo Pason vill härmed tacka Herr **Mohammad Tariq Bazger** för sitt stora engagemang och outtröttliga journalistiska arbete. Vi känner en stor tacksamhet och ser fram emot nya framgångar och önskar honom all lycka med sina framtida projekt.

10.12.2011

Stockholm, Sverige

لاسلیک

(c) ketabton.com: The Digital Library

افغاني کلتوري ټولنه
شمالي کلیفورنیا، امریکا

Afghan Cultural Society

نېټه: د تلې اتمه ۱۳۷۹

منن لیك

قدرمن هیوادپال ښاغلی محمدطارق بزګر

څرنګه چه تاسو دیوغښتلي هیواد پال په توګه په تیره لسیزه کی دهیواد
ملي کتنې او کلتور د ژوندی ساتلو په لار کی نه ستړي کیدونکی هلی
ځلی کړی د بلی خوا د ((دعوت)) زرینه میاشتنی خپرونه مو د یو ځلانده
ستوري په توګه دافغانستان دمطبوعاتو په اسمان کی روښانه ساتلی.
دادی افغانی کلتوري ټولنه ستا سو د دی سپیڅلی خدمتونو او
ستاینه کوی اوکور ودانی درته وایی.هیله ده چه دا کلتوري پاڅون ترپایه
تعقیب کړی . دلوی خدایه در ته په دی ملي خدمت کي بری غواړو.

په درنښت

پوهاند ډاکټر شاه ولي تراکوزی
د افغاني کلتوري ټولني مشر

(c) ketabton.com: The Digital Library

CERTIFICATE OF FELLOWSHIP

We hereby declare that

BAZGER M.TARIQ

Completed the IIIrd Media21 workshop on [illegible] during the Probalt Conference in Gdansk, Poland, Sept 13—Sept 19, 2009

MEDIA 21

دلوی خدای (ج) په نامه

IN THE NAME OF ALLAH

Cultural association of the friendship in Malmo of the Sweden

Mis/Mr.______________

Our association worthy of appreciation your
Excellent cultural activated
For Afghan people out and inside of Afghanistan

We wish more successfulness for you.

Thanks

Habibullah Ghamkhor
President of Cultural association of the friendship

(c) ketabton.com: The Digital Library

د افغانستان د کلتوري ودې ټولنه

Verein zur Förderung der afghanischen Kultur e. V.

ستاینلیک

د افغانستان د کلتوري ودې ټولنه ستاسو ښاغلي

طارق بزګر، د دعوت ويب پاڼې چلوونکی

هیواد ته، غوره علمي، کلتوري او ملي خدمتونه په ویاړ سره ستايي او له دې کبله تاسو ته دا ستاینلیک منظوروي.

ټولنه تاسو ته په دې سپېڅلي ملي لاره کې د لا ډېرو بریالیتوبونو هیله کوي، او په ګران هیواد افغانستان کې سوله او سوکالي غواړي.

په درنښت

د ټولنې مشرتابه جرګه

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

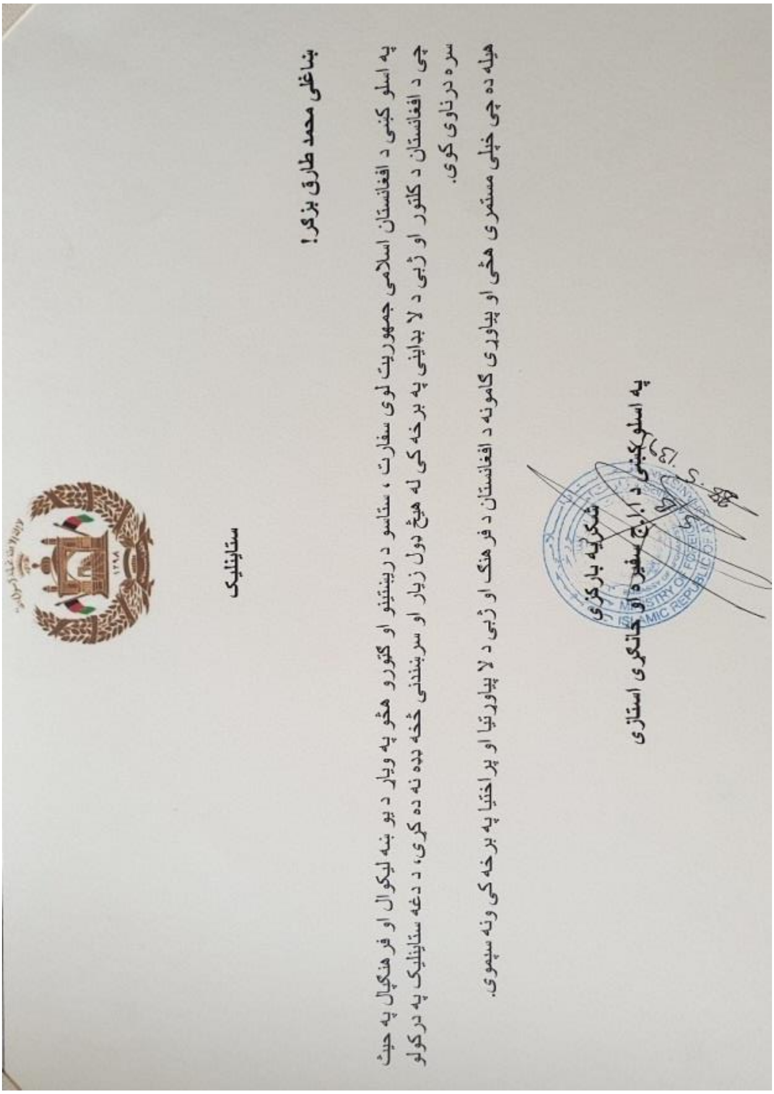

ستاینلیک

ښاغلی محمد طارق بزګر!

په اسلو کښې د افغانستان اسلامي جمهوریت لوی سفارت ، ستاسو د ریښتینو او ګټورو هڅو په ویاړ د یو ښه لیکوال او فرهنګپال په حیث چې د افغانستان د کلتور او ژبې د لا بډاینې په برخه کې له هیڅ ډول زیار او سرښندنې څخه ډډه نه ده کړې، د دغه ستاینلیک په ډرکولو سره درناوی کوي.

هیله ده چې خپلې مستمرې هڅې او پیاوړي ګامونه د افغانستان د فرهنګ او ژبې د لا پیاوړتیا او پراختیا په برخه کې ونه سپموی.

شکریه بارکزی

په اسلو کښې د ا.ا.ج سفیره او ځانګړې استازې

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

پنځم ځپرکی:

د دعوت نوستالژی

(c) ketabton.com: The Digital Library

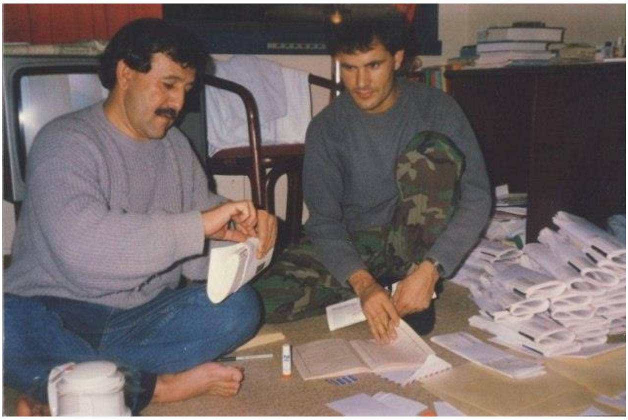

(c) ketabton.com: The Digital Library

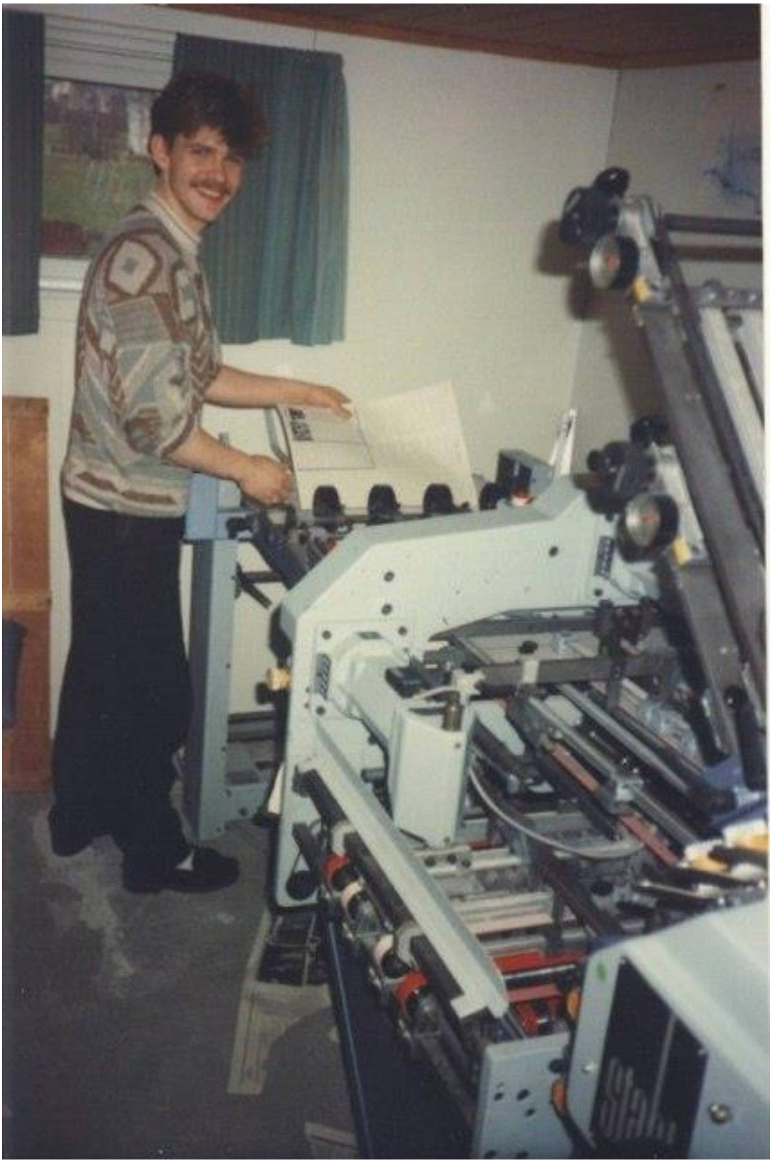

مسوول ناورويژی چاپ نشريه ی دعوت

(c) ketabton.com: The Digital Library

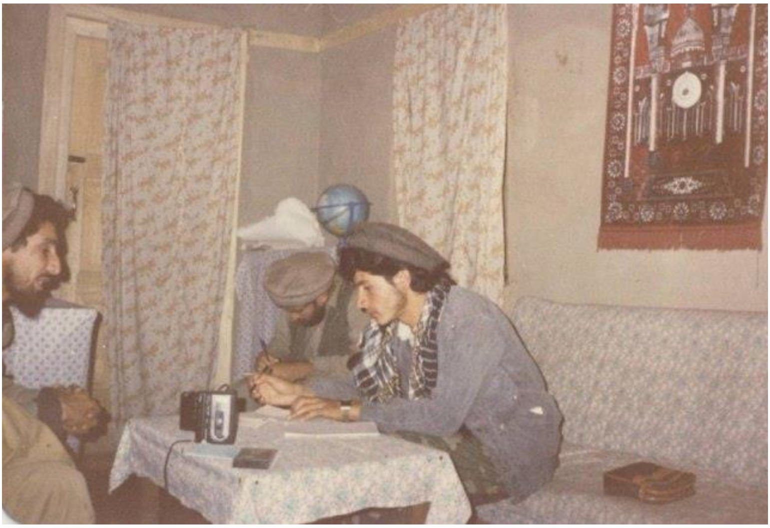

گزارشگران نشریه ی دعوت با مرحوم احمد شاه مسعود

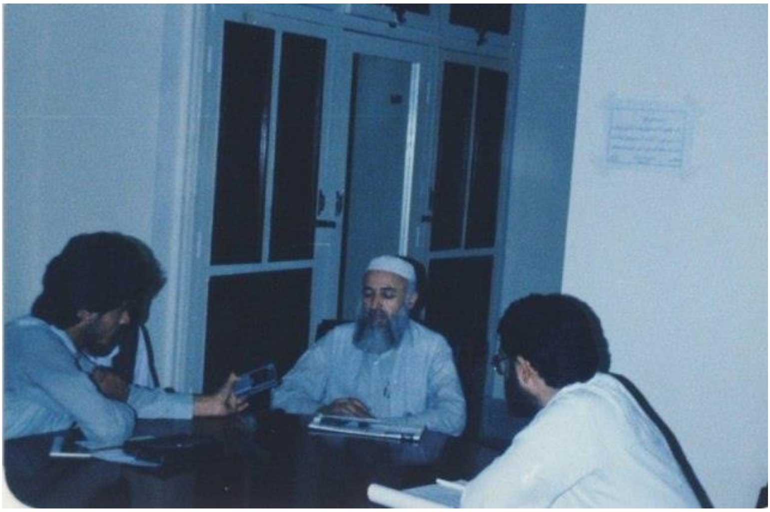

گزارشگران نشریه ی دعوت با ملا برهان الدین ربانی

(c) ketabton.com: The Digital Library

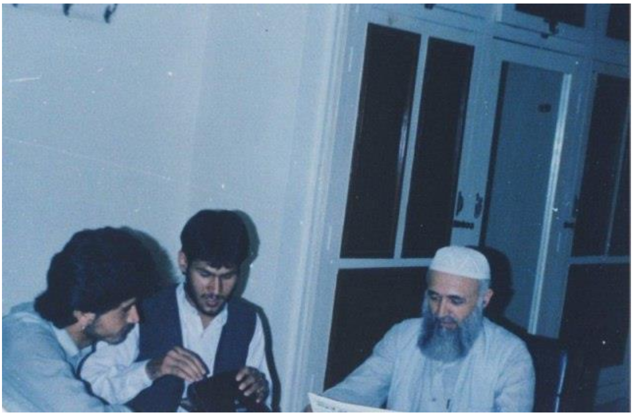

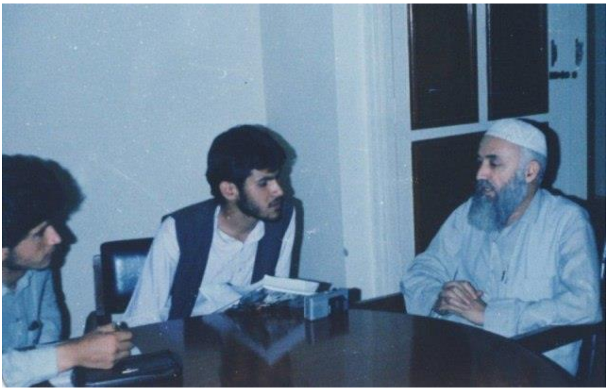

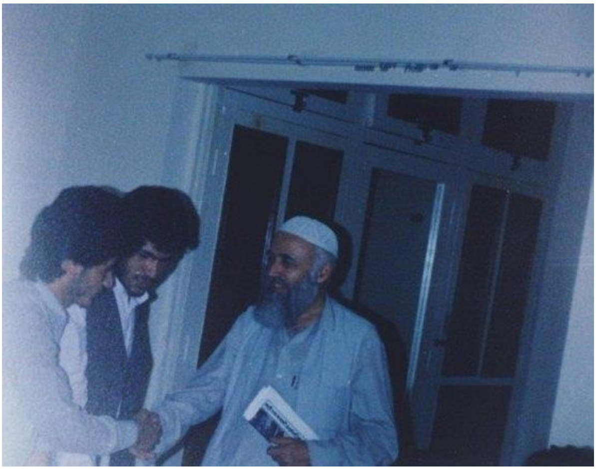

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

مرحوم علی احمد خان پوپل

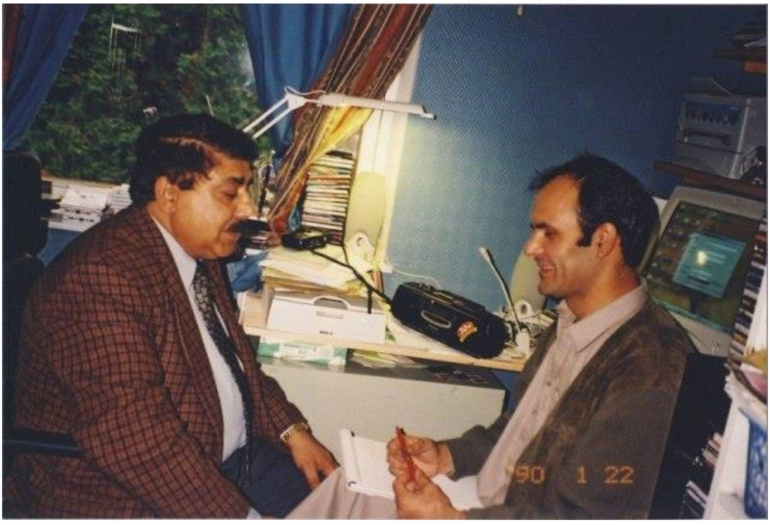

فاروق میرنی

(c) ketabton.com: The Digital Library

مرحوم پوهاند محمد حسن کاکر

الحاج فضل الکریم فضل

(c) ketabton.com: The Digital Library

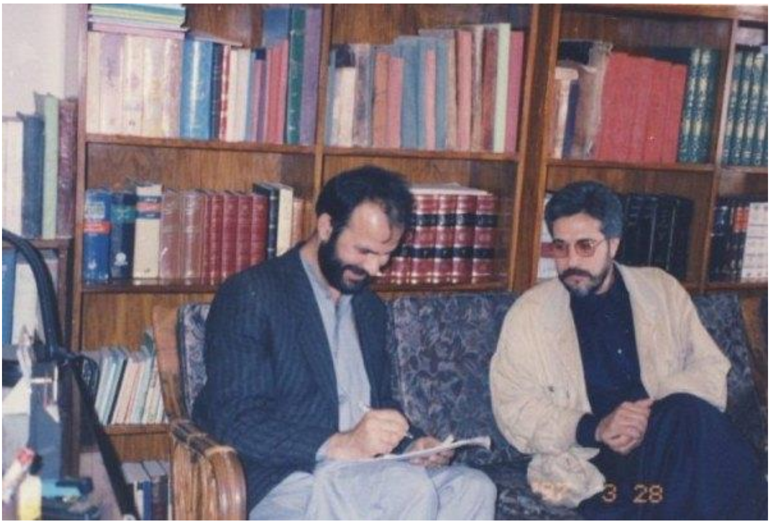

سید اسحاق گیلانی

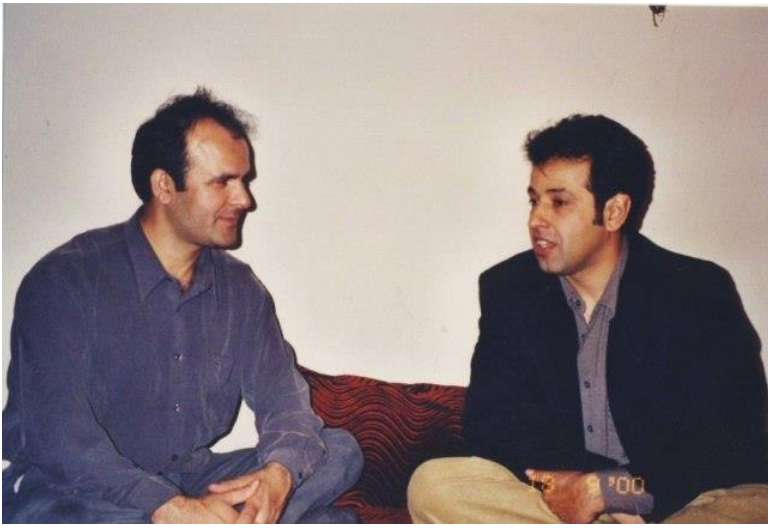

خالق عزیز

(c) ketabton.com: The Digital Library

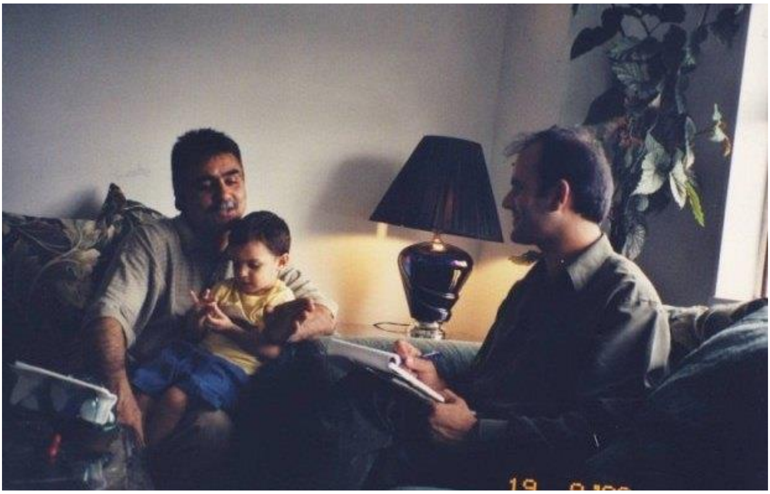

لطيف جان بابی

محمد گل دیانی

(c) ketabton.com: The Digital Library

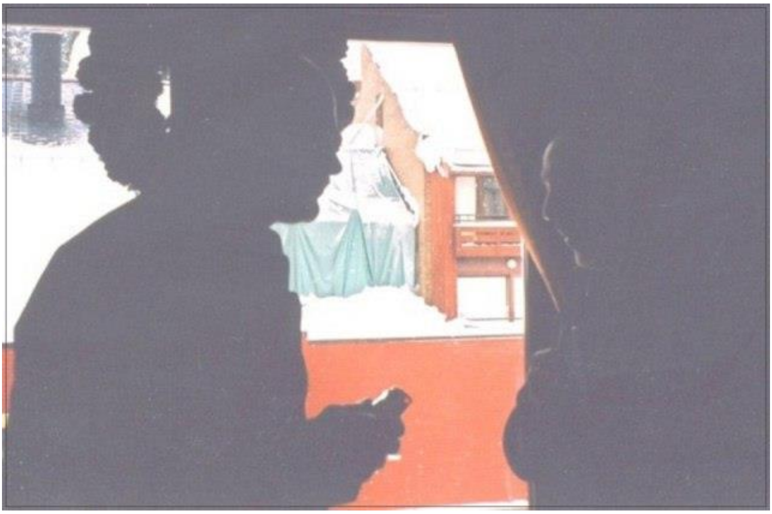

حامد كرزى

شینکی کروخیل

(c) ketabton.com: The Digital Library

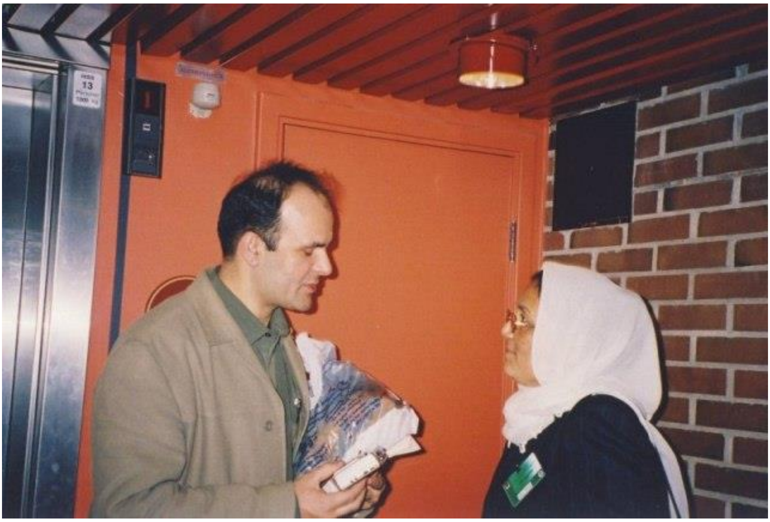

حبيبه سرابی

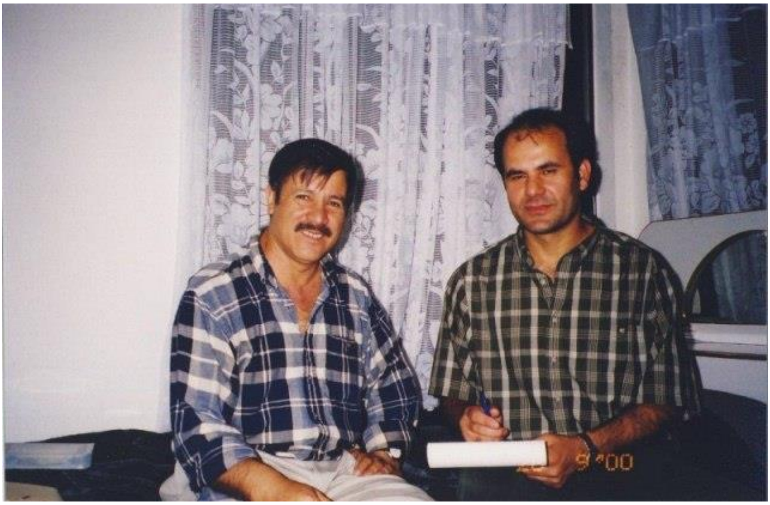

زمریالی

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

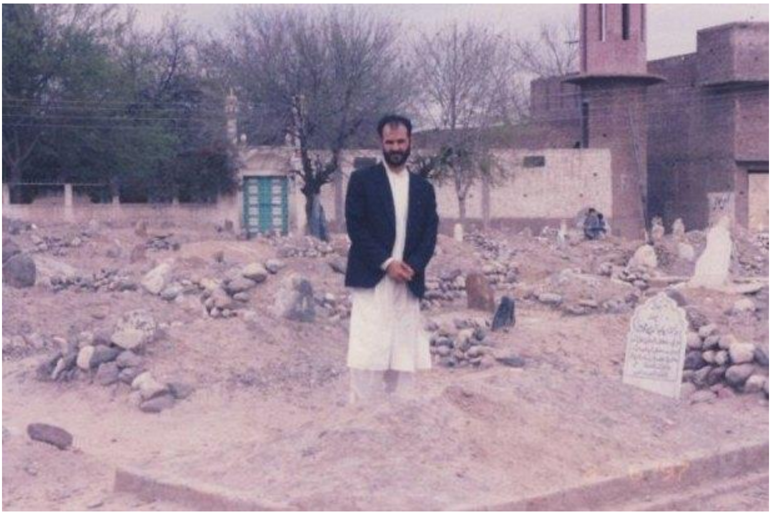

پشاور: مقبره ی مرحوم پوهاند سید بهاءوالدین مجروح

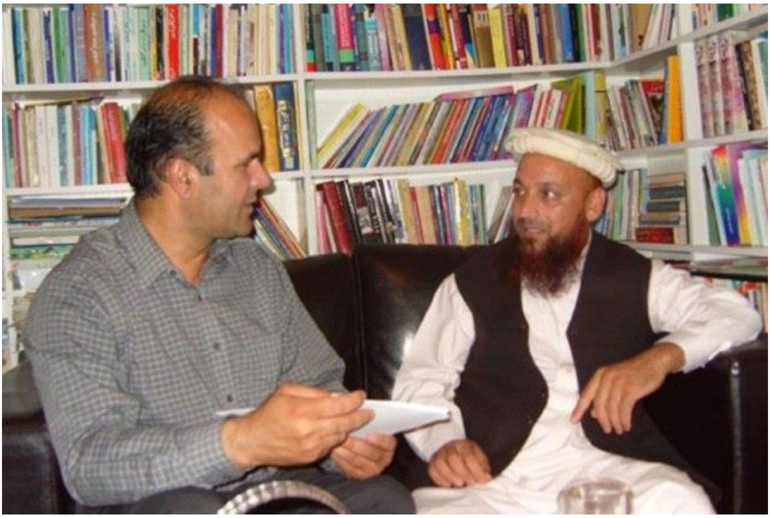

ساپی

(c) ketabton.com: The Digital Library

کبیر ستوری

بی نظیر بهوتو

(c) ketabton.com: The Digital Library

داکتر فرید بزگر

(c) ketabton.com: The Digital Library

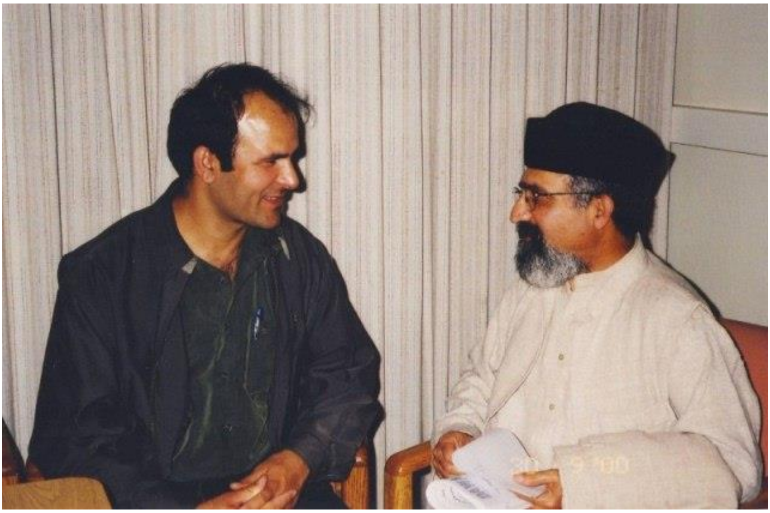

داوود مومند

(c) ketabton.com: The Digital Library

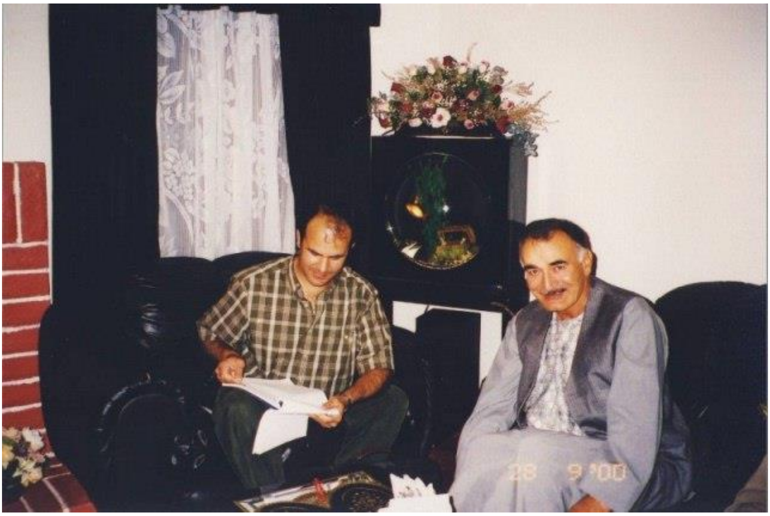

داکتر عبدالقیوم کوچی

داکتر نبی مصداق

(c) ketabton.com: The Digital Library

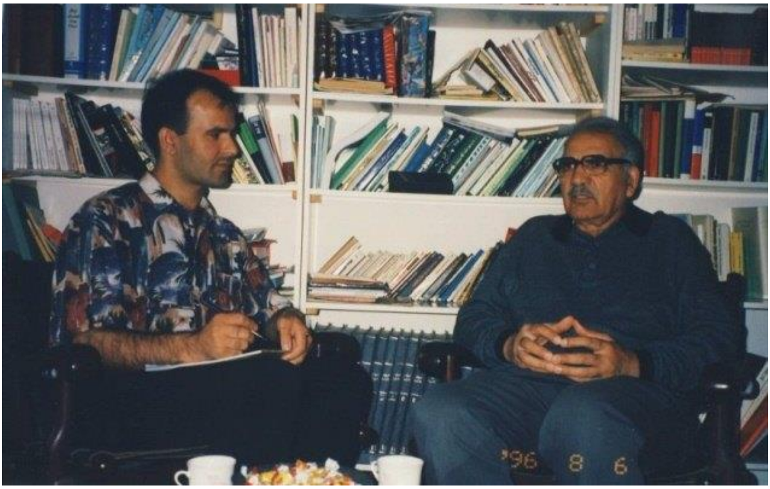

مرحوم داكتر عبدالصمد حامد

هاشم زمانی

(c) ketabton.com: The Digital Library

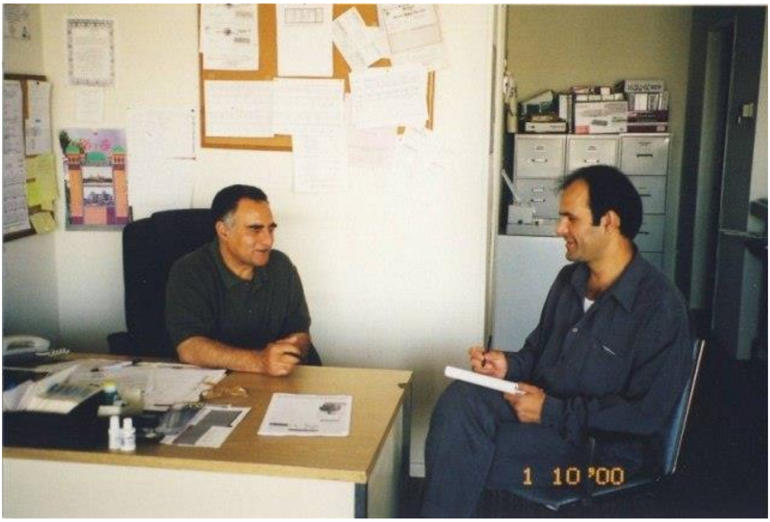

عبدالله مجروح

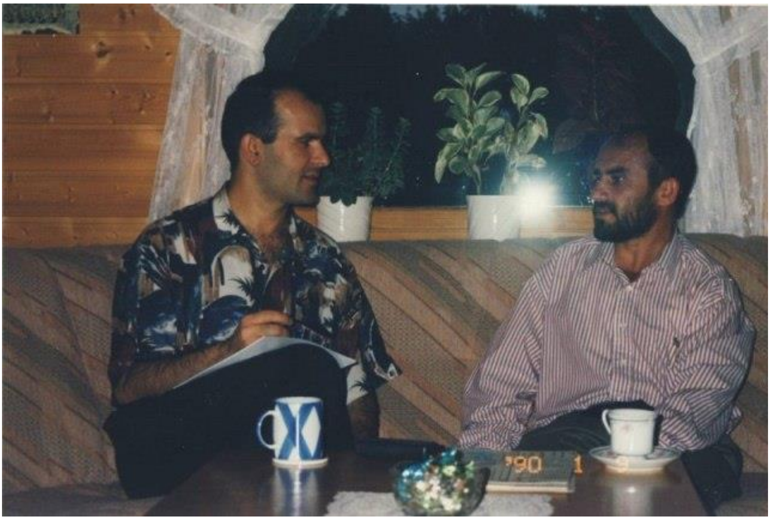

شينوارى

(c) ketabton.com: The Digital Library

سراج الدين منگل

ریود لیبور

(c) ketabton.com: The Digital Library

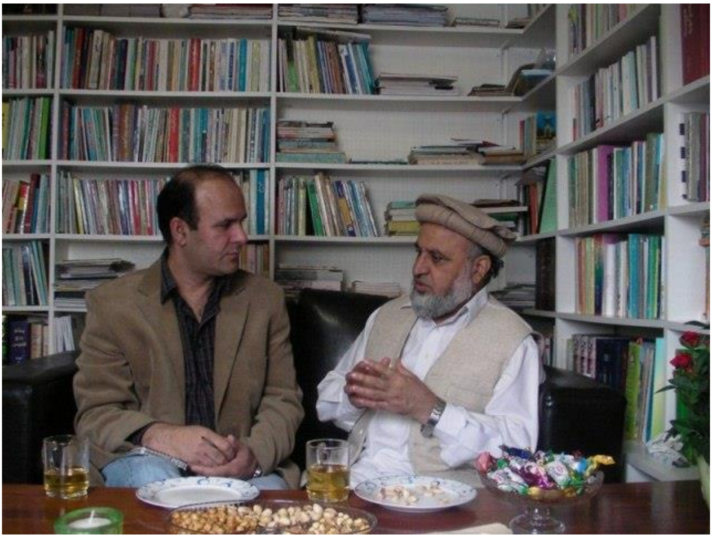

سیما ثمر

(c) ketabton.com: The Digital Library

شپږم څپرکی:

د انځورونو البم

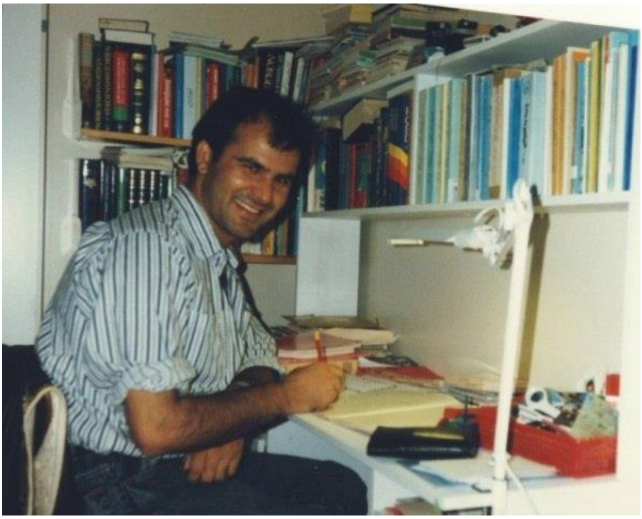

(c) ketabton.com: The Digital Library

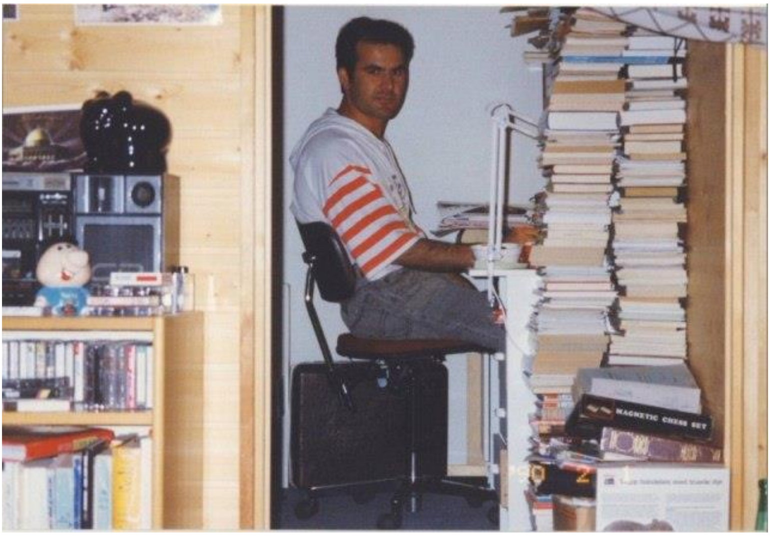

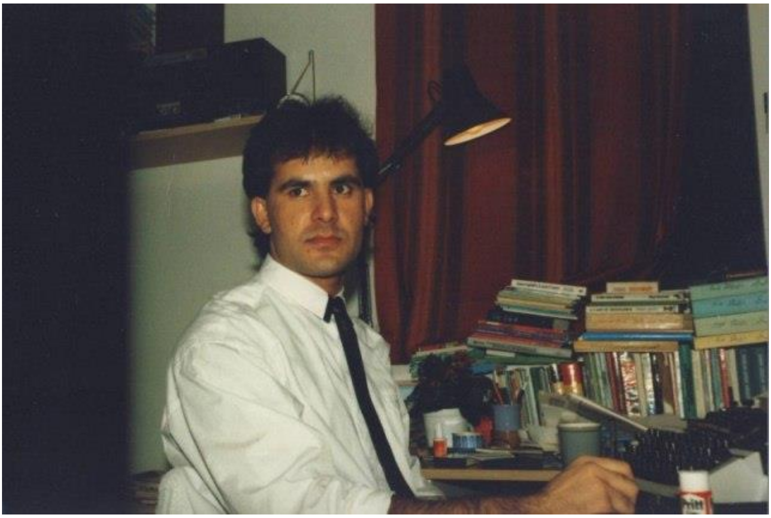

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

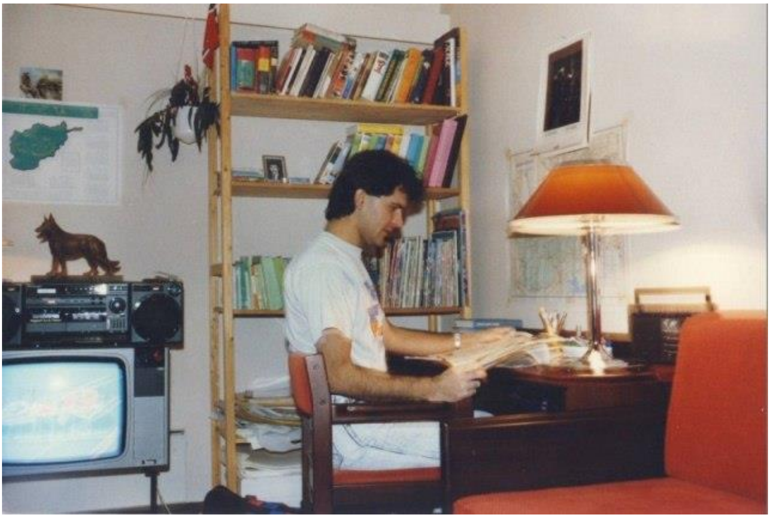

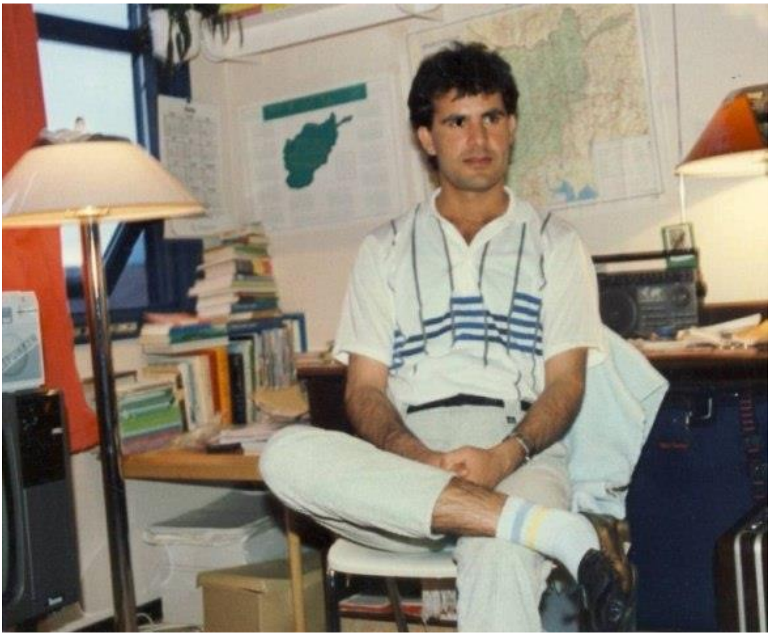

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

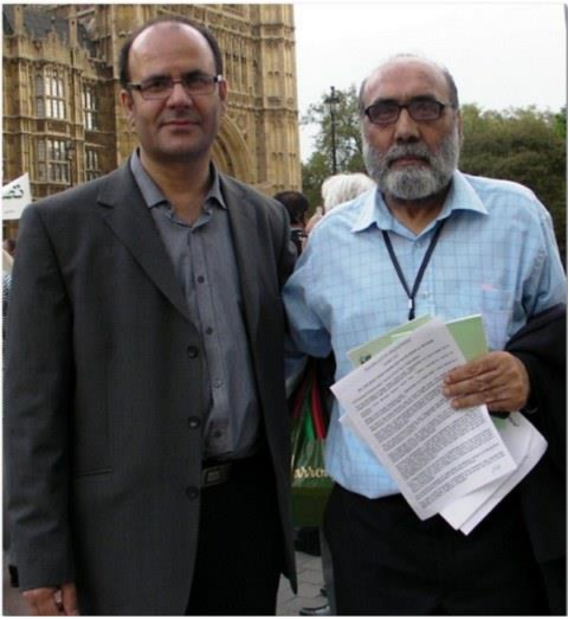

غلام محمد زرملوال

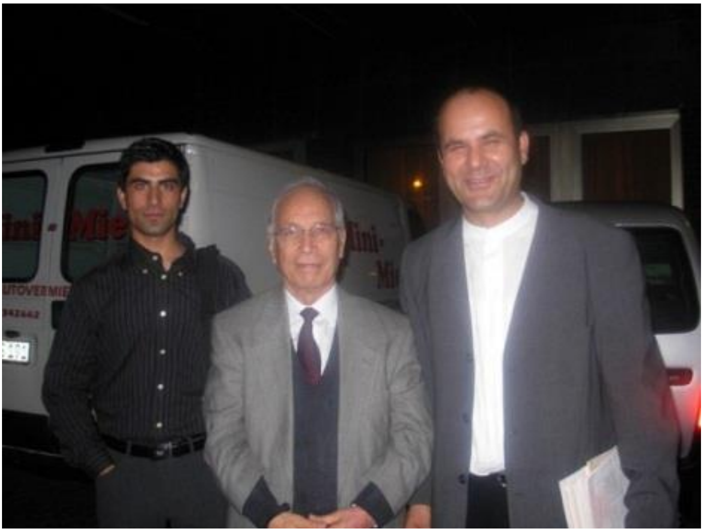

مرحوم پوهاند محمد حسن کاکر

(c) ketabton.com: The Digital Library

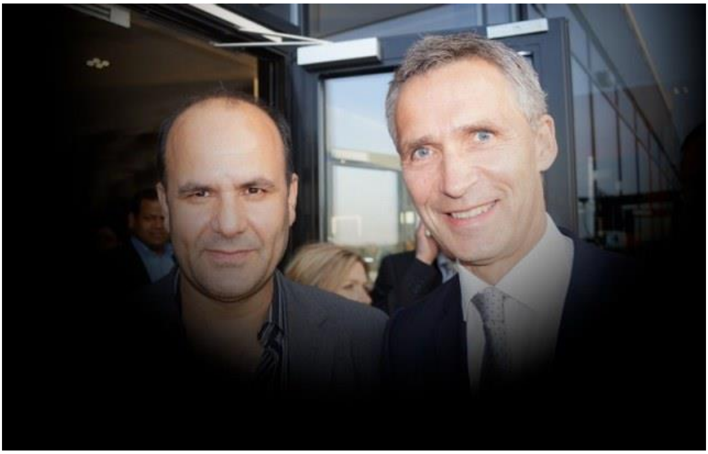

ستولتنبرگ

سفیر امریکا در ناروی

(c) ketabton.com: The Digital Library

مرحوم عبدالصمد حامد

باندویک

(c) ketabton.com: The Digital Library

از راست به چپ: استاد روستار تره کی، بزگر و غوث خبیری

ادوارد جیراد

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

معرفی مصطفی «عمرزی»
(نویسنده، پژوهشگر و روزنامه نگار)

- متولد ۲ عقرب سال ۱۳۶۲ در کابل.
- فارغ از «لیسه ی عالی استقلال» در سال ۱۳۷۸.
- فارغ به سویه ی دیپلوم از بخش «رادیو و تلویزیون» پوهنځی ژورنالیزم پوهنتون کابل در سال ۱۳۸۲.
- دارنده ی گواهینامه ی «گزارشگر انتخابات» از پروژه های آموزشی شبکه ی جهانی BBC.

تجربیات کاری:
عضو شورای مرکزی، گزارشگر، خبرنگار، روزنامه نگار، مدیر مسوول نشریه، همکار قلمی، مصحح، نویسنده، تهیه کننده، کارگردان، مسوول ارزیابی نشرات، مسوول طرح و ارزیابی و مسوول واحد فرهنگی در نهاد ها و رسانه هایی چون اتحادیه ی ملی ژورنالیستان افغانستان، اتحادیه ی ملی ژورنالیستان و خبرنگاران افغانستان، انجمن شاعران و نویسنده گان افغانستان، هفته نامه ی «قلم»، تلویزیون«۱»، رادیو و تلویزیون «باختر»، فصلنامه ی «بنیان اندیشی» (منتشره در جمهوری اسلامی ایران)، روزنامه ی «سرخط»، مجله ی «اوربند»، گاهنامه ی «تحریک»، وب سایت «تول افغان»، وب سایت «تول افغانستان»، وب سایت «دعوت میدیا ۲۴»، وب سایت «تاند»، وب سایت «روهی»، وب سایت «حقیقت»، وب سایت «دانشنامه ی افغان»، وب سایت «سمسور»، وب سایت «لر او بر»، وب سایت «نن»، وب سایت «خبرپانه»، وب سایت «کتابتون» و واحد تولید «آمو فلم».
آفرینش های کاری- فرهنگی
برنامه ها و فلم های مستند تلویزیونی:
۱- برنامه ی مستند تاریخی«یک سده فراز و نشیب» در تلویزیون «باختر»: ۱۴ قسمت ۲۴ دقیقه یی.
۲- برنامه ی مستند تاریخی «آیینه ی تاریخ» در تلویزیون «باختر»: ۱۸ قسمت ۲۴ دقیقه یی.

(c) ketabton.com: The Digital Library

۳- برنامه ی مستند ادبی «نای» در تلویزیون «باختر»: ۲۰ قسمت ۲۴ دقیقه یی.
۴- فلم مستند «۲۶ سرطان» در تلویزیون «باختر»: ۲۴ دقیقه.
۵- فلم مستند «پژواک کوهسار» (پیرامون زنده گی مرحوم فقیر فروزی) در تلویزیون «باختر»: ۴۰ دقیقه.

تخلیقات:

۱- صحبت های مغاره نشینان (طنزی)- منتشر شده است.
۲- افغانستان و بازار آزاد (سیاسی- اجتماعی)- منتشر شده است.
۳- مرز و بوم (تاریخی).
۴- چهار یادواره (معرفی چهار فرهنگی افغان)- منتشر شده است.
۵- سخن در سخن (معرفی کتاب ها).
۶- یک قرن در تاریخ و افسانه (تاریخ تحلیلی و شفاهی افغانستان از ۱۹۰۰ تا ۲۰۰۰ میلادی)- منتشر شده است.
۷- افغاننامه (مشاهیر افغان)- منتشر شده است.
۸- پشتون ها (تحلیلی)- منتشر شده است.
۹- رسانه ها، مدیریت و نوسان ها (رسانه یی).
۱۰- در هرج و مرج زیستن (سیاسی- اجتماعی).
۱۱- تاریخ عمیق (طنزی).
۱۲- اندیشه در بستر سیاست و اجتماع (مقالات منتشره در روزنامه ی سرخط)- منتشر شده است.
۱۳- با زبان دری (تحقیقی- تحلیلی)- منتشر شده است.
۱۴- روزگار (نوستالژی).
۱۵- پاسخ (واکنش ها).
۱۶- تامل و تعامل فرهنگی (فرهنگی).
۱۷- ارتجاع و مرتجع (انتقادی).
۱۸- سیر فرهنگی (فرهنگی).
۱۹- پی آمد تصویر (فلم و سینما).
۲۰- در منظر بیگانه (تحلیلی).
۲۱- ذهنیت متنازع (ابراز نظر).

جزوه ها:

۱- به رنگ آبی (زنده گی شهید مینا).
۲- مردی از سرزمین آزاده گان (زنده گی و برنامه ی انتخاباتی محمد شفیق گل آقا شیرزی).
۳- محمد نادر «نعیم» (زنده گی و برنامه ی انتخاباتی محمد نادر نعیم).

تالیفات:

(c) ketabton.com: The Digital Library

۱- هنر در سینمای افغانان (فلم هنری سینمایی افغانستان از ۱۳۲۷ تا امروز)- منتشر شده است.

گردآوری ها:

۱- زمانی که مفاخر ناچیز می شوند (تنقید تاریخی)- منتشر شده است.
۲- حقیقت خورشید (پیرامون کلمات افغان و افغانستان)- منتشر شده است.
۳- در جغرافیای جهان سوم (بررسی ستم ملی و ستیز قومی در ایران).
۴- در متن مدعا (اهل سنت در جمهوری اسلامی ایران).
۵- نگرش نو بر شاهنامه و فردوسی (تنقید فردوسی و شاهنامه)- منتشر شده است.
۶- مُنحنی تاریخ (تنقید کوروش و سلسله ی هخامنشی)- منتشر شده است.
۷- آریاییسم (تنقید پدیده ی آریایی)- منتشر شده است.
۸- پور خرد (معرفی زنده یاد استاد ناصر پورپیرار)- منتشر شده است.
۹- دریَ افغانی (پیرامون زبان دری و ویژه گی های آن)- منتشر شده است.
۱۰- آیین های سخیف (تنقید ادیان زردشتی، مزدکی و مانوی)- منتشر شده است.
۱۱- کتاب نامه ی من (پیرامون زنده گی و کارنامه ی مصطفی عمرزی).
۱۲- پندار ستمی (تنقید و بررسی پدیده ی معروف به ستمی).
۱۳- آرکاییسم (تنقید باستانگرایی)- منتشر شده است.
۱۴- معنی (گزیده هایی از سخنان اندیشمندان).
۱۵- محوطه ی سیاه (تبیین و بررسی فارسیسم).
۱۶- رسالت ملی (کارنامه ی محمد طارق بزگر).

ترجمه ها:

۱- تا حصار پنتاگون (سفرنامه ی واشنگتن): محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
۲- رسانه های کنونی افغانی: محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
۳- ساختار هندسی شعر پشتو: محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
۴- انگیزه های فرار نخبه گان حرفه یی از افغانستان: محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
۵- تخت دهلی را فراموش می کنم (سفرنامه ی هند): محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
۶- افغانستان در پیچ و خم سیاست: محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
۷- اگر جهانیان شکست بخورند؟: محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
۸- درست نویسی پشتو: محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
۹- فقر فرهنگی: محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.

(c) ketabton.com: The Digital Library

۱۰- در قلب کرملین (سفرنامه ی مسکو): محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
۱۱- مشی «تحریک ملی افغانستان»- در اختیار «د افغانستان ملی تحریک»، قرار داده شده است.
۱۲- اساسنامه ی «روند ملی جوانان افغان»- در «اختیار روند ملی جوانان افغان»، قرار داده شده است.
۱۳- اساسنامه ی «انجمن پیشرفت و رفاه زنان افغان»- در اختیار این نهاد، قرار داده شده است.
۱۴- اساسنامه ی «حزب حرکت مردمی افغانستان»- در اختیار این حزب، قرار داده شده است.
۱۵- مرامنامه ی «حزب حرکت مردمی افغانستان»- در اختیار این حزب، قرار داده شده است.
۱۶- ناگفته های ارگ: محمد اسماعیل «یون».

همکاری های فرهنگی با دیگران در تهیه ی کتاب ها، فلم ها و برنامه ها
کتاب ها و نشریات:
«سایه بان بی سایه»، «تحقیقی پیرامون سوابق تاریخی و موقف حقوقی قرارداد و خط دیورند»، «پشتونستان»، «پژواک؛ زنده ی جاویدان است»، «منار نجات»، «حکمیت انگلیس در سیستان»، «زنده گی امیر دوست محمد خان- جلد اول» و «پیروزی» (راجع به احمد یاسین سالک قادری).
فلم ها و برنامه های تلویزیونی:
«مستند باختر» (برنامه ی تاریخی)، برنامه ی اجتماعی »همتا»، «بازتاب اعتماد مردم» (سلسله ی انتخاباتی) و «شهید ملت» (مستند زنده گی شهید عبدالحق).
تاییدات فرهنگی- مدنی:
- ستایشنامه ی «پوهنځی ژورنالیزم» پوهنتون کابل در سال ۱۳۸۲ش.
- ستایشنامه ی «مجمع صلح افغانستان» در سال ۱۳۸۶ش.
- ستایشنامه ی «شورای ژورنالیستان افغانستان» در سال ۱۳۹۳ش.
- ستایشنامه ی «مشرانو جرگه ی افغانستان» در سال ۱۳۹۶ش.

(c) ketabton.com: The Digital Library

National mission

By:
Mustafa Omarzai

ISBN: 978-82-691395-3-2

Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library